

چکیده مقالات دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

به اهتمام
علی اکبر تاج مزینانی
محمد امیرپناهی
بهروز روستاخیز



چکیده مقالات دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران



چکیده مقالات
دومین همایش ملی
سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

به اهتمام
علی‌اکبر تاج‌زینانی
محمد امیرپناهی
بهروز روستاخیز

اردیبهشت ماه ۱۴۰۱

دانشکده علوم اجتماعی
و پژوهشکده مطالعات و سیاست‌گذاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی



چکیده مقالات دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

گردآورندگان: علی اکبر تاج‌مزینانی، محمد امیرپناهی و بهروز روستاخیز

ویراستاری و صفحه‌آرایی: بهروز روستاخیز و سمیه کاظمی

طراحی جلد: علیرضا چمن‌زار و ساناز صفردوست

چاپ و صحافی: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی

نوبت و سال چاپ: چاپ اول - ۱۴۰۱

شمارگان: ۱۵۰

وب‌گاه همایش: <https://spi.atu.ac.ir>

اعضای کمیته علمی

سید مرتضی افقه؛ محمد امیرپناهی؛ سعیده امینی؛ اردشیر انتظاری؛ ستار پروین؛
علی اکبر تاج مزینانی؛ محمد عثمان حسین بر؛ علی خاکساری رفسنجانی؛
محمد سعید ذکائی؛ حسین راغفر؛ محمد مهدی رحمتی؛ فرهاد رستگارنسب؛ سیامک
زند رضوی؛ علی اصغر سعیدی؛ وحید شالچی؛ محمد فاضلی؛ یعقوب فروتن؛
معصومه قاراخانی؛ مرتضی قلیچ؛ سیاوش قلی پور؛ روزبه کردونی؛ محمدتقی کرمی
قهی؛ میرطاهر موسوی؛ محسن موسوی؛ احمد نادری؛ یاسر باقری.

اعضای کمیته اجرایی

محمد امیرپناهی؛ فاطمه اکبرپور روشن؛ محمدامیر تقی نژاد؛ بهروز روستاخیز؛
رضا روشن قیاسی؛ محمدتقی کرمی قهی؛ رقیه خدایی؛ مهشید صفایی؛ علی مرادی.

فهرست مطالب

دیاچه

۱ علی اکبر تاج مزینانی

محور ویژه: سیاست گذاری اجتماعی و مسئله نابرابری در ایران

سیاست اجتماعی، گفتمان و بازتولید نابرابری

۶ کرم حبیب پور گتایی

نابرابری و فساد: شناسایی مسیرهای برون رفت از دام فساد

۸ مهدی مالمیر، رسول عباسی، محمد امیرپناهی

افزایش قیمت ها و تجربه فرودستی در طبقه متوسط؛ یک مطالعه کیفی در میان سرپرستان خانوارهای شهر یزد

۱۰ سیدمحسن موسوی، زهرا فلک الدین

مدخلی بر تأثیر سیاست گذاری اجتماعی بر نرخ فقر در ایران در دهه های ۹۰-۱۳۸۰

۱۲ حبیب جباری، سعید هراسانی، محمود نصیری

علل عدم تحقق سیاست گذاری اجتماعی در کاهش نابرابری

۱۴ یاسمن جلوه مقدم، امیر اکبری قمصری، مهدی مالمیر

نابرابری اجتماعی و سیاست گذاری در حوزه آموزش عالی

۱۶ قادر بالاخانی

ب | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

سیاست‌گذاری اجتماعی و مسئله نابرابری در ایران با تأکید بر عملکرد بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر

فاطمه عزیزی، حسین اکرمی آرانی ۱۸

بازتولید احساس نابرابری اجتماعی در دوره خدمت سربازی

علی فلاحتی ۲۰

بررسی تحقق عدالت در جامعه ایران: نمونه‌پژوهی استان‌های سمنان و کردستان (تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش‌های ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان)

مریم حسینی‌نیا، وحیده توحیدلو ۲۱

بررسی وضعیت نابرابری و رفاه اجتماعی در مناطق شهری و روستایی استان‌های کشور (با تأکید بر برنامه ششم توسعه)

محمدرحسین امجدی ۲۳

محور ویژه: سیاست‌گذاری اجتماعی و مدیریت بحران کرونا در ایران

واکنش اجتماعی مردم به موقعیت‌های اضطراری

احمد غیاثوند ۲۶

پیامدهای کرونا در طبقات اجتماعی در ایران

داود پرچمی، فاطمه جلالی ۲۸

مطالعه تطبیقی تأثیر فرهنگ خانواده‌محوری بر مرگ‌ومیر ناشی از کووید-۱۹

مسعود عالمی نیسی، عارفه‌السادات آقاسیدمرتضی حسینی ۳۰

فهرست مطالب | ت

حکمرانی مطلوب در دوران پسا کرونا با تکیه بر توانمندسازی و افزایش قابلیت اجرایی دولت

روح اله نصرتی ۳۲

سیاست اجتماعی متناسب با مخاطرات ویروس کرونا در ایران (با تأکید بر گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی)

رضا صفری شالی ۳۴

سیاست‌گذاری اجتماعی در دوره بحران: تأثیرات کرونا بر زندگی زنان سرپرست خانوار

حنان زارع، ملیحه شینانی ۳۶

بایسته‌های حقوقی سیاست‌گذاری در شرایط اضطراری در ایران

یاسر روستایی حسین آبادی ۳۸

برساخت اجتماعی سیاست‌های حمایتی و اقتصادی دولت در مواجهه با کرونا در فضای مجازی

علی رحیمی، عادل عبدالهی ۴۰

چالش‌های سیاست بازسازی بعد از زلزله (مطالعه موردی شهر سرپل ذهاب)

رحمت میرزائی ۴۲

بررسی چالش‌های سیاست‌گذاری و اجرای آموزش مجازی در مدارس ایران در دوران کرونا

علیرضا جابری، علیرضا قبادی ۴۴

کرونا و مسئله اعتماد اجتماعی

علی حاتمی، حسین نوری‌نیا، علی فلاحی ۴۶

ث | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

آسیب‌های ناشی از ویروس کرونا و اقدامات انجام‌شده در مقابل آن در جامعه ایران؛
یک مطالعه مروری

مریم کوشا، امیر لاهگانی ۴۸

ارزیابی سیاست‌های مقابله با کرونا در ایران

محمد فکری ۵۰

فاصله اجتماعی در همه‌گیری کرونا

حسین نوری‌نیا، علی حاتمی، معصومه قناتخانی، امیرحسین جلالی ندوشن ۵۲

شتاب اجتماعی، کرونا و مشکلات سیاست‌گذاری اجتماعی

حسن پورنیک ۵۴

پیامدهای آموزش مجازی در دوران پساکرونا

مریم رجب‌زاده ۵۶

کووید-۱۹ در ایران: مطالعه‌ای کیفی از تجربیات کارکنان خط مقدم مراقبت سلامت

علی صیامی ۵۷

ویروس کرونا (کووید-۱۹) و خلق ارزش اجتماعی

رحمت میرزائی ۵۹

تعاونی‌ها و مدیریت بحران کرونا

مریم ابراهیمی ۶۱

فهرست مطالب | ج

کرونا و چالش‌های حاکمیت قانون در شرایط اضطراری (مطالعه موردی ستاد مقابله با کرونا)

پیمان دولتخواه ۶۳

روزگار دانشگاه در پاندومی کرونا: مطالعه مقایسه‌ای دانشجویان دکتری دانشگاه علامه طباطبائی و دانشگاه تهران در دوران بحرانی شیوع ویروس کرونا

زینب بیلکی ۶۵

سیاست‌گذاری کرونایی، مدافع یا مهاجم حقوق شهروندی

حوریه‌سادات صالحی، فاطمه نامیان ۶۷

تحلیل سیاست‌های جغرافیایی ستاد ملی مقابله با کرونا

مختار جعفری ۶۹

آموزش مجازی، رسانه و کرونا

احسان مردوخ روحانی ۷۱

کرونا ویروس و مدیریت بحران: بررسی دیدگاه دانشجویان نسبت به سیاست‌گذاری‌های اجتماعی در زمینه مدیریت بحران کرونا

فاطمه نامیان ۷۳

ابعاد نظری و مفهومی سیاست‌گذاری اجتماعی

واکاوی مفهومی بنیان‌های سیاست اجتماعی در ایران پس‌انقلاب

مرتضی پرویزن، جعفر هزارجریبی ۷۶

گفتمان حمایت اجتماعی و نابسامانی‌های مفهومی پیرامون آن

یاسر باقری ۷۸

ح | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

رفاه در ۴ گفتمان

روزبه کردونی ۸۰

تئوری تلنگر و سیاست‌گذاری‌های معطوف به حل مسائل اجتماعی

مرتضی رستمی ۸۲

واکاوی جامعه‌شناختی دولت رفاه در رویکرد توسعه انسانی با تأکید بر سیاست‌های دولت یازدهم و دوازدهم

سید یاسین حسینی، کیومرث خزلی ۸۳

دولت ضعیف و سیاست‌های یارانه‌ای در ایران (۱۳۵۷-۱۳۹۸)

آیدین محمدی ۸۵

اخلاق و سیاست‌گذاری اجتماعی

سیدحسین نبوی ۸۷

تدوین الگوی نظام‌مند در فرایند اخلاق سیاست‌گذاری اجتماعی

مصطفی جانتقلی، سیما ناظری ۸۹

رویکرد نهادی در سیاست توسعه اجتماعی

مهدی مبارکی، نجمه‌سادات مصطفوی ۹۱

مقایسه تطبیقی اخلاق از منظر متفکران اجتماعی متأخر مسلمان با سیاست‌های اجتماعی دولت‌های رفاه

محسن مسعودیان ۹۳

فهرست مطالب | خ

بررسی نظریه عدالت جان رالز در مددکاری اجتماعی

مہسا کریمی، فائزہ پیازچیان لنگرودی ۹۵

سیاست گذاری و برنامه ریزی اجتماعی در ایران

مفهوم درک از عدالت در سیاست گذاری های جوانان: ظرفیت ها و چالش ها

اردشیر انتظاری، سیمین ویسی ۹۸

هویت ملی و سیاست گذاری اجتماعی در ایران: چالش ها و راهکارها

محمد عثمان حسین بر ۱۰۰

تحریم های بین المللی و الزامات سیاست گذاری اجتماعی در ایران

شهرروز شریعتی، محدثه نغرابادی مطلق ۱۰۲

از سیاست مسئله ناپینی تا سیاست مسئله مند در نظام اجتماعی ایران

احمد کلاته ساداتی ۱۰۴

ناترازی چرخه سیاست گذاری اجتماعی در ایران

سامان یوسفوند ۱۰۵

تحلیل محتوای برنامه های پنجم و ششم توسعه با تأکید بر آسیب شناسی سیاست گذاری و برنامه ریزی اجتماعی امر توسعه

شکیب ضری ۱۰۷

موانع درونی و بیرونی تعامل سازمان های مردم نهاد و خیریه با نهادهای حاکمیتی سیاست گذاری

سمانه سهرابی ۱۰۹

د | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

سیاست‌گذاری اقتصادی و توسعه

کاربست سیاست‌گذاری رفتاری در صنعت گردشگری و مهمانداری

احمد نادری، محمدرضا جلیلووند ۱۱۲

ارزیابی و تحلیل اثر کارآمدی اقتصادی برنامه‌های توسعه در ایران

مرضیه اسعدی، محمدمهدی لطفی هروی ۱۱۴

سنجش اثر فساد بر رشد اقتصادی: تحلیل مؤلفه‌های حکمرانی اقتصادی

محمدمهدی لطفی هروی، پارسا پورقاسم، مرضیه اسعدی ۱۱۶

سیاست‌گذاری اشتغال و بازار کار

طرد تهی‌دستان شهری از بازار کار و لزوم سیاست‌گذاری اجتماعی مناسب؛ مورد مطالعه: مناطق ۱۷، ۱۸ و ۱۹ شهر تهران

عبدالرسول هاشمی، مصطفی ازکیا، سیدیعقوب موسوی ۱۲۰

عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر در بروز سوانح شغلی و سیاست‌گذاری در جهت پیشگیری و کاهش آن‌ها

میثم کریم‌خانی، جعفر هزارجریبی ۱۲۲

تحولات فناوریانه بازار کار: دگرگونی اشتغال بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات در ایران و جهان

محمد خادمی کله‌لو، محمدجواد رحیمی ۱۲۴

شیوه‌های حمایت اجتماعی در بازار کار پیشامدرن در ایران؛ مورد مطالعه: بازار تهران قرن نوزدهم میلادی

ساجده علامه ۱۲۶

فهرست مطالب | ذ

سنجش توسعه‌یافتگی بازار کار استان‌های کشور و تأکید بر نابرابری‌ها در این بازار

محمدحسین امجدی ۱۲۸

مؤثر بودن استخدام در بخش عمومی (دولتی و شرکت‌های وابسته) به‌عنوان سیاست فعال بازار کار: مرور ادبیات بین‌المللی

نرگس حقى ۱۳۰

سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه آسیب‌های اجتماعی

الگوی سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه آسیب‌های اجتماعی در ایران

سیدحسن موسوی چاک ۱۳۲

سنخ‌شناسی و آسیب‌شناسی عملکردی مؤسسات رفاهی در حوزه کودکان کار (با تأکید بر ملاحظات سیاستی)

ستار پروین، مریم داودی ۱۳۴

ضرورت توجه به کاهش فقر ترکیبی کودکان در سیاست‌گذاری اجتماعی

منصور فتحی، مریم خاک رنگین ۱۳۶

ارزیابی اثربخشی سیاست‌های مقابله با بی‌خانمانی در ایران

مرتضی قلیچ، محمدعلی رضائی ۱۳۸

راهبردهای توانمندسازی اجتماعات فقیر از مجرای سیاست‌گذاری اجتماعی محله‌محور (مطالعه موردی سکونتگاه‌های فقیرنشین شهر کرمانشاه)

ساجده واعظ‌زاده، بی‌تا حامد ۱۴۰

سیاست‌گذاری پیشگیرانه در باب پدیده‌روسیگری

مجید فولادیان، عاطفه کابلی ۱۴۲

ر | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

بررسی تطبیقی چگونگی خدمات اجتماعی موجود در راستای کاهش کودک‌آزاری در ایران و جهان

حسین رضایی حسین‌آبادی، مرضیه قرانت خیابان ۱۴۴

نگاهی به وضعیت سیاست‌گذاری حوزه مبارزه با مواد مخدر در ایران با تأکید بر دو دهه اخیر

محمدجواد چیت‌ساز ۱۴۶

چالش‌های سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه کودکان کار و خیابان در ایران

سلمان قادری، مهری‌سادات موسوی، بهزاد همتی ۱۴۸

نقش مشارکت جوامع محلی در کاهش آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی محلات کم‌برخوردار

رباب صبوری، ابراهیم ایران‌نژاد، فایقه پورحمزه ۱۵۰

بررسی سیاست‌های کاهش آسیب‌های اجتماعی با تأکید بر جایگاه و نقش تشکلهای اجتماعی

مریم احمدی گیوی، بهمن مشکینی ۱۵۲

راهکارهای دفاتر تسهیلگری و توسعه محلی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی فرهنگی محلات کم‌برخوردار

رباب صبوری، فایقه پورحمزه، ابراهیم ایران‌نژاد ۱۵۴

سیاست‌گذاری اجتماعی با تأکید بر مسئله سرمایه اجتماعی در حوزه افشار و گروه‌های آسیب‌پذیر

سیما ناظری، فاطمه فراهانی ۱۵۶

فهرست مطالب | ز

چالش‌های سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه کاهش مسائل خانواده‌های دارای فرزند معلول

عهدیه اسدیپور ۱۵۸

سیاست‌گذاری جمعیت

ارزیابی سیاست‌های جدید جمعیتی در ایران از منظر نظریه گذار جمعیتی

محمود مشفق ۱۶۲

پاسخ‌های سیاستی به باروری پایین: تجارب بین‌المللی و ظرفیت‌های بومی

احمد دراهکی ۱۶۴

سیاست‌های نوین جمعیتی در ایران؛ تأملی بر چالش‌ها و پیامدها مطالعه موردی: تأثیر سیاست‌ها بر زنان کم‌برخوردار جنوب شهر تهران

فروزنده جعفرزاده‌پور، زاهرا مختاری‌نیا، تهمینه شاوردی ۱۶۶

ارزیابی پیشینی سیاست جوانی جمعیت و حمایت از خانواده و ارائه راهکارهای بهبود آن

محمدرضا یزدانی زازرانی، ابودر غفاری‌راد ۱۶۸

سیاست‌گذاری اقوام و گروه‌های مهاجر

سیاست‌های قومیتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

محمد یزدانی‌نسب ۱۷۲

آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری و حکمرانی جمهوری اسلامی ایران در حوزه مهاجرت‌های بین‌المللی

سعیده سعیدی ۱۷۴

س | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

سیاست‌های مهاجریزیری در ایران پسانقلابی (مورد مهاجران افغانستانی)

حسین میرزائی ۱۷۶

چالش‌ها و گزینه‌های سیاستی پیش روی ایران در دوران مهاجرت عام اجتماعی

بهرام صلواتی سرچشمه ۱۷۸

الگوی برای سیاست‌گذاری اجتماعی در گروه‌های مهاجر (با تأکید بر گروه‌های آذری‌زبان مهاجر در یزد)

منوچهر علی‌نژاد ۱۸۰

روایت‌پژوهی در سیاست‌های آموزشی مهاجران در ایران: مسئله شهریۀ دانشجویان روزانۀ مهاجر

حمزه حاجی‌عباسی، امیرحسین چیت‌ساززاده ۱۸۲

بررسی جامعه‌شناختی ادغام فرهنگی و اجتماعی مهاجران در ایران (با تأکید بر چالش‌ها و راهکارها)

سیدمحمد فیروزی ۱۸۴

سیاست‌گذاری زنان و خانواده

بررسی موانع و مشوق‌های کارآفرینی زنان در ایران با تأکید بر فراترکیب پژوهش‌های یک دهۀ اخیر

حمیده دباغی ۱۸۸

دگردیسی در ساختار خانواده و خلاء سیاست‌گذارانه در مواجهه با الگوهای نوظهور

ابوذر قاسمی‌نژاد ۱۸۹

فهرست مطالب | ش

سیاست خانواده در ایران و ایدئولوژی مادری

فاطمه موسوی و بایه ۱۹۱

نقدی بر سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در حوزه خانواده

صمد عدلی‌پور ۱۹۳

تحولات مضمونی سیاست خانواده در قوانین برنامه‌های شش‌گانه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

آسیه ارحامی ۱۹۵

سیاست‌گذاری اجتماعی و محیط‌زیست

الزامات گذار از شرایط بحرانی آب: سیاست‌گذاری اجتماعی آب

احمد محمدی، جعفر هزارجریبی ۱۹۸

اسناد بالادستی مبنای برای سیاست‌گذاری فرهنگی شهروندی زیست‌محیطی

عیسی عابدینی، ابراهیم ایران‌نژاد، مهدی آقاپور ۲۰۰

ارزیابی ابزارهای سیاست‌گذاری زمین در راستای آزادسازی حریم ساحل دریای کاسپین

مائده هدایتی‌فرد ۲۰۲

بررسی جامعه‌شناختی رابطه سیاست‌گذاری اجتماعی با رفتار محیط‌زیستی

(مورد مطالعه: ساکنان استان کردستان)

سید یاسین حسینی ۲۰۴

ص | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

منابع اعتباربخش و فنون اقناعی در مطالب رسانه‌ای مرتبط با جنگل‌های شمال کشور
در روزنامه‌های کثیرالانتشار و پیامدهای سیاستی آن

امیرحسین مظاهری، محمد عوافقی همت، عباس قنبری باغستان، سیدمهدی حشمت‌الواعظین، فرشته
مظاهری ۲۰۶

سیاست‌گذاری شهری-روستایی

زیرساخت‌های اجتماعی و اهمیت آن‌ها در سیاست‌گذاری اجتماعی شهری
مرور تجربه شهر جدید عالی شهر

حسین ایمانی جاجرمی ۲۱۰

ارزیابی تاب‌آوری در مقابله با مخاطرات محیطی در اجتماعات شهری
(نمونه موردی شهر کامیاران)

محمد شیخی، اسماعیل پیری، یادگار محمدی ۲۱۱

سیاست‌گذاری سوگیرانه شهری، مشوق نابرابری اجتماعی و فضایی بین مناطق
شهری-روستایی

حبیب جباری، مریم احمدپور، مرضیه زارع، مریم عباسوند مشاری ۲۱۳

سیاست‌گذاری زمین‌های وقفی در جهت پیشبرد طرح‌های توسعه شهری
(نمونه موردی: کلان‌شهر اصفهان)

میترا عطیمی، امیر اکبری‌نژاد ۲۱۵

تحلیل و ارزیابی عملکرد جمعیت‌پذیری شهرهای جدید در ایران

محمد شالی، رامین اصغری فسقندیس ۲۱۷

فهرست مطالب | ض

سیاست‌گذاری مسکن

ارزیابی سیاست‌گذاری اجتماعی حوزه مسکن در ایران
(نمونه موردی مسکن مهر پرنده)

۲۲۰ مریم زارعیان

بررسی سیاست‌های مدیریت روستایی در بخش مسکن
(مورد گسترش گردشگری خانه دوم (ویلا) در استان مازندران)

۲۲۲ احمد محمدی

برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مسکن روستایی در آمریکا؛ آموزه‌های برای ایران

۲۲۴ فاطمه عزیزی، نسرين کاظمی

مسئله سیاست اجتماعی مسکن در ایران: بررسی اثرات اجرای پروژه مسکن مهر بر
گسترش پدیده افتراق فضایی-اجتماعی در مجموعه کلان‌شهری تهران

۲۲۶ علیرضا وزیری‌زاده، نسرين حق‌شناس گرگانی

سیاست‌گذاری فرهنگی

بررسی تاریخی-تحلیلی سیاست‌گذاری‌های اجتماعی نهاد آستان قدس رضوی در دوره
پهلوی

۲۳۰ مصطفی فرزانه، مجید فولادیان، وحید شالچی

اقتصاد سیاسی سیاست‌گذاری فضای مجازی در ایران

۲۳۲ غلامرضا حداد

سیاست‌گذاری فرهنگی معطوف به تقویت زنجیره ارزش بازتولید لباس سنتی در ایران

۲۳۴ بهروز روستاخیز، سمیه کاظمی

ط | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

دولت و سیاست‌گذاری صنایع فرهنگی (تحلیل اسناد بالادستی)

۲۳۷ داود پرچمی، فاطمه درخشان

ساخت مسئله در سیاست‌گذاری فرهنگی: تضادها و جدال‌های ناخواسته

۲۳۹ سید یاسر جلالی

سیاست‌گذاری آموزش، علم و فناوری

یادگیری اجتماعی عاطفی و نظام آموزشی پایه در ایران؛ چالش‌ها و راهکارها

۲۴۲ سعیده امینی

فقدان سیاست‌گذاری اجتماعی مبتنی بر اخلاق مسئولیت مطالعه موردی: سیاست عدالت آموزش عالی در ایران

۲۴۴ محمدجواد اسماعیلی

بررسی توسعه نظام آموزش عالی کشور با تکیه بر تنوع فرهنگ‌های محلی- قومی

۲۴۶ روح اله نصرتی

الزامات سیاست‌گذارانه در مسیر کاهش شکاف جنسیتی در عرصه علم و فناوری ایران

۲۴۸ لیلا فلاحتی

نقدی پست‌مدرن بر سیاست‌گذاری اجتماعی آموزش عالی در ایران؛ مبنای امکانی و سوژه‌های منسجم‌شده

۲۵۰ عطیه خاکسار فرد، مهدی خضریان

سیاست‌گذاری آموزش عالی و بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی

۲۵۲ احسان مردوخ روحانی، حیدر ارشدی

فهرست مطالب | ظ

سیاست‌گذاری سلامت و تأمین اجتماعی

نشاط و شادکامی در ایران؛ امری در میانه سیاست اجتماعی و سیاست فرهنگ

محمد امیرپناهی، مهدی مالمیر، میثم شمسی کوشگی ۲۵۶

سیاست‌گذاری شادمانی در برنامه‌های توسعه؛ چرا و چگونه؟

سید محسن موسوی ۲۵۸

مددکاری اجتماعی و سیاست‌گذاری اجتماعی: چالش‌ها و ضرورت‌ها

حمیده عادلین راسی ۲۶۰

بررسی انتقادی سیاست‌های مربوط به بیماری‌های روانی در ایران از منظر اجتماعی

نوح منوری، آیدا نوابی ۲۶۲

موانع و چالش‌های سیاست‌گذاری در حوزه سالمندان در ایران

جواد فعلی ۲۶۴

مطالعه اثرات متغیرهای اقتصادی و اجتماعی بر سلامت: با استفاده از مدل ARDL

سعیده گراوند، مونا خورشیدی، عبدالواحد خنامرادی ۲۶۶

ناهمگنی فضایی سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه بهداشت و سلامت و نابرابری‌های اجتماعی

مهدی مبارکی، نجمه‌سادات مصطفوی ۲۶۸

کفایت، عدالت بین نسلی و پایداری مالی در سیستم‌های بازنشستگی توازن درآمد-هزینه

شیوا مهدی‌پور قبادلو ۲۷۰

ع | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

دانش مدیریت و چرخه سیاست‌گذاری در نظام سلامت: یک مرور سیستماتیک

ایمان اسکندری، فاطمه قاسمی، کوکب بصیری مقدم ۲۷۲

سرمایه‌گذاری در سواد سلامت: مقایسه رویکردهای سیاستی ایران با سازمان
بهداشت جهانی

راضیه کاهه، محمد حسن زاده ۲۷۴

دیباچه

با گذشت پنج سال از زمان برگزاری «اولین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران»، اکنون بیش از هر زمان دیگری نیاز به پرداختن به این حوزه آکادمیک و اجرایی در کشور احساس می‌شود. تحولات شگرف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که در سال‌های اخیر جامعه ایرانی را دستخوش تغییرات، التهابات و نااطمینانی‌های گسترده ساخته است، از منظرهای مختلف با دستورکارهای اصلی سیاست‌گذاری اجتماعی ارتباط وثیق دارد. تعمیق نابرابری‌های اجتماعی در عرصه‌های مختلف، حاکی از غلبه سیاست‌های ناعلمانی بر سپهر سیاست‌گذاری عمومی کشور و آثار و پیامدهای نامیمون این سیاست‌ها بر گسترش فقر و نابرابری است. از سوی دیگر و در نبود سیاست‌های اجتماعی کارآمد و جبران‌کننده، مردم خود باید به چاره‌جویی مسائلی برخیزند که هیچ نقشی در ایجاد آن‌ها نداشته‌اند. این وضعیت منجر به بروز ناآرامی‌ها و شکل‌گیری مطالبات جمعی از سوی اقشار مختلف (بازنشستگان، معلمان، کارگران و غیره) شده است که مستلزم «پاسخ‌سیاستی»، به‌جای واکنش سیاسی است و در صورت دل‌خوش کردن به راه‌حل‌های مقطعی و عدم‌ارائه پاسخ‌های سیاستی متقن، پایدار و مبتنی بر گفت‌وگوی اجتماعی، باید انتظار بازگشت موج‌های بعدی سررسید مطالبات اجتماعی در شکلی گسترده‌تر را داشت.

۲ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

همه این موارد در حالی است که ما شاهد روی‌آوری پی‌درپی دولت‌ها به سیاست‌های نادرست آزمون‌شده در دوره‌های گذشته و عدم «یادگیری سیاستی» از خطاهای پیشین هستیم که مهم‌ترین شاهد مثال آن تکیه بر منابع ناپایدار (همچون آزادسازی حامل‌های انرژی) برای تأمین مالی سیاست‌های اجتماعی و غلبه «رویکرد پول‌پاشی» در رفع نیازها و مسائل اجتماعی است. در این میان، آنچه بر وخامت اوضاع افزوده است، تداوم تحریم‌های ظالمانه و عدم‌گشایش در سطح بین‌المللی همراه با شیوع پاندمی کرونا در دو سال گذشته است که تاب‌آوری دولت و بازیگران غیردولتی و نهادهایی همچون خانواده را نیز در پاسخ به نیازها و حل مسائل اجتماعی به‌شدت، تحت‌الشعاع قرار داده است.

با درک اهمیت سیاست‌گذاری اجتماعی در وضعیت کنونی کشور، دانشگاه علامه طباطبائی در پنج سال اخیر گام‌های متعددی را برای پیشبرد این حوزه در ابعاد آموزشی و پژوهشی بر داشته است. تدوین و تصویب رشته کارشناسی سیاست‌گذاری اجتماعی و همچنین کارشناسی ارشد سیاست‌گذاری اجتماعی (با همکاری دانشگاه‌های مختلف) که به‌زودی اقدام به پذیرش دانشجو خواهد کرد، تأسیس «پژوهشکده مطالعات و سیاست‌گذاری اجتماعی»، برگزاری «همایش بین‌المللی سیاست‌گذاری اجتماعی در جهان اسلام» و انتشار چندین اثر در سطح ملی و بین‌المللی در زمینه‌های مختلف مرتبط با سیاست‌گذاری اجتماعی، از جمله این اقدامات به شمار می‌رود.

دییاجه | ۳

با توجه به مطالب فوق، برگزاری «دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی» در دستور کار دانشگاه علامه طباطبائی قرار گرفت تا گامی دیگر در مسیر عمل به رسالت «علوم اجتماعی سیاست‌گذار» برداشته شده و در کنار سایر رویکردهای مفید و لازم علوم اجتماعی، بر نقش حیاتی رویکرد سیاست‌گذارانه و کاربرست دستاوردهای شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی در حل مسائل پیش روی جامعه ایرانی تأکید شود. خوشبختانه همایش مزبور با استقبال مناسب پژوهشگران، اساتید و دانشجویان گرامی مواجه شد و در مجموع، بیش از ۱۹۰ چکیده مقاله به دبیرخانه همایش واصل گردید. از این میان و پس از داوری چکیده‌های مقالات، تعداد ۱۴۴ چکیده برای ارسال اصل مقاله مورد تأیید قرار گرفت که در مجموعه حاضر تقدیم خوانندگان عزیز می‌شود.

ضمن تشکر از همه بزرگوارانی که با مشارکت ارزشمند خود در این همایش بر غنای علمی آن افزودند، امیدواریم در مرحله بعدی نیز بتوانیم با انتشار مجموعه مقالات همایش گام مؤثری در جهت ترویج آثار و دستاوردهای علمی صاحب‌نظران و محققان ارجمند کشور در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی برداریم.

علی‌اکبر تاج‌زینانی

دبیر علمی همایش

محور ویژه:

سیاست‌گذاری اجتماعی و مسئله نابرابری در ایران

سیاست اجتماعی، گفتمان و بازتولید نابرابری

کرم حبیب‌پور کتابی؛ استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی

چکیده

ایدهٔ محوری نوشتار این است که سیاست اجتماعی، به دلیل خصلت گفتمانی، منشأ (باز)تولید نابرابری است. در حقیقت، مقاله حاضر در چارچوب پارادایم پساساختارگرایی و با رد بنیادگرایی و ذات‌گرایی معرفتی در مواجهه با سیاست اجتماعی، بر این باور است که آن تلقی متعارف از سیاست اجتماعی که آن را صرفاً یک متن تلقی کرده و بنابراین مقرر است نابرابری‌ها را در جامعه مرتفع سازد، تلقی خطی و ساده‌انگارانه و در نتیجه، پیمودن کج‌راهه است. به‌زعم نویسنده، این تلقی متعارف، به دلیل نداشتن رویکرد انتقادی و در نتیجه، با اکتفا بر پارادایم اثبات‌گرایی و منطق رابطه خطی بین متغیرها، دچار نوعی کج‌فهمی از واقعیت شده و غافل است که سیاست اجتماعی یک گفتمان است و این تلقی گفتمان‌گونی از آن، اساساً خود منجر به تولید و بازتولید نابرابری می‌شود؛ به‌جای آنکه به رفع آن منتهی شود. بنابراین، وقتی می‌گوییم سیاست اجتماعی عین گفتمان است؛ یعنی هم برسازنده و هم برساخته جهان اجتماعی است و مبتنی است بر زبان، دانش و قدرت، تکنولوژی‌های خود و قدرت، کردارهای تقسیم‌کننده، کردارهای ساختاردهنده، بازنمایی‌کننده و سوزده‌سازی، کردارهای رؤیت‌پذیرسازی و عینیت‌بخشی، و امثال آن. پس، در چنین بافت و خصایلی، سیاست اجتماعی‌ای که خود لاجرم نابرابری را (باز)تولید می‌کند، چگونه قرار است و اساساً چگونه می‌تواند نابرابری

سیاست‌گذاری اجتماعی و مسئله نابرابری در ایران | ۷

ساخته خویشتن را از میان برچیند؟! مع‌الوصف، مقاله حاضر ضمن دلالت آشکار بر گفتمانیت سیاست اجتماعی، استدلال خواهد کرد که از این منظر، این سیاست‌ها چگونه منشأ تولید و بازتولید نابرابری‌های اجتماعی می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: سیاست اجتماعی، گفتمان، قدرت، نابرابری، بازتولید.

نابرابری و فساد: شناسایی مسیرهای برون‌رفت از دام فساد

مهدی مالمیر؛ استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

رسول عباسی؛ استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

محمد امیرپناهی؛ استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

این مقاله در صدد است تا با مراجعه به شاخص‌های عینی موجود برای فساد، نظیر شاخص ادراک فساد (CPI) که به شکل گسترده‌ای مورد استفاده نهاد بین‌المللی شفافیت (TI) قرار می‌گیرد و از سال ۱۹۹۵ به صورت سالانه اندازه‌گیری می‌شود، و سنجۀ جامع «کنترل فساد» که به وسیله پروژۀ حکمرانی بانک جهانی تهیه می‌شود، ابتدا کشورهای را که موفق شده‌اند فساد را کنترل نمایند، شناسایی نماید. سپس با روش تطبیقی-فازی و ورود متغیرهای مؤثر در سطح نهادی به عنوان شروط مؤثر بر متغیر نتیجه (خروج از دام نابرابری-فساد) تحلیل شروط لازم و کافی و ترکیب آن‌ها بررسی می‌شود. شناسایی مسیرهای برون‌رفت از فساد که در این جوامع تجربه شده است، می‌تواند راهنمای عمل مفیدی برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان جوامعی باشد که کماکان با این مشکل مواجه‌اند. در مجموعه کشورهای در حال گذار مورد مطالعه، وضعیت کشور ایران در کنار دیگر جوامع به صورت مقایسه‌ای مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد میانگین دوره ۱۰ ساله حداثت سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۱ میلادی برای این

سیاست‌گذاری اجتماعی و مسئله نابرابری در ایران | ۹

شاخص در ایران برابر با ۲۷ (از ۱۰۰) است که در مقایسه با میانگین کشورهای درحال‌گذار که برابر با ۳۶ است، پایین‌تر می‌باشد و حاکی از وضعیت بدتری است. نویسندگان مقاله درصدد بودند تا از این طریق قدم کوچکی در راستای تقویت سیاست کنترل نابرابری و فساد بردارند.

کلیدواژه‌ها: نابرابری، فساد، تحلیل تطبیقی- فازی، سیاست اجتماعی.

افزایش قیمت‌ها و تجربه فرودستی در طبقه متوسط؛ یک مطالعه کیفی در میان سرپرستان خانوارهای شهر یزد

سید محسن موسوی؛ استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

زهرا فلک‌الدین؛ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

چکیده

مدیریت مالی و معیشتی خانواده طی سال‌های اخیر، در اثر رشد قیمت‌ها و شوک‌های تورمی به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های خانواده‌ها تبدیل شده است. مطالعات و پژوهش‌های قابل‌استفاده‌ای درباره افزایش جمعیت فقیر در کشور انجام شده است؛ اما ابعاد آن از منظر افرادی که مستقیماً با این پدیده مواجه هستند کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. هدف این پژوهش، مطالعه درک سرپرستان خانوارهای طبقه متوسط از اثرات افزایش قیمت‌ها بر ذهنیت‌ها و رفتارهای اقتصادی آن‌هاست. پژوهش حاضر با روش کیفی و با ابزار مصاحبه در سال ۱۴۰۰ انجام شد. نمونه مورد مطالعه، ۲۵ نفر از سرپرستان خانوار بودند که با روش در دسترس و پس از احراز فقیرنبودن یا ثروتمندنبودن آن‌ها انتخاب شدند. همچنین از تکنیک تحلیل مضمون برای تحلیل داده‌ها و استخراج نتایج استفاده شده است. از یافته‌های پژوهش، ۶ مضمون اصلی و ۳۷ مضمون فرعی استخراج گردید. بر اساس نتایج به دست آمده، سرپرستان خانوارها در حال تجربه «صرفه‌جویی و جایگزین‌سازی اجباری»، «استیصال و درون‌ریزی»، «اضطراب و ترس از درماندگی در آینده» و «خودآگاهی نسبت به کسب ثروت کاذب»

سیاست‌گذاری اجتماعی و مسئله نابرابری در ایران | ۱۱

هستند که منشأ آن را «تداوم بی‌تدبیری توجیه‌نشده» از سوی مدیران و مسئولان سطح کلان کشور می‌دانند. «سیالیت و تعلیق پایگاهی» حاصل این وضعیت است؛ به‌نحوی که افراد در این شرایط مدام در تلاش و تقلا برای حفظ جایگاه اقتصادی و به‌اصطلاح، دست‌وپازدن، آن هم برای فرونیفتادن به ورطه فقر هستند. نتایج پژوهش به‌طور کلی بیانگر آن است که تأمین مادی و معیشتی در سال‌های اخیر (در مقایسه با گذشته) بخش بزرگی از دغدغه‌ها و انرژی‌ها و زمان‌های سرپرستان خانوارهای طبقه متوسط جامعه را صرف خود کرده و انگیزه و انرژی مازادی برای رشد فکری و فرهنگی باقی نگذاشته است. چنانچه در سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی به پیامدهای این وضعیت بی‌توجهی شود، کم‌کم باید شاهد عوارض ناگوار شکاف فزاینده طبقاتی و چه‌بسا جامعه دوقطبی بود.

کلیدواژه‌ها: سرپرستان خانوار، تورم، طبقه متوسط، تعلیق پایگاهی، یزد.

۱۲ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

مدخلی بر تأثیر سیاست‌گذاری اجتماعی بر نرخ فقر در ایران در دهه‌های ۹۰-۱۳۸۰

حبيب جباری؛ معاون امور برنامه‌ریزی، نظارت و آمایش سرزمین
سازمان برنامه و بودجه کشور

سعید هراسانی؛ کارشناس مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی

محمود نصیری؛ پژوهشگر مستقل

چکیده

هم‌زمان با افزایش شدید نرخ فقر در سال‌های پایانی دهه ۹۰، موضوع افزایش و تنوع‌بخشی به انتقال‌های نقدی به‌عنوان سیاست مهم مقابله با فقر مطرح شده است. در سال‌های گذشته در کنار پرداخت یارانه نقدی هدفمندسازی به اکثریت خانوارها، با تکانه‌های اقتصادی بعدی پرداخت‌های دیگری از جمله یارانه معیشتی نیز به فهرست یارانه‌ها افزوده شده است. در عین حال، گزارش‌ها حاکی از این است که نرخ فقر از سال ۹۶ تا ۹۸ صعودی ۱۰۰ درصدی داشته و از ۱۵ درصد به ۳۰ درصد رسیده است. مقاله تلاش دارد به برآوری از تأثیر سیاست‌گذاری اجتماعی بر فقر دست یابد و در آن از همه رویکردهای فقرسنجی موجود در کشور از جمله فقر درآمدی و فقر چندبعدی بهره گرفته شده است. با این حال، برای ایجاد درک کامل‌تری از وضعیت واقعی فقر،

سیاست‌گذاری اجتماعی و مسئله نابرابری در ایران | ۱۳

از دیگر داده‌های موجود، همچون فقر خوراکی، نیز استفاده شده است. نظر به مبنای قرارداد سنجش سیاست‌های عمده اجرا شده در دهه اخیر، این مقاله به سه حوزه پرداخت‌های انتقالی، سیاست‌های اشتغال‌زایی و سیاست‌های بخشی، همچون مسکن مهر، طرح تحول سلامت و غیره تأکید داشته است. مقاله از منظر روش‌شناختی در کنار بهره‌گیری از تحلیل داده‌های هزینه-درآمد خانوار و مدل رگرسیونی بر ارائه استدلال‌های تحلیلی از آمارهای موجود متکی بوده است. در پایان مقاله به ارائه توصیه‌های سیاستی برای مقابله با فقر فزاینده می‌پردازد و بر دورشدن از تمرکز بر انتقال‌های نقدی به‌عنوان ساده‌ترین و ناپایدارترین شیوه و در مقابل، بر سیاست‌های یکپارچه ضد فقر تأکید دارد.

کلیدواژه‌ها: فقر، نرخ فقر، سیاست‌گذاری اجتماعی، سیاست‌های فقرزدایی، انتقال‌های نقدی، یارانه معیشتی.

علل عدم تحقق سیاست‌گذاری اجتماعی در کاهش نابرابری

یاسمن جلوه مقدم؛ دانشجوی پژوهش اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی

امیر اکبری قمصری؛ استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

مهدی مالمیر؛ استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

نابرابری اجتماعی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در چارچوب آن منابع ارزشمند به‌طور نابرابر بین اعضای جامعه توزیع و تقسیم می‌شود. به عبارت دیگر، برخی از اعضا در جامعه تسلط و کنترل بیشتری بر روی ثروت، قدرت، عوامل تولید، شأن و موقعیت، فرصت‌ها و منزلت دارند. نابرابری علل گوناگونی دارد که عمده علل آن، به چگونگی سیاست‌گذاری اجتماعی دولت‌ها مربوط می‌شود؛ چراکه هدف سیاست‌گذاری اجتماعی کاهش نابرابری و بهبود رفاه انسانی می‌باشد. در این مطالعه، به بررسی تاریخی-تطبیقی وضعیت نابرابری جامعه ایران در شش برنامه توسعه بعد از انقلاب جمهوری اسلامی با تأکید بر سیاست‌گذاری اجتماعی پرداخته شده است. برای بررسی وضعیت نابرابری در ایران از شاخص ضریب جینی استفاده شده و این شاخص در هر شش برنامه توسعه مقایسه شده است و در ادامه، علل ناکارآمدی سیاست‌های اجتماعی برنامه‌های توسعه در کاهش نابرابری شرح داده می‌شود. در این پژوهش با به کارگیری روش فراتحلیل سعی شده است تا مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته به شکلی منسجم‌تر ارائه شود

سیاست‌گذاری اجتماعی و مسئله نابرابری در ایران | ۱۵

تا مخاطبان مسئله را بهتر درک کنند. نتایج نشان می‌دهد در طول ۶ برنامه توسعه ضریب جینی روندی ثابت داشته و به اهداف تعیین شده در این برنامه‌ها نرسیده است. برای بررسی علل این مسئله، عواملی که سبب عدم تحقق سیاست‌های اجتماعی برنامه توسعه برای کاهش نابرابری شده‌اند را به دو بخش طبقه‌بندی کرده و مورد بررسی قرار داده‌ایم: عوامل بیرونی (خارج از روند برنامه‌ریزی) و عوامل درونی (مربوط به روند برنامه‌ریزی). عوامل بیرونی که در این پژوهش به آن رسیدیم بدین شرح است: اقتصاد متکی به نفت، عدم اعتقاد دولت به برنامه‌ریزی، بحران زیست‌محیطی و...؛ و عوامل درونی که در این پژوهش به آن رسیدیم بدین شرح است: توزیع نامتوازن منابع مالی، ضعف گفتمان‌های مرتبط با سیاست‌گذاری اجتماعی، شکاف نظر / عمل در سیاست‌گذاری اجتماعی و... .

کلیدواژه‌ها: نابرابری اجتماعی، سیاست‌گذاری اجتماعی، ضریب جینی، برنامه‌های توسعه، فراتحلیل.

نابرابری اجتماعی و سیاست‌گذاری در حوزه آموزش عالی

قادر بالاخانی؛ عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور

چکیده

یکی از کارکردهای نهاد آموزش، فراهم کردن زمینه تحرک اجتماعی است. تحرک اجتماعی فرایندی است که در آن پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد در جهت یک وضعیت مطلوب، تغییر می‌کند. مطلوب بودن وضعیت جدید به میزان بهره‌مندی فرد از منابع و کاهش نابرابری مربوط می‌شود. کاهش نابرابری اجتماعی یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست‌گذاری اجتماعی است. مسئله تحقیق حاضر این است که به‌رغم محوریت مسئله نابرابری در سیاست‌گذاری اجتماعی، نهاد دانشگاه که به‌لحاظ نظری یکی از کارکردهایش کاهش نابرابری است، خود به کانون افزایش نابرابری تبدیل شده است. بر مبنای ادبیات نظری می‌توان استدلال کرد که سیاست‌گذاری اجتماعی اقدامی است هدفمند در راستای حل مسائل اجتماعی و در همین راستا یکی از اهداف تعریف‌شده برای این سیاست‌ها، کاهش نابرابری اجتماعی است. نهادهای اجتماعی عرصه و ابزارهای اصلی سیاست‌ها محسوب می‌شوند. نهاد آموزش یکی از این ابزارهاست؛ اما با توجه به تبدیل شدن نهاد دانشگاه به کانون نابرابری اجتماعی، فرض ما این است که سیاست‌گذاری اجتماعی حاکم بر حوزه آموزش عالی، به شکل تناقض‌آلودی مسئله‌محور نیست. برای بررسی این فرضیه از شیوه تحلیل شواهد موجود استفاده شد. این بررسی

سیاست‌گذاری اجتماعی و مسئله نابرابری در ایران | ۱۷

توصیفی است از مسئله نابرابری اجتماعی در فضای آموزش عالی و درصدد است تا بر مبنای رویکردی انتقادی تناقض حاکم بر آن را از منظر نهاد دانشگاه و سیاست‌گذاری اجتماعی برجسته سازد. بررسی‌ها ضمن تأیید وجود نابرابری اجتماعی در حوزه آموزش عالی نشان داد که سیاست‌گذاری مشخصی برای حل مسئله نابرابری در حوزه آموزش عالی وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها: دانشگاه، سیاست‌گذاری اجتماعی، مسائل اجتماعی، نابرابری اجتماعی، نهادهای اجتماعی.

سیاست‌گذاری اجتماعی و مسئله نابرابری در ایران با تأکید بر عملکرد بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر

فاطمه عزیزی؛ دانشگاه تهران

حسین اکرمی آرائی؛ صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر

چکیده

دولت‌ها با هدف بهبود وضعیت عدالت اجتماعی، کاهش نابرابری اجتماعی، و حمایت از مردم آسیب‌پذیر، عامدانه در اموری مانند بهداشت، بیکاری و بیمه دخالت می‌کنند؛ به عبارتی، با پرداختن عملی به یک مشکل خاص اجتماعی، سیاست‌گذاری اجتماعی انجام می‌دهند؛ زیرا فرض اساسی در سیاست‌گذاری اجتماعی این است که کارکردهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جغرافیایی جوامع قادر به تأمین سطح متوسطی از بهره‌مندی رفاهی برای همه اعضای خود نیستند؛ بنابراین، سیاست اجتماعی برای جبران نابرابری حاصل از کارکرد عوامل مذکور وارد عمل می‌شود. اما همیشه نتیجه دلخواه به دست نمی‌آید و سیاست تعدیل نابرابری به تولید نابرابری دیگری منجر می‌شود. از جمله عرصه‌های سیاست‌گذاری اجتماعی، بیمه‌های اجتماعی هستند که به مرور، دامنه فعالیت آن‌ها به روستاها گسترده شد. به‌طوری که در ایران اولین بار در سال ۱۳۴۸ قانون بیمه اجتماعی روستاییان تصویب شد، اما چندان عملیاتی نشد. تا اینکه در سال ۱۳۸۳ با تصویب قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، دولت مکلف شد با تأسیس

سیاست‌گذاری اجتماعی و مسئله نابرابری در ایران | ۱۹

صندوق بیمه اجتماعی، جامعه هدف خود را تحت پوشش قرار دهد؛ آنچه از بررسی آمار عملکرد صندوق در طول ۱۶ سال اخیر برمی‌آید، نشان می‌دهد علاوه بر عدم تحقق سطح پوشش مدنظر، عملکرد صندوق به ضریب پوشش نابرابر در سطح کشور و در کل، بخش‌های تقسیمات کشوری منجر شده است و لذا به عاملی در توزیع نابرابر منابع دولتی تبدیل شده است. مقاله حاضر به روش توصیفی، تحلیلی با استفاده از داده‌های آماری سامانه بیمه‌ای صندوق انجام شده است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد ضرورت تبیین سیاست‌های اقتصادی در جهت به توازن و تعادل رساندن فعالیت صندوق در کشور شدیداً احساس می‌شود.

کلیدواژه‌ها: صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر، سیاست‌گذاری اجتماعی، بیمه اجتماعی، توزیع نامتوازن، سطح پوشش.

بازتولید احساس نابرابری اجتماعی در دوره خدمت سربازی

علی فلاحی؛ گروه مطالعات جوانان، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

خدمت سربازی در ایران مسئله‌ای است که به‌طور مستقیم تمامی جوانان ذکور و به‌طور غیرمستقیم کلیه افراد جامعه را درگیر نموده و به‌دلیل عدم‌بازنگری در سیاست‌ها و فرایندها، در سال‌های اخیر چالش‌های مرتبط با این قانون روبه‌افزایش بوده است؛ فلذا شناخت تجربیات و درک تجربه زیسته جوانان با هدف ارزیابی فرایندها و سیاست‌های موجود و ترمیم خلاءها و آسیب‌های ناشی از این سیاست‌ها، ضروری است. این تحقیق با هدف ارائه مدل مفهومی برای درک تجربه زیسته جوانان در دوره خدمت سربازی صورت گرفت. تحقیق از نوع کیفی و روش انجام تحقیق از نوع گراند تئوری بود. مشارکت‌کنندگان در تحقیق، جوانانی هستند که به‌تازگی از خدمت سربازی فارغ شده‌اند. شیوه انتخاب مشارکت‌کنندگان از نوع غیرتصادفی و هدفمند بود. اشباع نظری پس از مصاحبه با بیستمین مشارکت‌کننده حاصل شد. احساس نابرابری اجتماعی مهم‌ترین مضمون مشترک به‌دست‌آمده از یافته‌های تحقیق در مقوله پدیده محوری است. مهم‌ترین عامل علی حاکم بر پدیده محوری، اجرای ناقص قانون مصوب مجلس شورای اسلامی و تغییرات مکرر در آیین‌نامه‌های اجرایی و سوءاستفاده برخی جریان‌های سیاسی از این شرایط است. از جمله پیامدهای شناسایی شده در این راستا افزایش جرائم سازمانی، تمایل به غیبت و سرپیچی از قانون، افزایش آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی از جمله خودزنی است. از بین رفتن احساس تبعیض و نابرابری اجتماعی مهم‌ترین مؤلفه‌ای است که ضرورت دارد در اصلاح سیاست‌های اجتماعی موردتوجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: نابرابری اجتماعی، خدمت سربازی، سیاست‌گذاری اجتماعی جوانان.

**بررسی تحقق عدالت در جامعه ایران: نمونه پژوهی استان‌های
سمنان و کردستان
(تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش‌های ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان)**

مریم حسینی‌نیا؛ دانشجوی دکتری رفاه اجتماعی علامه طباطبائی

وحیده توحیدلو؛ پژوهشگر مستقل

چکیده

پژوهش حاضر درصدد مطالعه احساس عدالت در میان ساکنان استان‌های سمنان و کردستان بر اساس داده‌های پیمایش‌های ملی موج دوم و سوم ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۹۴ است. برای بررسی مسئله تحقیق معیار توسعه‌یافتگی استان‌ها مدنظر قرار گرفته است؛ از این‌رو استان کردستان که در زمره ۳ استان کمتر توسعه‌یافته و استان سمنان به‌عنوان دو استان اول توسعه‌یافته بودند، انتخاب شدند. به لحاظ روش‌شناسی، این پژوهش از نوع کیفی و روش اجرای پژوهش به‌شیوه تحلیل ثانویه است. احساس عدالت نیز در این بررسی در چهار بعد احساس عدالت اجتماعی، عدالت قضایی، عدالت سیاسی و عدالت قومی مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی‌های صورت‌گرفته حاکی از آن است که با توجه به گفتمان عدالت‌محور رایج در تمامی دولت‌های نظام جمهوری اسلامی ایران، از نظر مردم دیدگاه‌های عادلانه‌ای در موضوعات مختلف، اعم از سیاسی، قضایی، قومی و اجتماعی، در جامعه جاری نبوده

۲۲ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

است. نتایج، گویای این مهم است که دیدگاه افراد درخصوص «برخوردارنبودن از پول و پارتی برای احقاق حق» و «فراهم‌بودن امکان دستیابی به سطوح بالا برای تمامی افراد جامعه» به‌عنوان شاخص‌های عدالت اجتماعی بهبود نیافته است. همچنین «یکسان‌دیدن مردم از سوی حکومت» به‌عنوان شاخص پنداشت از عدالت سیاسی کاهش پیدا کرده است. «پنداشت از عدالت قومیتی» در دو موج نیز نتایج یکسانی را به همراه نداشته است؛ به‌عبارتی اختلاف میانگین در «نبود تبعیض حکومت میان قومیت‌های مختلف» در نظر ساکنان دو استان، معنادار گزارش شده است. در نهایت، در راستای کاهش بی‌عدالتی در بعدهای فوق‌الذکر با درنظرداشتن تغییرهای وسیع ایجادشده در سال‌های اخیر، گسترش فقر و نابرابری و اثرگذاری آن بر عدالت، با توجه به گزارش‌های منتشرشده، پیشنهادهای سیاستی نیز ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: عدالت، عدالت اجتماعی، رفاه اجتماعی، تحلیل ثانویه، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان.

بررسی وضعیت نابرابری و رفاه اجتماعی در مناطق شهری و روستایی استان‌های کشور (با تأکید بر برنامه ششم توسعه)

محمدحسین امجدی؛ دانش‌آموخته دکترای اقتصاد دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

نخستین گام در مسیر برنامه‌ریزی کاهش نابرابری و توزیع عادلانه درآمد، شناخت صحیح و آگاهی از وضعیت نابرابری است. اندازه‌گیری و شناخت نابرابری از جنبه بررسی چگونگی تغییرات شدت نابرابری در زمان‌ها و مکان‌های مختلف از اهمیت خاصی برخوردار است. آگاهی از چگونگی وضعیت نابرابری در کشور و همچنین استان‌های مختلف از اولویت‌های مهم به‌منظور سیاست‌گذاری‌های لازم در زمینه توسعه در جهات مختلف است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که با توجه به متفاوت بودن تولید ناخالص داخلی، سطح جمعیت، بهره‌مندی از زیرساخت‌های رشد و سایر عوامل تأثیرگذار بر عدم تعادل‌های منطقه‌ای و جغرافیایی، کدام یک از استان‌های کشور دارای درجه رفاهی بالاتری می‌باشند و کدام یک سطح رفاهی کمتری دارند؟ پاسخ علمی به این سؤال می‌تواند از نظر علمی الگوی سیاست‌گذاری مناسبی در زمینه تخصیص و توزیع منابع، امکانات و فرصت‌ها در اختیار سیاست‌گذاران بخش عمومی کشور برای رفع عدم تعادل‌های ایجادشده قرار دهد. در این پژوهش با استفاده از داده‌های درآمد-هزینه خانوار مرکز آمار طی

۲۴ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

سال‌های برنامه ششم توسعه (از سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹) روند تغییرات شاخص‌های متوسط هزینه واقعی، ضریب جینی و نهایتاً رفاه اجتماعی خانوارهای شهری و روستایی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. بر اساس نتایج، هزینه واقعی خانوار شهری و روستایی کشور طی دوره موردبررسی کاهش یافته است. همچنین در همین دوره، ضریب جینی خانوار شهری و روستایی نیز افزایش پیدا کرده که حکایت از بدتر شدن وضعیت توزیع درآمد دارد. در ادامه، رفاه اجتماعی بر اساس شاخص سن برای مناطق شهری و روستایی کشور و استان‌ها محاسبه گردید. بر این اساس، شاخص رفاه اجتماعی سن نیز طی این مدت کاهش قابل‌ملاحظه‌ای داشته است. بر این اساس، تأکید بر تدوین برنامه جامع کاهش فقر به‌جای برنامه‌های جزیره‌ای، تمرکز بر سیاست‌های کلان رشدگرا در کنار توانمندسازی، کنترل تورم، ایجاد اشتغال مولد، بهبود فضای کسب‌وکار و مهارت‌آموزی از جمله راهکارهای پیشنهادی است که به‌منظور کاهش نابرابری و ارتقای رفاه می‌بایست در دستور کار سیاست‌گذاران و مدیران قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: نابرابری، ضریب جینی، شاخص رفاه اجتماعی سن، برنامه ششم توسعه، مناطق شهری و روستایی.

محور ویژه:

سیاست‌گذاری اجتماعی و مدیریت بحران کرونا در ایران

واکنش اجتماعی مردم به موقعیت‌های اضطراری

احمد غیاثوند؛ دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

جوامع امروزی در طول حیات خود با بحران‌های متعددی از جمله سوانح و بلایای طبیعی و بیمارهای واگیر مختلف مواجه شده‌اند که در این میان کشور ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نخواهد بود. پیامدهای ناشی از بیماری‌های پاندمیک و خسارات بلایای طبیعی، مانند سیل و زلزله به دلیل برهم‌زدن نظم اجتماعی همواره موردتوجه بوده و پیامدهای آن به‌منظور کاهش آسیب‌های اجتماعی از زوایای مختلف قابل‌بررسی می‌باشد. از سوی دیگر، توجه به شناخت و دستیابی به واکنش اجتماعی مردم در موقعیت‌های بحرانی و اضطراری قبل، حین و بعد از فاجعه از اهمیت بسیاری برخوردار است. مطالعه حاضر به روش تحلیل ثانویه به بررسی پیمایش‌های ملی مختلف (طی یک دهه اخیر با تأکید بر پاندمی کرونا) به بررسی این امر می‌پردازد. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت واکاوی شرایط نهادی، ساختاری و عاملیتی ذهنی و عینی جامعه ایران در قالب دو رفتار فعال یا منفعل و نیز دو نوع موقعیت رسمی یا غیررسمی قابل‌تحلیل می‌باشد. تقاطع این رفتارها در موقعیت‌های مختلف دو سنخ «شهروند همگرا» و «شهروند واگرا» را در واکنش به شرایط بحران و ریسک‌های اجتماعی در جامعه عیان می‌سازد. در بحث از شهروند همگرا، این دسته از افراد با پذیرش شرایط

سیاست‌گذاری اجتماعی و مدیریت بحران کرونا در ایران | ۲۷

رسمی و هنجاری، حضور فعال دارند؛ در مقابل عده‌ای نه‌تنها مقید به کمک به دیگران نیستند، حتی غیرمستقیم به بدترشدن اوضاع کمک می‌کنند. این وضعیت بر ساخت «شهروند واگرا» است.

کلیدواژه‌ها: موقعیت اضطراری، شهروند واگرا، شهروند فعال، موقعیت مقاومتی.

پیامدهای کرونا در طبقات اجتماعی در ایران

داود پرچمی؛ استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران

فاطمه جلالی؛ دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران

چکیده

همه‌گیری کرونا، نابرابری ساختارهای اجتماعی را آشکار و حتی تشدید کرده است، بنابر گزارش‌های داخلی و جهانی قشرهای محروم بیشتر در معرض آسیب‌های این بحران قرار گرفته و پیش‌بینی می‌شود نه تنها این دست فجایع بر روی رفاه افراد فقیر تأثیر بیشتری داشته و استراتژی‌های مقابله‌ای –مانند کاهش مصرف غذا و فروش دارایی‌های تولیدی– باعث تضعیف سرمایه انسانی و جسمانی آن‌ها می‌گردد، بلکه فرایند بازسازی این خانواده‌ها را کندتر می‌کند. این شرایط ایجاب می‌کند سیاست‌گذاران سیاست‌های تأمین و حمایت‌های اجتماعی را برای حمایت بیشتر از اقشار آسیب‌پذیر بازنگری نموده و در شرایط عادلانه‌تری، از رشد و گسترش نابرابری در جامعه جلوگیری نمایند. مطالعه حاضر با هدف بررسی پیامدهای همه‌گیری کرونا در طبقات اجتماعی ایران انجام شده است. برای این منظور پیمایشی آنلاین در سرتاسر ایران انجام و با ۱۲۵۰ نفر مصاحبه شد. نتایج گویای آن است که ۶۵ درصد افراد طبقه پایین، ۵۰ درصد طبقه متوسط و ۴۴ درصد طبقه بالا گفته‌اند در دوره کرونا شغل‌شان آسیب دیده است. میانگین احساس فشار اقتصادی در طبقه پایین (۳,۱ از ۴ یعنی زیاد) و در طبقه بالا

سیاست‌گذاری اجتماعی و مدیریت بحران کرونا در ایران | ۲۹

(۲,۲) تقریباً بین کم تا متوسط) است. ۴۷ درصد طبقه پایین در برابر ۵ درصد طبقه بالایی‌ها گفته‌اند در این دوره تأمین هزینه‌های زندگی برایشان دشوار شده، ۳۸ درصد طبقه پایین در برابر ۷ درصد طبقه بالایی‌ها گفته‌اند از هزینه‌هایشان کم کرده‌اند. در دوره کرونا ۲۰ درصد افراد طبقه پایین گفته‌اند که شغل‌شان را از دست داده‌اند در حالی که افراد طبقه بالا به این مورد اشاره نکرده‌اند و احتمال ازدست‌دادن شغل طبقه پایین ۱۲ برابر طبقه بالا بوده است. بر اثر فشارهای ناشی از کرونا، اعضای طبقات مختلف احساسات منفی متفاوتی را تجربه کرده‌اند. ۵۳ درصد افراد طبقه پایین و ۳۳ درصد افراد طبقه بالا احساس اضطراب داشته‌اند. ۵۷ درصد طبقه پایین در برابر ۲۸ درصد طبقه بالا نسبت به آینده ناامید بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: نابرابری اجتماعی، بیماری کرونا، طبقه اجتماعی، پیامدهای اجتماعی، بحران اجتماعی.

مطالعه تطبیقی تأثیر فرهنگ خانواده‌محوری بر مرگ‌ومیر ناشی از کووید-۱۹

مسعود عالمی نیسی؛ استادیار گروه تعاون و رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی
عارفه‌السادات آقاسیدمرتضی حسینی؛ دانش‌آموخته دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

پرسش اصلی این تحقیق آن است که آیا گسترش فرهنگ خانواده‌محوری در یک کشور می‌تواند به کاهش مرگ‌ومیر ناشی از کووید-۱۹ منجر شود؟ این پرسش از آنجا برمی‌خیزد که افرادی که همراه یک خانواده زندگی می‌کنند، نیاز به ارتباط را با کسانی که می‌شناسند، بیشتر تأمین می‌کنند و لذا ریسک روابط از نظر ابتلا به کووید-۱۹ کاهش می‌یابد. همچنین کیفیت مراقبت در خانواده‌ها بالاتر است. این نکات محققین را به آزمون فرضیه رابطه میان فرهنگ خانواده‌محوری و مرگ‌ومیر ناشی از کووید-۱۹ در میان ۱۹۳ کشور جهان با استفاده از روش تحلیل ثانویه سوق داد. ضریب همبستگی پیرسون میان این دو متغیر، رابطه منفی و معناداری نشان داد. اما برای اطمینان از صحت این رابطه و استخراج سهم تأثیر فرهنگ خانواده‌محوری، متغیرهای کلان مؤثر بر مرگ‌ومیر ناشی از کووید-۱۹ کنترل شد. این متغیرها شامل این موارد است: سالمندی، تراکم جمعیت، وضعیت اقتصادی، امکانات بهداشت و درمان، مقررات بهداشت بین‌الملل، سرمایه فکری و اجتماعی، امید به زندگی و بار بیماری. پس از کنترل

سیاست‌گذاری اجتماعی و مدیریت بحران کرونا در ایران | ۳۱

این متغیرها رابطه منفی و معنادار حفظ شد. برای محک بیشتر فرضیه اولیه، تأثیر متغیر فرهنگ خانواده‌محور تنها در سی و شش کشور توسعه‌یافته آزموده شد و رابطه منفی و معنادار تکرار شد. در مجموع، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که گسترش خانواده‌محوری رابطه منفی و معنی‌داری با مرگ‌ومیر ناشی از کووید-۱۹ دارد.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ خانواده‌محوری، کووید-۱۹، مرگ‌ومیر، مطالعه تطبیقی.

حکمرانی مطلوب در دوران پسا کرونا با تکیه بر توانمندسازی و افزایش قابلیت اجرایی دولت

روح اله نصرتی؛ استادیار گروه مردم‌شناسی دانشگاه تهران

چکیده

ویروس کووید ۱۹ طی دو سال گذشته بسیاری از ابعاد و جنبه‌های مختلف حیات انسان و جوامع انسانی را تحت تأثیر قرار داده و در آینده هم تأثیرات منفی آن بیشتر نمایان خواهد شد. بدین ترتیب با توجه به پیامدهای همه‌گیری این ویروس موضوع بازنگری سیاست‌های اجتماعی و مهم‌تر از آن تأمل در عامل‌های پیش‌برنده و اجرای این سیاست‌ها یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام‌های حکمرانی است. نگاهی گذرا به وضعیت موجود در ایران گویای این است که تأمل در ظرفیت‌ها، پتانسیل‌ها و توانمندی ساختار حکمرانی در مسئله‌یابی و پیاده‌کردن سیاست‌ها ضروری است. در ایران اسناد مربوط به سیاست‌های اجتماعی در حوزه‌های مختلف قابل توجه بوده اما کمیت و کیفیت اجرای سیاست‌ها جای تأمل دارد. سؤال مقاله حاضر این است که چرا برنامه‌های مرتبط با سیاست‌های اجتماعی در ایران به صورت موفقیت‌آمیز اجرا نمی‌شود؟ روش نگارنده در این مقاله تحلیل سندهای توسعه با محوریت موضوع سیاست اجتماعی و مصاحبه با تعدادی از فعالان اجتماعی و نخبگان بوده و از تجربه زیسته و درک شهودی نیز کمک گرفته شده است. در این مقاله نقش دو عامل، واکاوی شده است: عامل اول در چهارچوب رویکرد حکمرانی خوب، عدم‌پیش‌بینی و استفاده از دو ضلع دیگر مثلث

سیاست‌گذاری اجتماعی و مدیریت بحران کرونا در ایران | ۳۳

حکمرانی مطلوب یعنی نهادهای غیردولتی و بخش خصوصی در تدوین و اجرای سیاست‌ها و عامل مهم‌تر دیگر، فقدان ظرفیت، توانمندی لازم و قابلیت‌های اجرایی دولت در اجرای سیاست‌های اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی مطلوب، حکمرانی اجتماعی مشارکتی، توانمندسازی دولت، قابلیت‌سازی دولت، نهادهای غیردولتی، سیاست‌های اجتماعی.

سیاست اجتماعی متناسب با مخاطرات ویروس کرونا در ایران (با تأکید بر گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی)

رضا صفری شالی؛ عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی

چکیده

همه‌گیری ویروس کرونا از مهم‌ترین آسیب‌ها و مخاطرات دنیای امروز است که پایه‌ای‌ترین استلزامات زندگی را مانند معیشت، سلامت آموزش، اشتغال، دسترسی به منابع، تعاملات اجتماعی و... را تحت تأثیر قرار داده است. در این نوشتار با دیدگاه نظام‌مند و با «روش اسنادی» با توجه به منابع موجود به بررسی و تحلیل سیاست اجتماعی متناسب با مخاطرات ویروس کرونا در ایران (با تأکید بر گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی) پرداخته شد. جهت تبیین نظری موضوع از نظریات نابرابری اجتماعی و نظریات رفاهی استفاده شد. نظریات نابرابری بر دسترسی برابر به فرصت‌ها و منابع در جامعه تأکید دارند و نظریات و نظام‌های رفاهی ضمن بیان اقدامات حمایتی و تبعیض مثبت، دو رویکرد «پیشگیری» و «درمان‌محوری» در جامعه را مطرح می‌کنند. یافته‌های مطالعات و گزاره‌های خبری جراید نشان می‌دهد در شرایط بحرانی کرونا، آسیب‌پذیری اقشار کم‌درآمد و ضعیف بیشتر است؛ زیرا برخورداری این اقشار کاهش یافته و یا از استمرار گذشته برخوردار نیست. در چنین شرایطی اقشار طبقه کارگر روزمزد عمدتاً به‌خاطر نداشتن شغل ثابت و یا درآمد مکفی در دوگانه سلامت و معیشت قرار داشته و دچار چالش جدی هستند. از این‌رو دولت‌مردان علاوه بر انجام سیاست‌گذاری در

سیاست‌گذاری اجتماعی و مدیریت بحران کرونا در ایران | ۳۵

حوزه‌های عمومی جامعه (مانند معیشت، بهداشت و درمان، آموزش، اشتغال و مسکن)، باید در شرایط خاص، مجموعه‌ای از «اقدامات گزینشی» و طرح‌های مکمل حمایت اجتماعی مبتنی بر نیازهای پایه‌ای را برای حمایت از گروه‌های مختلف اجتماعی، بالاخص اقشار آسیب‌پذیر، طراحی و اجرا کنند و در این میان، از پتانسیل‌های نهادهای خیریه، غیردولتی و مدنی نیز استفاده نمایند.

کلیدواژه‌ها: کووید-۱۹، سیاست اجتماعی، نظام‌های رفاهی، پیشگیری، درمان‌محوری و نظام حمایتی.

سیاست‌گذاری اجتماعی در دوره بحران: تأثیرات کرونا بر زندگی زنان سرپرست خانوار

حنان زارع؛ گروه توسعه و سیاست‌گذاری دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
ملیحه شینایی؛ گروه توسعه و سیاست‌گذاری دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

چکیده

بیماری کووید-۱۹ بحرانی بهداشتی و بحرانی اقتصادی-اجتماعی در کنار نابسامانی‌های بهداشتی به‌شمار می‌رود که پیامدهای جنسیتی متفاوتی را در پی داشته است. این نابسامانی‌های بی‌سابقه موجب شده تا محققان بر مسائل برابری جنسیتی و مشکلات گروه‌های خاص در جامعه از جمله زنان سرپرست خانوار تأکید بیشتری داشته باشند. مطابق با تغییرات جهانی در دوران شیوع کرونا، زنان بیکاری گسترده‌تری را تجربه کرده و سهم زنان در اشتغال بازار کار رسمی (در جهان و به ویژه ایران) به‌مراتب بسیار کمتر از مردان بوده، زنان سرپرست خانوار که سهم بیشتری از اشتغال غیررسمی دارند، با ازدست‌دادن شغل خود، دچار مشکلات معیشتی، روانی و اجتماعی بیشتری شده‌اند. در این راستا، هدف این پژوهش بررسی اثرات کرونا بر زندگی زنان سرپرست خانوار در شهر تهران با استناد به نظریه فقر نایلا کبیر و نظریه زنانه‌شدن فقر بوده که با استفاده از روش کیفی و تکنیک مصاحبه به گردآوری اطلاعات پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در دوره بحران کرونا زنان سرپرست خانوار تمام سرمایه

سیاست‌گذاری اجتماعی و مدیریت بحران کرونا در ایران | ۳۷

خود را از دست داده‌اند. بنابراین یا مجبور به ترک کار خود شده‌اند، یا دست به کارهایی زده‌اند که مغایر میل باطنی و شرایط زیست‌شان بوده است. همچنین میزان سوءتغذیه و فشارهای روانی در این مدت برای آن‌ها بیشتر و در مواردی غیرقابل تحمل بوده است. از آنجایی که سیاست‌گذاری‌ها معمولاً در دوران بحران بر زنان متمرکز نبوده، ضرورت تام دارد تا برنامه‌ریزان با بررسی اثرات بحران‌هایی مانند کووید-۱۹ بر حوزه‌های مختلف زندگی زنان سرپرست‌خانوار زمینه را برای توجه به زنان در عرصه سیاست‌گذاری فراهم نمایند.

کلیدواژه‌ها: کووید-۱۹، زنان سرپرست‌خانوار، فقر، سیاست‌گذاری اجتماعی، پیامدهای اجتماعی-اقتصادی.

بایسته‌های حقوقی سیاست‌گذاری در شرایط اضطراری در ایران

یاسر روستایی حسین آبادی؛ عضو هیئت علمی گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد میناب، استان هرمزگان

چکیده

در هر نظام حقوقی شرایطی وجود دارد که به جهت تفاوت بنیادین با شرایط عادی و مألوف، با وصف «اضطراری» توصیف می‌گردند و در صورت وقوع آن‌ها، قانون‌گذار اختیارات بیشتری را در مقایسه با شرایط عادی، به مقامات عمومی واگذار می‌کند تا با کمترین تشریفات و بیشترین سرعت، تصمیمات ضروری را در راستای کنترل شرایط و مدیریت امور اتخاذ نمایند. این امر که مدیریت شرایط بحرانی و کاهش آسیب‌های ناشی از آن ضرورت دارد، گاه به این معنا فهمیده شده است که مسیر برون‌رفت از چنین شرایطی - که در این نوشته سیاست‌گذاری در شرایط اضطراری نامیده می‌شود - تابع هیچ قاعده حقوقی نیست و هر تصمیمی، با هر میزان از تأثیرگذاری بر زندگی شهروندان، با استناد به اینکه در شرایط بحرانی اتخاذ شده است، موجه و مشروع است. با این توضیح، مقاله حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که برداشت اخ‌الذکر تا چه میزان صحیح است و یا به تعبیر دیگر، آیا چهارچوبی برای سیاست‌گذاری در شرایط بحران در ایران وجود دارد؟ فرضیه نگارنده این است که در سیاست‌گذاری در شرایط بحران تمام قواعد و اصول حقوقی، از جمله قواعد مسئولیت مدنی دولت، اصل تناسب

سیاست‌گذاری اجتماعی و مدیریت بحران کرونا در ایران | ۳۹

و اصل برابری شهروندان در پرداخت هزینه‌های عمومی، لازم‌الاجرا هستند و آنچه از آن چشم‌پوشی می‌شود، قواعد تشریفاتی است که از سرعت تصمیم‌گیری می‌کاهند. در این مقاله تجربه عبور از همه‌گیری کرونا در ایران به‌عنوان نمونه مورد بررسی خواهد بود و تصمیمات ستاد ملی کرونا و سایر نهادهای متولی، با قواعد حقوقی فوق‌الذکر سنجیده خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری در شرایط بحرانی، ستاد ملی کرونا، مسئولیت مدنی دولت، اصل تناسب، اصل برابری در پرداخت هزینه‌های عمومی.

۴۰ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

برساخت اجتماعی سیاست‌های حمایتی و اقتصادی دولت در مواجهه با کرونا در فضای مجازی

علی رحیمی؛ پژوهشگر مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور

عادل عبدالهی؛ گروه اقتصاد جمعیت و سرمایه انسانی مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور

چکیده

همه‌گیری ویروس کرونا ازجمله مسائلی است که پیامدهای منفی آن در سطح کلان و خرد، ایران و جامعه جهانی را تحت‌تأثیر قرار داده و جنبه‌های مختلف آن نیازمند مطالعه است. در دوره شیوع کرونا، فضای مجازی با افزایش چشمگیر استفاده کاربران همراه بوده و تعامل بیش‌ازپیش کاربران در این فضا، آن را به یک میدان کنشگرانه مناسب برای مطالعات جامعه‌شناختی تبدیل کرده است. مطالعه حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و تکنیک تحلیل تماتیک به تحلیل چگونگی برساخت سیاست‌های اقتصادی و حمایتی دولت و مسئولان در مواجهه با همه‌گیری کرونا در بین کاربران فضای مجازی پرداخته است. ازاین‌رو، نظرات و تفسیرهای کاربران اپلیکیشن «آخرین خبر» پیرامون ۲۹ خبر منتشرشده سال ۱۳۹۹ در این اپلیکیشن مورد واکاوی قرار گرفته است. مقوله هسته استخراج‌شده از نظرات کاربران عبارت است از: «ناکارآمدی سیاست‌های حمایتی در بستر نابرابری‌ها و تاب‌آوری پایین اقتصادی». سه مقوله میانی نیز شامل «کاهش توان اقتصادی»، «نابرابری‌های سیستماتیک و نهادینه‌شده» و

سیاست‌گذاری اجتماعی و مدیریت بحران کرونا در ایران | ۴۱

«ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی کرونا» می‌شود. به‌طورکلی، نتایج نشان داد که کاربران نسبت به جوانب مختلف سیاست‌های اقتصادی و حمایتی دولت در قبال همه‌گیری کرونا رویکردی انتقادی داشته‌اند و از ناکارآمدی نسبی این سیاست‌ها سخن می‌گویند. از نظر کاربران، این ناکارآمدی در بستر ضعف اقتصادی و نابرابری‌های ساختاری نهادینه‌شده و نیز تحریم‌های ظالمانه نمود پررنگ‌تری داشته است. این مطالعه ضمن برشمردن برخی سیاست‌های اقتصادی در شرایط همه‌گیری کرونا، بر اتخاذ سیاست‌هایی در جهت رفع نابرابری‌ها در جامعه تأکید دارد.

کلیدواژه‌ها: اپیدمی کرونا، بر ساخت اجتماعی، سیاست‌های حمایتی، کاربران فضای مجازی.

چالش‌های سیاست بازسازی بعد از زلزله (مطالعه موردی شهر سرپل ذهاب)

رحمت میرزائی؛ دکترای رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

پس از بلایا در مقیاس بزرگ، بازسازی اغلب توسط سیاست‌گذاران و ذی‌نفعان برای به حداقل رساندن اثرات بلایا و کاهش آثار آن آغاز می‌شود. در اکثر برنامه‌های بازسازی، با توجه به اثرات مضاعف بازسازی مسکن بر بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی و توسعه تاب‌آوری جامعه، اولویت به بازسازی مسکن دائمی داده می‌شود؛ با این حال، چالش‌های متعددی در حین اجرا به وجود می‌آیند؛ لذا این مطالعه با هدف بررسی چالش‌های سیاست بازسازی بعد از زلزله در شهر سرپل ذهاب انجام شده است. پژوهش از نوع کیفی است و از روش تحلیل مضمون برای انجام عملیات تحقیق استفاده شده است. بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند، ۴۸ مصاحبه با زلزله‌زدگان آسیب‌دیده و کارشناسان اجتماعی صورت گرفت. داده‌ها با استفاده از مصاحبه عمیق نیمه‌ساختارمند گردآوری و با راهبرد نظام‌مند استراوس و کوربین تحلیل زمینه‌محور شدند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که کندی روند بازسازی، فقدان دولت محلی کارآمد، فقدان

سیاست‌گذاری اجتماعی و مدیریت بحران کرونا در ایران | ۴۳

تجربه، سوءاستفاده از منابع عمومی برای منافع شخصی، وعده‌های وفا نشده، بوروکراسی اداری حاکم بر صدور مجوزها، عدم تناسب میزان وام با هزینه‌های ساخت‌وساز، عدم‌واریز به‌موقع فازهای وام مسکن به حساب ذی‌نفعان، و عدم مشارکت مردم از اصلی‌ترین چالش‌های سیاست بازسازی بعد از زلزله شهر سرپل ذهاب است. بر اساس نتایج مطالعه، این چالش‌ها و عوامل پس از زلزله بروز پیدا می‌کند و در برنامه‌ها و بررسی‌های پس از زلزله کمتر موردتوجه قرار می‌گیرد؛ لذا سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اجتماعی باید برنامه جامع را تدوین کنند که این موارد و چالش‌ها را در نظر گرفته تا روند بازسازی پس از زلزله تسهیل شود.

کلیدواژه‌ها: چالش، سیاست بازسازی، زلزله، سرپل ذهاب، روش کیفی.

بررسی چالش‌های سیاست‌گذاری و اجرای آموزش مجازی در مدارس ایران در دوران کرونا

علیرضا جابری؛ گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی

علیرضا قبادی؛ استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی

چکیده

تاکنون بحران‌های زیادی همچون حوادث طبیعی و جنگ یا حملات سایبری دسترسی به اینترنت را در مقیاس خرد و کلان محدود کرده است. اما پاندمی کرونا طی دو سال اخیر با وجود قرنطینه سراسری و تعطیلی مشاغل یا تغییر شیوه‌های انجام کار، گسترش استفاده از فضای مجازی را فراهم کرد. در این راستا، در بیشتر نقاط جهان الگوی بدیل برای آموزش حضوری با تأخیر در دسترس قرار گرفت. در ایران نیز، همچون سایر کشورها سیاست‌گذار وادار به تدوین سیاست‌های آموزش مجازی و توسعه و تجهیز زیرساخت‌های پلتفرم‌های مجازی شد. با وجود این، اجرای مؤثر آموزش مجازی با چالش‌های بسیاری در سطوح کلان یا سیاست‌گذاری، مجریان، زیرساخت‌ها و کاربران نهایی یعنی دانش‌آموزان و دانشجویان مواجه شد. چالش‌های این سطوح چهارگانه برای آموزش در دوران کرونا توجه محققان را به خود جلب کرد. مقاله حاضر با رویکردی تبیینی و با استفاده از روش تحلیل محتوا تلاش می‌کند با بررسی داده‌ها و منابع و مقالات علمی منتشرشده از ابتدای قرنطینه عمومی، یعنی بهمن ۱۳۹۸ تا بهمن ۱۴۰۰،

سیاست‌گذاری اجتماعی و مدیریت بحران کرونا در ایران | ۴۵

مهم‌ترین چالش‌های مرتبط با این موضوع را استخراج کند و تحلیل جامعی در حوزه‌های مرتبط با این مسئله ارائه دهد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد مهم‌ترین مسائل و چالش‌ها در زمینه مربوط به سیاست‌گذاری آموزش مجازی شامل تأخیر در آماده‌سازی و عملکرد ضعیف زیرساخت‌های آموزش آنلاین مانند نرم‌افزار شاد، کمبود انگیزه و مهارت در میان معلمان، محدودیت دسترسی آنلاین به خصوص در مناطق روستایی، مدرسه‌گزینی، سردرگمی، کمبود سواد رسانه‌ای، مشغول‌شدن به سایر پلتفرم‌های مجازی همچون اینستاگرام بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: آموزش مجازی، سیاست‌گذاری، کرونا، مدارس، تحلیل محتوا.

کرونا و مسئله اعتماد اجتماعی

علی حاتمی؛ گروه مدیریت فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
جهاد دانشگاهی

حسین نوری‌نیا؛ پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری پژوهشگاه علوم انسانی و
مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

علی فلاحی؛ پژوهشگر

چکیده

با شیوع ویروس کرونا از جنبه‌های مختلفی به تحلیل این همه‌گیری پرداخته شده است. در این بین، آنچه در ذهن و نظر افکار عمومی می‌گذشت، می‌توانست تصویر دقیق‌تری برای برنامه‌ریزان ترسیم کند. در این راستا شهرداری تهران ده موج نظرسنجی در خصوص نگرش مردم به ویروس کرونا و سیاست‌های دولت در قبال آن از اسفند ۱۳۹۹ تا اردیبهشت ۱۴۰۰ انجام داده است. این نظرسنجی‌ها به روش تلفنی و در نمونه‌های با حجم حدود ۱۰۰۰ نفر گردآوری شده است. در مقاله حاضر به بررسی رابطه اعتماد عمومی با رضایت از عملکرد دولت از دیدگاه شهروندان پرداخته‌ایم. میانگین کلی اعتماد پاسخ‌گویان به آمار رسمی که درباره میزان ابتلا و فوت مبتلایان به کرونا از طرف دولت دوازدهم منتشر می‌شد، پایین است. از دید ۵۵,۴ درصد میزان اعتماد عمومی به آمارهای منتشره در حد کم، ۲۴,۹ درصد در حد متوسط و ۱۹,۷ درصد در حد زیاد بوده است.

سیاست‌گذاری اجتماعی و مدیریت بحران کرونا در ایران | ۴۷

ضمن اینکه ۵۶٫۸ درصد از پاسخ‌گویان از عملکرد دولت و سایر نهادهای عمومی برای مقابله با کرونا رضایت کم داشتند. ۲۵٫۲ درصد از پاسخ‌گویان نیز رضایت خود را در حد متوسط و ۱۸٫۱ درصد در حد زیاد بیان کردند. پایین‌ترین میزان اعتماد در موج اول در اسفند ماه ۱۳۹۸ مشاهده می‌شود (۴۲٫۰ از ۱۰۰). این اعتماد در موج ششم به بالاترین میزان خود رسید (۵۲٫۰ از ۱۰۰). اما میانگین رضایت از عملکرد دولت و نهادها در موج دهم در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰ در پایین‌ترین سطح خود بود (۴۰٫۱ از ۱۰۰)؛ این میانگین هر چند در ابتدا هم پایین بود ولی رفته‌رفته تا موج ششم به بالاترین میزان خود رسید (۵۴٫۵ از ۱۰۰) و دوباره پس از آن تا موج دهم افت کرد. در این راستا همبستگی مثبت و معنی‌داری بین اعتماد عمومی به دولت و رضایت از عملکرد دولت وجود داشته است. همچنین با در نظر گرفتن متغیرهای جنسیت، تحصیلات، سن، منطقه محل سکونت با متغیرهای اعتماد و رضایت می‌توان تفاوت‌های معناداری را در میزان اعتماد و رضایت گروه‌ها و اقشار مختلف پاسخ‌گویان ملاحظه کرد. بخشی از این عدم اعتماد به شیوه و تفاوت‌های موجود بین انتشار آمار مبتلایان و فوت‌شدگان بر اثر کرونا بین دستگاه‌های اجرایی در دولت دوازدهم باز گردد که نتوانسته است در این زمینه اعتماد اجتماعی را در بین شهروندان ایجاد کند و به تبع آن میزان رضایت مردم از عملکرد دولت در افکار عمومی پایین بوده است.

کلیدواژه‌ها: کلیدواژه‌ها: کرونا، اعتماد اجتماعی، رضایت، افکار عمومی، تهران.

آسیب‌های ناشی از ویروس کرونا و اقدامات انجام‌شده در مقابل آن در جامعه ایران؛ یک مطالعه مروری

مریم کوشا؛ کارشناس پژوهش سازمان جهاد دانشگاهی

امیر لنگانی؛ جهاد دانشگاهی علوم پزشکی تهران

چکیده

به‌علت گسترده‌بودن بحران‌های ناشی از ویروس کرونا، عمده توجه متخصصان حوزه‌های مختلف، معطوف به سیاست‌های دولت برای مهار بحران و واکنش‌ها و رفتار مردم در قبال این سیاست‌ها است. وضعیت به‌سرعت در حال تحول زندگی عموم مردم و بحران‌های اقتصاد جهانی، شرایط عمومی و خصوصی را به‌شدت تغییر داده است. آسیب‌های زیادی به‌دنبال این همه‌گیری و شرایط قرنطینه مشاهده گردید و به‌دلیل ماهیت سریع‌الانتشار بودن این بیماری تأثیرات بسیاری بر روابط فردی، خانوادگی، اجتماعی داشته و تبعات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی زیادی نیز برای کل آحاد جامعه دربرداشته است. هدف این پژوهش بررسی آسیب‌های ناشی از کرونا و اقدامات انجام‌شده در مقابل آن در جامعه ایران است. این مطالعه با روش مروری در پایگاه‌های داده فارسی و انگلیسی در سال‌های ۹۹-۱۳۹۸ انجام شد. در مجموع، ۹۶ مطالعه یافت شد که پس از حذف مقالات ناقص، خلاصه، مروری، غیرمرتبط و مطالعاتی که در جمعیت‌های غیرایرانی انجام شده بود، ۲۰ مقاله بر اساس هدف مطالعه فعلی انتخاب

سیاست‌گذاری اجتماعی و مدیریت بحران کرونا در ایران | ۴۹

شد و موردبررسی قرار گرفت. آسیب‌های ناشی از بحران کرونا بر اساس تأکید مقالات به‌ترتیب در حوزه‌های آسیب‌های اجتماعی، روحی-روانی، اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی شناسایی و دسته‌بندی شدند. اقدامات اساسی و متناسب با آسیب‌های وارده و وضعیت اقتصادی-اجتماعی کشور تا حد امکان احصاء گردید. در این بین، اولویت‌گذاری در بخش بهداشت نتایج قابل‌تأملی را به‌دنبال داشت. در پایان آنکه همه‌گیری ویروس کرونا، درجه قابل‌توجهی از ناهمگنی آسیب‌ها را نشان داد. اقدامات انجام‌شده تا حدودی بار ناشی از بیماری را کاهش داده است؛ اما با توجه به شیوع گسترده و تأثیر مخرب همه‌جانبه این بیماری لازم است برنامه‌ریزی و سیاست‌های اعمالی در سطح کلان جامعه با همکاری‌های گسترده بین بخشی و اصلاح زیرساخت‌های مناسب، جهت کنترل و کاهش هرچه بیشتر انجام شود. اهمیت موجودی سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در جامعه، در میزان موفقیت سیاست‌های دولت‌ها برای مدیریت بحران، تعیین‌کننده است. انجام چنین مطالعاتی نیز جهت تکمیل و تأمین فرآیندهای مناسب برای دفع یا رفع آفات و آسیب‌ها ضروری می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌های ناشی از بحران، اقدامات جبرانی، ویروس کرونا، ایران.

ارزیابی سیاست‌های مقابله با کرونا در ایران

محمد فکری؛ پژوهشگر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

چکیده

از زمان اعلام رسمی نخستین مورد ابتلا به ویروس کرونا در ایران در ۳۰ بهمن ۱۳۹۸ تاکنون قریب به دو سال گذشته است. اهمیت و اضطراب فراگیر پدیدآمده از همه‌گیری کرونا در جامعه به‌حدی بود که می‌توان ادعا کرد نحوه عملکرد نظام حکمرانی در مقابله با این بیماری تبدیل به عیاری برای ارزیابی کارآمدی کلی آن شد. ازاین‌رو در مقاله حاضر ارزیابی سیاست‌های مصوب و عملیاتی نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با کرونا مدنظر قرار گرفته است. این پژوهش با روش «ارزیابی تأثیر مقررات» انجام شده است. برای گردآوری داده‌ها، از اسناد و منابع رسمی منتشرشده توسط نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه مصوبات جلسات ستاد ملی مقابله با بیماری کرونا و همچنین فیلم‌های منتشرشده از جلسات این ستاد استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد سیاست مقابله با کرونا در ایران در طی زمان دچار تغییرات و چرخش‌های قابل‌توجهی شده که از مرحله انکار ورود بیماری به ایران و انکار تأثیرگذاری چندان آن در روند جامعه تا اقدامات سخت‌گیرانه و قرنطینه حذاقلی متغیر بوده است. همچنین علی‌رغم تغییر دولت در این حین و جایگزینی افراد جدید در ساختار ستاد ملی مقابله با بیماری کرونا -به‌عنوان اصلی‌ترین مرجع سیاست‌گذاری در این

سیاست‌گذاری اجتماعی و مدیریت بحران کرونا در ایران | ۵۱

حوزه- تغییر سیاستی چندانی در تصمیمات و رویکرد آن رخ نداده است. از دیگر یافته‌های این پژوهش تأثیرگذاری افکار عمومی و مطالبه‌گری گسترده جامعه ایران از حاکمیت برای اعمال برخی سیاست‌های مقابله‌ای بوده که در نهایت، حاکمیت را وادار به اجرای آن کرده است.

کلیدواژه‌ها: کرونا، ارزیابی تأثیر قوانین و مقررات، سیاست‌گذاری کرونا، حکمرانی سلامت.

فاصله اجتماعی در همه‌گیری کرونا

حسین نوری‌نیا؛ گروه جامعه‌شناسی فرهنگی، پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری،
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

علی حاتمی؛ گروه مدیریت فرهنگی، پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری، پژوهشگاه
علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

معصومه فغانخانی؛ مرکز تحقیقات سلامت روان دانشگاه علوم پزشکی ایران

امیرحسین جلالی ندوشن؛ استادیار گروه روان‌پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران

چکیده

فاصله اجتماعی مفهومی است که میزان نزدیکی و دوری افراد جامعه از یکدیگر را بر حسب ارزیابی‌های خودشان می‌سنجد. این مفهوم که عمدتاً به صورت مقیاس طراحی و سنجیده می‌شود، در حوزه‌های گوناگون کاربرد دارد و به خوبی نشان می‌دهد اعضای یک جامعه نسبت به موضوعی مشخص در چه رتبه‌ای از حساسیت قرار دارند. این حساسیت، جایگاه آن موضوع را به عنوان عامل تفاوت‌گذاری و در نهایت، فاصله اجتماعی نشان می‌دهد. از ابتدای همه‌گیری کووید-۱۹ این پرسش در میان پژوهشگران اجتماعی مطرح شد که آیا ابتلا به کرونا موجب شکل‌گیری فاصله اجتماعی می‌شود یا خیر؟ این پژوهش با روش پیمایش به انجام رسید و اطلاعات مورد نیاز با

سیاست‌گذاری اجتماعی و مدیریت بحران کرونا در ایران | ۵۳

استفاده از ابزار پرسش‌نامه در نمونه ۱۰۶۴ نفر از شهروندان تهرانی گردآوری شد. بیشتر پاسخگویان بیان داشتند خانواده آن‌ها در زمان همه‌گیری کرونا تا حد زیادی قرنطینه خانگی را رعایت کردند (۶۳ درصد). بقیه نیز این قرنطینه را در حد متوسط و کم رعایت کردند. قابل توجه آنکه بیش‌تر این افراد (۵۶ درصد) گفتند یکی از آشنایان آن‌ها به ویروس کرونا مبتلا شده است؛ به عبارتی آن‌ها تجربه ابتلا به کرونا را در بین نزدیکان خود داشته‌اند. علاوه بر اینکه حدود دو پنجم از پاسخ‌گویان (۴۱,۳ درصد) تجربه مواجهه با مرگ کرونایی یکی از آشنایان خود را نیز داشتند. هر چند فقط ۱۲,۴ درصد سابقه پرستاری و مراقبت از بیمار کرونایی را بیان کردند. مجموع این یافته‌ها نشان می‌دهد که باید فشار اجتماعی و روانی برای ایجاد فاصله اجتماعی فراهم شده باشد. برای سنجش فاصله اجتماعی از دو گویه برقراری روابط با بیمار بهبودیافته خانوادگی، و همسایه و همکار استفاده شد. جالب آنکه وجود این تجربه‌ها، مانع از برقراری ارتباطات نخستین نشد و ۷۷ درصد پاسخ‌گویان گفتند مانعی برای برقراری روابط با افراد خانواده و نزدیکان خود نداشتند. در مورد همسایگان و همکاران بهبودیافته از کرونا نیز میزان تمایل به برقراری ارتباط به ۶۷ درصد می‌رسد. نتیجه آنکه کرونا، نتوانست به‌عنوان عاملی در ایجاد فاصله اجتماعی در بین مردم عمل کند و بیشتر افراد به‌رغم مواجهه با کرونا و درگیری جامعه با آن، ارتباطات نخستین خود را حفظ کردند.

کلیدواژه‌ها: کرونا، همه‌گیری، فاصله اجتماعی، بهبودیافته، تهران.

شتاب اجتماعی، کرونا و مشکلات سیاست‌گذاری اجتماعی

حسن پورنیک؛ پژوهشگر وابسته به موسسه ماکس وبر، دانشگاه ارفورت

چکیده

همه‌گیری کرونا نقش کلیدی سیاست‌گذاری‌های اجتماعی را در مدیریت و مواجهه با بحران برجسته ساخته است. همه‌گیری کرونا بلافاصله یک پدیده چندبعدی با پیامدهای نامعین کوتاه و بلندمدت را پیش روی نهادهای سیاست‌گذاری قرار داد که مستلزم تقسیم وظایف نهادی، اقدامات پیشگیری و حمایتی فوری، تصمیم‌گیری‌های مؤثر و سریع، و امکان اجرایی بودند. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد که همه‌گیری کرونا به نوعی نیروی محرکه شتاب اجتماعی نیز تبدیل شده است و در حال شتاب‌بخشیدن به نرخ‌های دگرگونی در برخی از حوزه‌های اساسی جامعه است؛ امری که هماهنگی و انطباق سیاست‌گذاری‌های اجتماعی با واقعیت‌های شتابنده جدید را ضروری می‌سازد. به این ترتیب، این مقاله از نظریه شتاب اجتماعی استفاده می‌کند و شتاب اجتماعی را به مثابه «شتاب خود جامعه» یا «شتاب‌گرفتن نرخ‌های دگرگونی اجتماعی» تعریف می‌کند. سپس تأثیر همه‌گیری کرونا را در شتاب‌گیری دگرگونی‌ها در سه حوزه نهادی اساسی جامعه ایران یعنی حوزه‌های اقتصاد (تولید)، خانواده (بازتولید)، و سیاست (حکمرانی) تحلیل می‌کند. برای این منظور، از داده‌های آماری بهره گرفته می‌شود که نهادهای مختلف در دوران کرونا از سال ۱۳۹۸ به این سو منتشر کرده‌اند. با کمک

سیاست‌گذاری اجتماعی و مدیریت بحران کرونا در ایران | ۵۵

تحلیل ثانویه این داده‌ها در اینجا، استدلال خواهد شد که تغییرات نهادی در دو سال گذشته با نرخ‌های بی‌سابقه‌ای شتاب گرفته‌اند و از این رو، نهادهای سیاست‌گذاری دچار نوعی تأخر تصمیم‌گیری شده‌اند. در پایان، پیامدهای این امر برای سازوکارهای اساسی این سه حوزه نهادی برشمرده می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: همه‌گیری، شتاب اجتماعی، سیاست‌گذاری اجتماعی، شتاب تغییرات اجتماعی، دگرگونی در فعالیتهای اقتصادی، دگرگونی در ساختار خانواده، حکمرانی.

پیامدهای آموزش مجازی در دوران پسا کرونا

مریم رجب‌زاده؛ کارشناس پژوهش مرکز آموزش مدیریت دولتی

چکیده

همه‌گیری کووید ۱۹ و در پی آن شرایط بحرانی کشور، سازمان‌ها و بخش‌های مختلف را مجبور به چاره‌اندیشی و تغییر روندهای جاری انجام فعالیت‌ها نمود. آموزش مجازی از جمله برنامه‌های نظام آموزش و پرورش کشور در مواجهه با این بیماری و مدیریت بحران به وجود آمده بود. اگرچه بسیاری از صاحب‌نظران، استفاده از آموزش مجازی را یکی از راهکارهای ایجاد عدالت آموزشی می‌دانند، مقاله حاضر درصدد است با استفاده از روش پژوهش اسنادی نشان دهد آموزش مجازی نه تنها باعث افزایش عدالت در آموزش نخواهد شد، بلکه به کارگیری این سیاست، در محیطی دارای نابرابری بخشی در تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز و نابرابری سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خانواده‌های دانش‌آموزان، موجب تعمیق شکاف‌های موجود و افزایش نابرابری سطح آموزشی می‌شود. به عبارت دیگر، این سیاست، منجر به افزایش نابرابری در آموزش شده و در دوران پسا کرونا نظام آموزش کشور با مسئله حضور دانش‌آموزان با سطوح و کیفیت آموزشی مختلف در یک کلاس مواجه خواهد بود. از این رو برنامه‌ریزی به منظور آمادگی برای مواجهه با چنین وضعیتی باید در اولویت مأموریت‌های دستگاه مربوطه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری آموزشی، نابرابری آموزشی، مدیریت بحران کرونا، سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی.

کووید-۱۹ در ایران: مطالعه‌ای کیفی از تجربیات کارکنان خط مقدم مراقبت سلامت

علی صیامی؛ دانشکده مجازی آموزش پزشکی و مدیریت
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

چکیده

نیروی انسانی از منابع حیاتی هر کشوری هستند و سلامت و ایمنی آنان برای پایداری و ایمنی و همچنین سلامت جامعه، بسیار حیاتی می‌باشد. با شیوع گسترده بیماری کووید ۱۹، ارائه‌دهندگان مراقبت سلامت با چالش‌های متعددی مانند افزایش حجم کاری، ساعات کاری نامنظم و طولانی، ازدحام بیش‌ازحد بیماران، ناکافی بودن اتاق‌های ایزوله و خستگی فیزیکی مواجه شدند. هدف از انجام این مطالعه بررسی تجارب شخصی و حرفه‌ای ارائه‌دهندگان خدمات درمانی در زمان شیوع ویروس کرونا در بیمارستان‌های پرمراجعه شهر تهران می‌باشد. این پژوهش کیفی با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شد. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند با استفاده از روش گلوله‌برفی از میان کارکنان شاغل در واحدهای اصلی کووید-۱۹ بیمارستان‌های پرمراجعه دانشگاه‌های علوم پزشکی شهیدبهشتی، ایران و تهران تا اشباع کامل اطلاعات انجام شد. داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شد. پس از پیاده‌سازی و استخراج گویه‌ها، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودای ۱۰ آنالیز شدند. پس از کدگذاری، تعداد ۳۳۶ کد اصلی استخراج شد. کدهای اصلی در ۱۰ طبقه اصلی و ۳۰ زیرطبقه تقسیم‌بندی شدند.

۵۸ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

در نهایت، تعداد ۴ درون‌مایه اصلی به نام‌های «تجربه شخصی کارکنان مراقبت سلامت»، «تجربه حرفه‌ای کارکنان مراقبت سلامت»، «چالش‌های کار در زمینه کرونا» و «راهکارهای مقابله با کرونا» به‌دست آمد. در مجموع، می‌توان گفت پاندمی کرونا ویروس، کارکنان مراقبت سلامت را تحت فشارهای روحی و روانی بسیار زیادی قرار داد؛ بنابراین، سیاست‌گذاران سلامت باید برای مدیریت و کنترل سریع بحران کرونا، اقداماتی برای حمایت از آن‌ها برنامه‌ریزی و اجرا کنند که برگزاری دوره‌های آموزشی و مانور، ارائه آموزش و منابع بهداشت روانی، تقویت حمایت سازمانی برای نیازهای جسمی و عاطفی، حمایت از مسائل مربوط به خانواده و پایش منظم سلامت روان کارکنان سلامت پیشنهاد می‌گردد. کمبود کادر درمان و تجهیزات موردنیاز برای درمان بیماران و عدم همکاری عموم جامعه برای کنترل هرچه سریع‌تر بیماری از دیگر مشکلات کادر سلامت بوده است که پیاده‌سازی تسهیلاتی مانند تخصیص بودجه برای تأمین تجهیزات در مواقع بحران و استخدام نیروی درمان، همچنین توجیه و همکاری مردم از طریق رسانه‌های اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: کووید-۱۹، تجارب شخصی، تجارب حرفه‌ای، کارکنان مراقبت سلامت، پاندمی.

ویروس کرونا (کووید-۱۹) و خلق ارزش اجتماعی

رحمت میرزائی؛ دکترای رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

پس از ثبت اولین گزارش‌ها از شیوع ویروس کرونا به مرکزیت ووهان چین، این بیماری در بیش از صد کشور به صورت بحرانی گسترش یافت و تغییرات زیادی را در سبک زندگی جوامع ایجاد کرد و این نشان‌دهنده تغییر جامعه برای همیشه در نتیجه ویروس کروناس و به طور معمول، می‌توان به تغییرات سبک زندگی، از جمله فاصله‌گذاری اجتماعی و دورکاری یا کار از خانه، اشاره کرد. هدف این مقاله درک این موضوع است که چگونه کووید-۱۹ منجر به افزایش سطوح خلق ارزش اجتماعی با هدف تولید مزایای خلاقانه و نوآورانه برای جامعه شده است. در این پژوهش از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. در تحقیقات توصیفی، محقق در پی آن است که وضعیت موجود پدیده یا شیء یا اتفاقی خاص را بررسی و توصیف کند. از نتایج تحقیقات توصیفی-کاربردی در تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و همچنین برنامه‌ریزی‌ها به عنوان شواهد پشتیبان مداخله‌های سیاستی خاص استفاده می‌شود. در این تحقیق یک تفسیر در خصوص مدیریت بحران از دیدگاه کارآفرینی اجتماعی با هدف درک منافع اجتماعی اقدام جمعی ناشی از بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ ارائه شده است. این

۶۰ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

رویکرد روشی جدید برای درک مفاهیم سیاست اجتماعی ناشی از بحران کووید-۱۹ ارائه می‌دهد. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که چگونه تأکید بیشتر بر سیاست اجتماعی بر پیدا کردن روش‌های کارآفرینی برای رسیدگی به بحران کووید-۱۹ که درجاتی از ایجاد ارزش مشترک را دربرمی‌گیرد، وجود داشته است. نمونه‌هایی از ابتکارات کارخانه تولید بذر (خوراک) و کاهش بی‌خانمانی در زمان بحران به‌عنوان راهی برای توضیح خلق ارزش اجتماعی موردبحث قرار می‌گیرد. علاوه بر این، راه‌های مختلفی که کشورهای مختلف به بحران کووید-۱۹ واکنش نشان داده‌اند، برای درک تفاوت‌های زمینه‌ای جامعه جهانی بیان شده است. این مقاله یکی از اولین مقالاتی است که بر پیوند بین کووید-۱۹ و کارآفرینی اجتماعی از منظر خلق ارزش مشترک تمرکز کرده است و در نتیجه، شیوه جدیدی از تفکر در مورد بحران را از منظر سیاست اجتماعی امکان‌پذیر می‌کند. این امر پایه‌ای تئوریک را برای درک تفاوت‌های سیاست اجتماعی در رابطه با بحران کووید-۱۹ فراهم می‌کند.

کلیدواژه‌ها: ویروس کرونا، مدیریت بحران، کارآفرینی اجتماعی، سیاست اجتماعی، ارزش اجتماعی، خلق ارزش.

تعاونی‌ها و مدیریت بحران کرونا

مریم ابراهیمی؛ دکترای رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

تعاونی‌ها کسب‌وکارهای مردم‌محوری هستند که مطابق تعریف اتحادیه بین‌المللی تعاونی متعهد به اصولی چون انصاف، برابری، ساختار منعطف و دموکراتیک بوده و در جهت اهداف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی اعضا هستند. جنبش تعاون با فلسفه جمع‌گرایانه و اهمیت همکاری جهت کاستن از آسیب‌های ناشی از رویکرد فردگرایانه و رقابت‌محور سرمایه‌داری شکل گرفت و در بحران کرونا تعاونی‌ها اقدامات مختلفی را در جهت کاهش آثار اقتصادی-اجتماعی کرونا انجام داده‌اند. با توجه به اهمیت موضوع تعاون، به‌ویژه جایگاه تعاون در قانون اساسی و اهمیت تعاونی‌ها در کاهش آسیب در مواقع بحرانی، این مطالعه به بررسی اقدامات ده تعاونی برتر در رتبه‌بندی جهانی بر اساس گزارش‌های دیده‌بان جهانی تعاونی در سال ۲۰۲۱ می‌پردازد. مطابق این بررسی، تعاونی‌ها به دلیل ارزش‌های جمع‌گرایانه و اهمیت حفظ انسجام اجتماعی به عنوان ارزش محوری، نقش فعالی در اجتماعات خود، به‌ویژه در بقای بخش‌هایی که تحت تأثیر کرونا تعطیل شده‌اند داشته و با انجام اقدامات مختلف از این بخش‌ها حمایت کرده‌اند. مجموعه اقدامات این تعاونی‌ها در دو دسته طرح‌های فوری جهت حمایت از اعضای آسیب‌پذیر و همه شهروندان، به‌ویژه در دسترسی آسان به مواد مصرفی و مورد نیاز

۶۲ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

خوراکی بهداشتی و درمانی، فروش محصولات کشاورزی و پیشگیری از ایجاد قحطی مواد اولیه مصرفی، وام‌های ضروری جهت حفظ کسب و کارهای تعطیل شده از جمله در بخش‌های فرهنگی و هنری و حمایت از آن‌ها، نقش آموزشی جهت توانمندسازی و ارتقاء مهارت‌های نیروی کار با استفاده از فرصت تعطیلی در بستر مجازی، طرح‌های مساعدت اجتماعی و طرح‌های بلندمدت جهت حمایت از مشاغل، بازسازی مشاغل و جوامع و حمایت‌های مالی در دوران پسا کرونا قابل تقسیم است. با توجه به اهمیت تعاونی‌ها به عنوان ظرفیت مردمی در افزایش انسجام اجتماعی، تقویت فعالیت‌های داوطلبانه و افزایش توانمندی جامعه و کاهش هزینه‌های رفاهی و تصدی‌گری دولت، به ویژه در مواقع بحرانی که اهمیت و فوریت حمایت‌های اجتماعی پررنگ‌تر می‌شود، تقویت این بخش ضمن آثار اقتصادی ناشی از کاهش هزینه‌های دولت می‌تواند در تقویت بخش سوم مؤثر باشد.

کلیدواژه‌ها: تعاونی‌ها، کرونا، بخش سوم.

کرونا و چالش‌های حاکمیت قانون در شرایط اضطراری (مطالعه موردی ستاد مقابله با کرونا)

پیمان دولتخواه؛ دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

پس از همه‌گیری ویروس کرونا و به‌منظور مقابله با تشدید آسیب‌های ناشی از آن، اتخاذ برخی تصمیمات مدیریتی و بعضاً ایجاد محدودیت در برخی حقوق و آزادی‌های معمول مردم ضرورت پیدا کرد و در نتیجه، دغدغه حاکمیت قانون در چنین شرایطی قابل طرح است. دولت ایران با نگاهی امنیت‌مدار، مدیریت این شرایط را به شورای عالی امنیت ملی و نهاد برخاسته از آن، ستاد ملی مبارزه با کرونا، واگذار نمود. تأسیس این نهاد و اختیارات وسیع آن در پرتو ضرورت و دغدغه حاکمیت قانون در یک نظام مردم‌سالار، نگارنده را به‌سمت بررسی رابطه حاکمیت قانون و مقتضیات و شرایط تحقق آن در شرایط اضطراری، چرایی الزام به حاکمیت قانون با عنایت به‌توالی فاسد آن در چارچوب شرایط اضطراری، بررسی الگوی پاسخ به وضعیت اضطراری در قوانین اساسی، امکان‌سنجی طرح بیماری کرونا ذیل عنوان شرایط اضطراری در چارچوب قوانین ایران، بررسی ستاد مبارزه با کرونا به‌عنوان نهادی قانونی یا غیرقانونی، آسیب‌شناسی آیین‌نامه و تصمیمات ستاد مبارزه با کرونا با نگاهی به مطالعات تطبیقی و در پایان، ارائه مدل

۶۴ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

پیشنهادی خود یعنی طرح ستاد مدیریت کرونا ذیل ستاد ملی مدیریت بحران با اتکا بر روش تحلیلی و توصیفی و با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای و اظهارنظرهای دکترین حقوقی سوق داده است و این پیشنهاد را طرح می‌کند که دولت هرچه سریع‌تر زمینه اجرای قانون «مدیریت بحران کشور» مصوب ۱۳۹۸ را فراهم نماید و یا با ارائه لایحه فوری، ضمن تعیین جایگاه قانونی برای ستاد ملی مبارزه با کرونا، شرح وظایف و اختیارات آن و مسئولیت متخلفان از دستورات ستاد را تعیین کند.

کلیدواژه‌ها: کرونا، حاکمیت قانون، ستاد ملی مبارزه با کرونا، شرایط اضطراری، سازمان مدیریت بحران

روزگار دانشگاه در پاندومی کرونا:

مطالعه مقایسه‌ای دانشجویان دکتری دانشگاه علامه طباطبائی و دانشگاه تهران در دوران بحرانی شیوع ویروس کرونا

زینب بیلکی؛ گروه رفاه اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی شرایط حاکم بر آموزش‌های مجازی، هنگامی که جامعه با ضرورت عبور از فضای عینی به مجازی روبه‌روست، پرداخته است. بنابراین به مطالعه و بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای آموزش‌های مجازی با استفاده از تجربه کرونا در دانشگاه پرداخته شد. در واقع، دغدغه این پژوهش پاسخ به دو مسئله بود: مسئله آموزش مجازی در دوره دکتری علوم اجتماعی دانشگاه‌های علامه طباطبائی و تهران در عبور از آموزش عینی به مجازی به چه ترتیب می‌باشد و با چه فرصت‌ها و چالش‌هایی روبه‌رو است؟ ابعاد انسانی و اجتماعی آموزش در شرایط بحرانی چه تحولاتی پیدا می‌کند؟ پژوهش حاضر با رویکرد کیفی با استفاده از روش تحلیل مضمونی و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ انجام شده است. روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی و مصاحبه‌ها متأثر از شرایط کنونی به‌صورت مجازی (از طریق برنامه واتساپ) انجام گرفت. کنشگران اصلی (دانشجویان) تجربه خود در

۶۶ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

این دوران را ارائه دادند. پنج مضمون اصلی که در پژوهش حاضر شناسایی شد عبارت‌اند از: مقاومت اولیه در برابر آموزش مجازی، افت کیفیت آموزشی، وجود محدودیت‌های فضایی (محیطی) دانشجویان، فقدان شفافیت در شیوه‌های ارزشیابی، شکل‌نگرفتن تعاملات در آکادمی. در نهایت، نتیجه گرفته شد، این‌که همه‌گیری کرونا به بزنگاهی برای تغییر سیاست‌گذاری در سطح آموزش عالی به‌عنوان مثال ارائه آموزش به‌صورت ترکیبی برای پس از کرونا منتهی شود، به کیفیت و کمیت تغییرات، به سنت حاکم بر آموزش کشور و از طرفی جایگاه آموزش و آموزش عالی به‌مثابه امر اجتماعی در کشور وابسته است.

کلیدواژه‌ها: فناوری اطلاعات، تعامل در آموزش از راه دور، آموزش مجازی، محتوای الکترونیکی، سیاست‌گذاری آموزش عالی.

سیاست‌گذاری کرونایی، مدافع یا مهاجم حقوق شهروندی

حوریه سادات صالحی؛ کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی دانشگاه کاشان

فاطمه نامیان؛ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

شروع و شیوع بحران بین‌المللی ویروس کرونا در اوایل دسامبر ۲۰۱۹ به عنوان بحرانی نوین و ناشناخته، چالش‌های متعدد اجتماعی، بهداشتی، اقتصادی و فرهنگی را سبب شده، همچنین معادلات و نظم جهانی را دچار آشفتگی و دولت‌ها را نیز ملزم به ایجاد قوانین و سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مدیریت بحران کرونا کرده است. در ایران نیز همانند دیگر جوامع سیاست‌هایی جهت مدیریت بحران کرونا اعم از قرنطینه، تدوین شیوه‌نامه‌های بهداشتی، کسب و کارهای دیجیتال و... اتخاذ گردید. از آنجا که شهروندان یک جامعه در این شرایط بحرانی زیست می‌کنند و نتایج این سیاست‌گذاری‌ها تأثیر مستقیم بر حیات اجتماعی و حقوق شهروندی شهروندان دارد و همچنین باتوجه به چالش‌های ایجادشده در جامعه، دسترسی برابر و عادلانه شهروندان به امکانات بهداشتی، رفاهی و اجتماعی بسیار حائز اهمیت است. لذا هدف پژوهش حاضر بررسی رعایت عدالت اجتماعی، حقوق شهروندی و دسترسی برابر شهروندان به منابع و امکانات در سیاست‌های کرونایی از طریق روش تحلیل تماتیک در میان ۲۰ نفر از دانشجویان

۶۸ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان است که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. آنچه از نتایج پژوهش حاصل می‌گردد، بیانگر عدم‌رعایت حقوق شهروندی از منظر اطلاعات ضدونقیض، دسترسی‌های برابر به امکانات بهداشتی، معیشتی، رفاهی و اقتصادی، و امنیت اقتصادی متزلزل می‌باشد. بنابراین، سیاست‌گذاری‌های کرونایی نیازمند رعایت بیشتر حقوق شهروندی و رفع نابرابری‌های اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها: ویروس کرونا، سیاست‌گذاری اجتماعی، حقوق شهروندی، نابرابری اجتماعی، مدیریت بحران.

تحلیل سیاست‌های جغرافیایی ستاد ملی مقابله با کرونا

مختار جعفری؛ دانشجوی دانشگاه گلستان

چکیده

بیماری کووید ۱۹ برای اولین بار در اواخر دسامبر سال ۲۰۱۹ میلادی در منطقه ووهان چین گزارش شد. در ایران، اولین موارد بیماری از قم با دو مورد فوتی در تاریخ ۳۰ بهمن ماه ثبت گردید. متعاقباً با روند صعودی موارد ابتلا در اقصانقاط کشور، شورای عالی امنیت ملی، کرونا را همچون تهدیدی قلمداد و در راستای انجام وظیفه امنیتی خود تصمیم‌گیری‌های مرتبط با آن را به ستادی به نام «ستاد ملی مقابله با کرونا» که خود تشکیل داد، واگذار کرد. این ستاد بنا بر رسالت خود جلساتی تشکیل و بندهایی را به تصویب رساند که یکی از مصوبات مکرر آن محدودیت و ممنوعیت‌های تردد مکانی بود. این مصوبات با هدف کنترل اپیدمی کرونا وضع گردیدند. حال پس از گذشت قریب به ۲ سال از تشکیل این ستاد، پرسش بنیادی میزان اثربخشی مصوبات آن بر اساس واقعیت‌های مکانی است. در راستای پاسخ به این پرسش، پژوهش حاضر با استفاده از آمار فضایی در بستر نرم‌افزار GIS، تهیه نقشه‌های کاربردی و استخراج الگوهای مکانی-زمانی تحلیل سری زمانی از اپیدمی ارائه و سیاست‌های جغرافیایی مصوبات را بررسی کرده است. نتایج اولیه تحقیق حاکی از آن است که فاصله و مجاورت مکانی مهم‌ترین عوامل جغرافیایی انتشار ویروس است و انتشار، از الگوی پخش فضایی

۷۰ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

سازش‌پذیر پیروی کرده است. از این‌رو ممنوعیت‌های تردد در الگوهای اپیدمیولوژیک کووید-۱۹ تأثیرگذار بوده است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل سری زمانی، ممنوعیت تردد، اپیدمی، کووید ۱۹، GIS.

آموزش مجازی، رسانه و کرونا

احسان مردوخ روحانی؛ دبیرخانه شهر خلاق سندج

چکیده

در این مقاله سعی شده است که وضعیت آموزش در شرایط بحران کرونا در کشور تحلیل گردد. از حدود صد سال پیش تا به حال، هرگز هیچ بیماری‌ای در این مقیاس، آثار مخرب اقتصادی و اجتماعی نداشته است؛ مواردی چون فقر و بیکاری، تنهایی، افزایش آسیب‌های اجتماعی و... یکی از جنبه‌هایی که بحران کرونا بر آن اثر منفی بر جای گذاشته، آموزش است که در کشور ما هم موجب افت تحصیلی و هم بازماندن شماری از دانش‌آموزان و دانشجویان از ادامه تحصیل شد. تحلیلی از وضعیت آموزش در کشور در شرایط کرونایی دارای اهمیت است و سعی شده در این مقاله به آن پرداخته شود. دو مدل برای تحلیل سیاست آموزشی به کار می‌روند: مدل مهندسی و مدل انتقادی که در اینجا از مدل انتقادی استفاده شده است. روش به کاررفته در این پژوهش، تاریخی است و پیامدهای سیاست‌گذاری آموزش عالی به دو نوع خواسته شده و ناخواسته تقسیم شده است. پیامدهای خواسته شده (مدیریت شده) آموزش در کشور عبارت‌اند از: نابرابری، بیکاری دانش‌آموختگان، کیفیت پایین آموزش، کالایی شدن آموزش، افزایش شمار بازماندگان از تحصیل و فرار مغزها و پیامدهای مدیریت شده سیاست‌گذاری آموزش در کشور عبارت‌اند از: تمرکزگرایی، افزایش شمار مراکز آموزشی، افزایش شمار

۷۲ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

ثبت‌نام در مدارس و دانشگاه‌ها و کاهش بی‌سوادی. بر اثر کرونا بازماندن از تحصیل برای بسیاری از افراد تشدید شده است که این امر را در آمار رسمی می‌توان دید. در پایان بر اساس سه موضوع ۱) تمرکززدایی، ۲) برابری و ۳) کالایی‌زدایی آموزش، سه راهبرد جهت روبه‌روشدن با مشکلات این حوزه پیشنهاد شده است.

کلیدواژه‌ها: کرونا، فضای مجازی، برابری، تمرکزگرایی، کالایی‌شدن.

کرونا ویروس و مدیریت بحران: بررسی دیدگاه دانشجویان نسبت به سیاست‌گذاری‌های اجتماعی در زمینه مدیریت بحران کرونا

فاطمه نامیان؛ دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

در پژوهش حاضر قصد بر آن است که دیدگاه دانشجویان نسبت به سیاست‌گذاری‌های کرونایی (سیاست‌های محدودیت ترافیکی، محدودیت سفرها، کاهش ساعت‌های کاری، فاصله‌گذاری اجتماعی و سیاست‌های نگهداری مردم در خانه و...) بررسی شود. روش این پژوهش از نوع کیفی است و از روش تحلیل تماتیک جهت تحلیل داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش دانشجویان دانشگاه کاشان هستند که به روش نمونه‌گیری هدفمند با ۲۲ نفر از آن‌ها مصاحبه شده است. بحران کرونا به دلیل قدرت شیوع، کشندگی بالا و هراس اجتماعی ناشی از آن و همچنین نامشخص بودن زمان دقیق غلبه بر آن، نه تنها بخشی از جامعه و کادر پزشکی، بلکه تمامی نهادهای موجود در جامعه را با بحران مواجه ساخته است و به دلیل برهم زدن نظم اجتماعی و تعاملات عادی و روزمره موجب ایجاد بحران اجتماعی در ساحت‌های مختلف شده است. پایه‌پای رشد این عوارض بحرانی، راه‌حلهایی نیز پدید می‌آیند که در واقع همان سیاست‌گذاری‌های اجتماعی دولت‌ها و اقدامات آن‌ها جهت مقابله با این ویروس می‌باشد. نتایج مطالعه بیانگر دیدگاه انتقادی مصاحبه‌شوندگان نسبت به نحوه برخورد

۷۴ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

دولت و واکنش مردم جهت مقابله با کرونا بود. تأکید بیشتر صاحب‌هشوندگان بر عادی‌انگاری کرونا و عدم رعایت اصول بهداشتی توسط شهروندان و در مقابل، سازوکارهای قانونی از اعمال محدودیت‌های شبانه و تردهای برون‌شهری تا فاصله‌گذاری‌های اجتماعی در اماکن دولتی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت بحران، بحران مدیریت، کرونا ویروس، سیاست‌گذاری اجتماعی.

ابعاد نظری و مفهومی سیاست‌گذاری اجتماعی

واکاوی مفهومی بنیان‌های سیاست اجتماعی در ایران پس‌انقلاب

مرتضی پرویزن؛ دکتری رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

جعفر هزارجریبی؛ استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

انقلاب اسلامی ایران به واسطه شعارهای اسلامی و دانش فقهی گسست معنایی در حوزه عدالت رقم زد. بر همین مبنا ایده‌های سیاسی (برابری و آزادی) با محوریت اسلامی کردن تمام عناصر و نهادهای جامعه پی‌ریزی شد. نهادهای انقلابی (ستاد اجرایی فرمان امام، کمیته امداد، بنیاد مستضعفین، بنیاد شهید) تشکیل شدند که با وعده تحقق اهداف انقلاب اسلامی و صیانت از آن به استحکام و مشروعیت خود دامن زده و طی تورم ساختاری متعاقب آن به بازآرایی خود در بسیاری از عرصه‌های اجرایی کشور و تسخیر کرسی‌های دولتی پرداختند. حال، دغدغه اصلی محقق در این پژوهش این می‌باشد که فرآیند سیاست اجتماعی در ایران پس‌انقلاب اسلامی تابع چه دال‌هایی مفهوم‌پردازی شده و چارچوب مفهومی برای تبیین سیاست اجتماعی و نحوه تصمیم‌گیری سیاستی در میادین قدرت چگونه صورت‌بندی شده است؟ در همین راستا در خصوص استخراج دال‌های کلیدی در سیاست اجتماعی، محققین با دو گروه از متخصصین (صاحب‌نظران حکومتی؛ تصمیم‌سازان و متخصصین دانشگاهی) مصاحبه

ابعاد نظری و مفهومی سیاست‌گذاری اجتماعی | ۷۷

نیمه‌ساختاریافته نمودند. پس از پیاده‌سازی در متن و استخراج مضامین اصلی، به‌واسطه نظریه گفتمان لکلا و موفه به مقایسه مضامین کلیدی هر دو گروه و تحلیل انتقادی سویه‌های ایدئولوژیک پرداختند. یافته‌ها حاکی از این امر بود که صاحب‌نظران حکومتی به‌واسطه قرائت خاصی از دین، اولویت سیاست اجتماعی در ایران را مبتنی بر جنگ با فقر، محرومیت‌زدایی، مبارزه جهادی با فقر و صرفاً مسائل معیشتی دانسته‌اند؛ در صورتی که متخصصین دانشگاهی مستقل، معتقد هستند که در سیاست اجتماعی ایران معناها، ایده‌ها و ارزش‌هایی مرجح شده‌اند که تأمین‌کننده منافع بازیگران اصلی میادین قدرت بوده و فساد و رانت را در نتایج سیاست‌ها دامن زده است و سویه‌های مدنی، فرهنگی سیاست‌گذاری اجتماعی نادیده گرفته شده است.

کلیدواژه‌ها: سیاست اجتماعی، ایدئولوژی، گفتمان، فساد، رانت.

گفتمان حمایت اجتماعی و نابسامانی‌های مفهومی پیرامون آن

یاسر باقری؛ استادیار گروه توسعه و سیاست‌گذاری اجتماعی دانشگاه تهران

چکیده

گاه هم‌جواری چند مفهوم یا غلبه فهم خاصی از یک مفهوم می‌تواند رویکردهای سیاست‌گذاری اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد. این پژوهش می‌کوشد تا با واسازی مفصل‌بندی مفاهیم موجود در حوزه رفاه اجتماعی، نسبت چیدمان موجود با مناسبات قدرت را آشکار کند. مسئله اصلی این پژوهش، پی‌بردن به چیستی و چرایی غلبه فهم خاصی از مفهوم تأمین اجتماعی است که به تفکیک بنیادین حمایت اجتماعی و بیمه اجتماعی قائل است. این نگرش در متون متعدد تألیفی، نگرش دانشجویان و پژوهشگران حوزه رفاه اجتماعی (مستخرج از مصاحبه با ۱۵ دانشجو/ فارغ التحصیل ارشد و دکتری رفاه) مسلط است. روش پژوهش حاضر، یک روش کیفی ترکیبی (تریانگیولیشن) است که از تحلیل گفتمان انتقادی، تحلیل تاریخی و ابزارهای تکمیلی همچون مصاحبه و تحلیل محتوای کیفی برای تکمیل داده‌ها بهره می‌برد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تفکیک مذکور، از اواخر دهه ۱۳۷۰ و از طریق تدوین گزارش‌های پشتیبان طرح ابتدایی قانون ساختار وارد ادبیات این حوزه شده است. این بازآرایی مفهومی به برون‌شدن سازمان‌های بیمه‌گر از قلمرو مفهومی حمایت اجتماعی

ابعاد نظری و مفهومی سیاست‌گذاری اجتماعی | ۷۹

انجامیده و سازمان‌های مذکور را به ابزار نظری علیه رویکرد حمایتی نبرده‌های سیاست‌گذاری اجتماعی مجهز کرده است. نتیجه یافته‌های مذکور، فهم متمایز پژوهشگر ایرانی از حمایت اجتماعی نسبت به برداشت جهانی آن (به‌ویژه در چارچوب مفهومی سازمان بین‌المللی کار) است؛ این موضوع که تا حدی مبتنی بر منافع سازمان‌های بیمه‌گر است، به بروز مرزهای سلب میان حمایت اجتماعی و بیمه اجتماعی در عرصه آکادمیک و در نتیجه، پیشنهادهای جانب‌دارانه در حوزه رفاه منتهی شده است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان، سیاست‌گذاری اجتماعی، حمایت اجتماعی، تأمین اجتماعی، رفاه اجتماعی.

رفاه در ۴ گفتمان

روزبه کردونی؛ پژوهشگر

چکیده

هدف این مقاله توصیف، تحلیل و تبیین گفتمان رفاهی سخنان رؤسای جمهور در ۴ دوره (۱۳۷۶-۱۳۶۸؛ ۱۳۸۴-۱۳۷۶؛ ۱۳۹۲-۱۳۸۴؛ ۱۴۰۰-۱۳۹۴) می‌باشد. در این تحقیق خصوصیات و عناصر اصلی ساخت گفتمان‌های رفاهی رؤسای جمهور در این چهار دوره در یک بستر تاریخی اجتماعی بازشناسی واکاوانه خواهد شد. روش تحقیق در این پژوهش به روش تحلیل گفتمانی و با تکیه بر الگوی تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف است. این پژوهش ضمن آنکه امکان مقایسه و بررسی شباهت و تفاوت‌های گفتمان مسلط رفاهی در این ۴ دوره را فراهم می‌کند، از بعد کاربردی می‌تواند به تعمیق شناخت و درک موفقیت یا شکست سیاست‌ها و برنامه‌های رفاهی از منظر گفتمانی کمک کند. پس از بیان مسئله، ادبیات نظری، روش تحقیق و یافته‌ها رویکردهای ۴ گفتمان مسلط رفاهی در دوره ۴ رئیس‌جمهور را در مواردی نظیر مسکن، بیمه، اشتغال، سوبسیدها بیان می‌کند و تفسیر ارائه‌شده از عدالت، توسعه، جامعه امن، نظام تأمین اجتماعی را مقایسه خواهد کرد. تفاوت‌های مهم در مؤلفه‌های رفاهی نه‌تنها در یک دوره ۸ ساله بلکه چرخش‌های گفتمانی رؤسای جمهور در دوران ریاست‌جمهوری، یکی از نتایج مهم این پژوهش است که منجر به این جمع‌بندی تحلیلی می‌شود که اصولاً

ابعاد نظری و مفهومی سیاست‌گذاری اجتماعی | ۸۱

در یک بازه زمانی ۳۶ ساله سیستم اجرایی کشور نه تنها فاقد یک گفتمان مسلط رفاهی بوده است، بلکه گفتمان‌های رفاهی متعارض در جدال نظری نیز بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: رفاه اجتماعی، تحلیل گفتمان، فرکلاف، رئیس‌جمهور، عدالت.

تئوری تلنگر و سیاست‌گذاری‌های معطوف به حل مسائل اجتماعی

مرتضی رستمی؛ دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

این نوشتار در پی تشریح این مدعاست که سیاست‌گذاران اجتماعی می‌توانند از ایده تلنگر که از ابداعات اقتصاددانان رفتاری است به‌مثابه ابزاری در خدمت سیاست‌گذاری‌های معطوف به حل مسائل اجتماعی بهره‌برند. سرآغاز این متن بیان خاستگاه این مفهوم است و سپس چستی و مختصات ایده تلنگر به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد و گفته می‌شود که اعضای جوامع انسانی به دلایلی معتنا به در انتخاب‌ها و تصمیماتشان طریق نابخردی در پیش می‌گیرند و مسائل اجتماعی متفاوتی را دامن می‌زنند و درست در همین جاست که سیاست‌گذاران اجتماعی می‌توانند با شناخت این دلایل و سپس با بهره‌گیری از ابزار تلنگر، آدمیان را به سمت‌وسوی تصمیمات نیکوتر برانند و از این طریق، بسیاری از مسائل اجتماعی را پیشگیری کنند و یا مرتفع سازند. مسائلی که دامنه آن‌ها از بهداشت و سلامت عمومی جامعه تا الگوهای مصرف منابع انرژی، گسترده است. این متن به تشریح تجربیات و مسائل اجتماعی‌ای خواهد پرداخت که با توسل به ایده و ابزار تلنگر مورد مداخله قرار گرفته‌اند. ابزاری که البته نه از جنس پدرمآبی آزادی‌ستان است و نه از سنخ لیبرال‌مآبی به حال خود واگذار، بلکه چیزی است ایستاده در میانه، راه سوم، پدرمآبی لیبرتارین.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری، خطای شناختی، تلنگر، مسئله اجتماعی، پدرمآبی لیبرتارین، اقتصاد رفتاری.

واکاوی جامعه‌شناختی دولت رفاه در رویکرد توسعه انسانی با تأکید بر سیاست‌های دولت یازدهم و دوازدهم

سید یاسین حسینی؛ دکترای تخصصی جامعه‌شناسی فرهنگی

کیومرث خزلی؛ دکترای تخصصی جامعه‌شناسی سیاسی

چکیده

لزوم تأمین رفاه شهروندان از سوی دولت را می‌توان از زوایای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی مورد مطالعه قرار داد. اهمیت وجود سطح قابل قبولی از رفاه در اجتماع موجب شده است در جهان معاصر مفهوم دولت رفاه در برخی از کشورها عینیت یابد. در این پژوهش به بررسی جامعه‌شناختی دولت رفاه در رویکرد توسعه انسانی با تأکید بر سیاست‌های دولت یازدهم و دوازدهم می‌پردازیم؛ همچنین با بیان ویژگی‌های کلی دولت رفاه و بسط مفهوم توسعه انسانی تحت‌عنوان مفاهیم انتخاب، ضمن بررسی مفاهیم مرتبط با دولت رفاه و توسعه انسانی به مقایسه تلاش‌های دولت یازدهم و دوازدهم در بهبود شاخص‌های توسعه انسانی در ایران می‌پردازیم. همچنین با تأکید بر رویکرد قابلیت‌های انسانی (توانایی‌ها، انگیزه‌ها، انتخاب و اهداف) و تشریح مؤلفه‌های سه‌گانه توسعه انسانی می‌پردازیم. کشور ایران با توجه به ارقام گزارش شده UNDP، رشد خوبی را در شاخص‌های توسعه انسانی به دست آورده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که دولت‌های یازدهم و دوازدهم مشترکاتی باهم دارند؛ اما نمی‌توان آن‌ها را در مورد

۸۴ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

مؤلفه‌های توسعه انسانی یکی دانست؛ بلکه نظریه دولت رفاه در شاخص‌های توسعه انسانی، بالأخص اقتصاد، در دولت‌های یازدهم و دوازدهم به جهت تفاوت در اهداف، شیوه‌ها، ابزارها در بازه زمانی حال حاضر با توجه به محدودیت از سوی جامعه بین‌الملل توانسته استقلال و توانایی را در عرصه‌های مذکور حفظ نماید.

کلیدواژه‌ها: توسعه انسانی، دولت رفاه، گزارش توسعه انسانی، قابلیت‌های انسانی، دولت یازدهم و دوازدهم.

دولت ضعیف و سیاست‌های یارانه‌ای در ایران (۱۳۵۷-۱۳۹۸)

آیدین محمدی؛ دانشجوی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

سیاست‌های یارانه‌ای در ایران همواره مسئله‌ای مناقشه‌برانگیز بوده است. نیروهای مؤثر در فرایند سیاست‌گذاری اصلاح نظام یارانه‌ها شعار کارآمدسازی و عادلانه‌سازی نظام توزیع یارانه‌ها را در طول دهه‌های پس از انقلاب دنبال کردند. باین حال مسیر اصلاحات باوجود منازعاتی که بین این نیروها جریان داشت، چند بزنگاه ازجمله تعدیل ساختاری (دوره هاشمی)، بزنگاه «قانون هدفمندکردن یارانه‌ها» و دوره اعتدال را پشت سر گذاشته است. هدف پژوهش حاضر تحلیل چگونگی شکل‌گیری سیاست‌های یارانه‌ای با توجه به روابط پیچیده دولت و جامعه بوده است. بدین منظور چهارچوب مفهومی با تکیه بر نظریه بحران مشروعیت هابرماس، رویکرد دولت در جامعه میگدال و همچنین نهادگرایی تاریخی، صورت‌بندی شد. روش پژوهش مبتنی بر رویکرد کیفی است. در این راستا مشروح مذاکرات مجلس از دوره اول تا دهم، آرشیو خبرگزاری‌ها، روزنامه‌ها و پایگاه‌های اینترنتی، کتاب‌ها، سخنرانی‌ها، مواد دیداری و شنیداری مرتبط با موضوع که بین سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۸ منتشر گشته‌اند، گردآوری شد. به‌منظور تحلیل داده‌ها نیز از تکنیک تحلیل محتوای کیفی استفاده شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که با وجود تلاش دولت در جهت تثبیت «نقشه پراهمیت‌ها» و اعمال کنترل اجتماعی،

۸۶ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

نیروهای استراتژیک کوشیدند تا نقشه دولت را بی‌اثر سازند. در نهایت، سیاست‌های یارانه‌ای در دولت ضعیف برخلاف دولت‌های قوی، نه بر اساس حقوق شهروندی یا حقوق اجتماعی، بلکه با هدف جلب حمایت مردم و کسب مشروعیت شکل گرفت.

کلیدواژه‌ها: فرایند سیاست‌گذاری، نهادگرایی تاریخی، سیاست‌گذاری اجتماعی، تعدیل یارانه‌ها، رویکرد دولت در جامعه.

اخلاق و سیاست‌گذاری اجتماعی

سید حسین نبوی؛ عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی

چکیده

اگر اخلاق را مطابق با نظر دور‌کیم، به معنای ترجیح منافع عمومی بر منافع فردی تلقی کنیم، می‌توانیم شواهدی ارائه دهیم که بعد از دههٔ اول، معانی و ارزش‌ها در جامعهٔ ایران، جهت‌گیری تقریباً متفاوتی یافته‌اند. مردم در زمان انقلاب و جنگ، به از خودگذشتگی گرایش داشتند. اما به تدریج، معنای امور تغییر کرد. طوری که اکنون، جز تعقیب منافع فردی (در ابعاد مختلف)، انگیزه‌ای دیگر برای کنش‌ها باقی نمانده است. همین ترجیح منافع فردی بر منافع جمع، علت‌العلل بسیاری از آنومی‌ها و فسادهای اجتماعی است. این ترجیح، در واقع یک گرایش فرهنگی است و ماهیت فرهنگی دارد. توسط رسانه‌های رسمی و غیر رسمی، دائماً در جامعه، تزریق و تشدید می‌شود: صداوسیما، سینما، موسیقی، ادبیات (رمان و شعر)، فضای مجازی، ایدئولوژی سیاسی، به‌ویژه سلبریتی‌ها (هنرپیشه‌ها، خوانندگان و فوتبالیست‌ها و...) همه در حال بازتولید و تعمیق و تشدید گرایش‌های خودخواهانه هستند. گویی همه در چشم‌وهم چشمی با هم در حال جست‌وجو و تحصیل هرچه بیشتر منافع فردی - بی‌اعتنا به منافع دیگران و حتی به بهای تضییع منافع عمومی - هستند. مطابق با این گرایش نیرومند فرهنگی، اخلاق در جامعه دچار بحران گردیده است. تحلیل ثانویهٔ پیمایش‌های ملی

۸۸ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

(از ۱۳۵۲ تا ۱۳۹۹) در طی حدوداً نیم سده گذشته، روند فرهنگی فوق را نشان می‌دهد. بر اساس این داده‌ها و یافته‌ها، بیش از بقیه نهادها، صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نیز آموزش و پرورش در جهت تجدید ارزش‌ها و معانی می‌باید گام‌های مؤثری بردارند. این سازمان‌ها و نهادها البته بدون سیاست‌گذاری‌های دقیق قادر به ایفای این وظیفه نخواهند شد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، منافع فردی، منافع عمومی، پیمایش‌های ملی، تحلیل ثانویه، سیاست‌گذاری اجتماعی.

تدوین الگوی نظام‌مند در فرآیند اخلاق سیاست‌گذاری اجتماعی

مصطفی جانقلی؛ عضو پیوسته و بازرس انجمن علمی اخلاق کاربردی ایران

سیما ناظری؛ رئیس اداره مددکاری کمیته امداد امام خمینی استان تهران

چکیده

اخلاق سیاست‌گذاری، شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است که با تمرکز بر فرآیند سیاست‌گذاری می‌کوشد تحلیلی از انواع چالش‌های اخلاقی درگیر در فرآیند سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و شیوه‌های رفع چالش‌ها را مشخص سازد. بر این اساس، پژوهش انجام‌شده با هدف تدوین الگوی نظام‌مند در فرآیند اخلاق سیاست‌گذاری اجتماعی انجام شده است. روش پژوهش، از نوع تحقیقات کیفی و کاربردی-توسعه‌ای که به‌صورت روش دلفی انجام شد. در رویکرد دلفی یا روشی سیستماتیک به‌منظور استخراج نظرات از طریق گروه متخصصان و خبرگان در مورد موضوع و سؤالات پژوهش تا زمان رسیدن به اجماع نظرات گروهی از طریق یک سری از راندهای پرسش‌نامه‌ای، بازخوردها و نظرات اعضای پانل صورت گرفت؛ درخواست قضاوت‌های حرفه‌ای از متخصصین همگن و مستقل در مورد موضوع پژوهش با استفاده از سؤالات تا زمان دستیابی به اجماع نظرات به‌صورت مداوم تکرار شد. در این پژوهش حجم نمونه تعداد ۲۰ نفر از نخبگان و صاحب‌نظران انتخاب شدند. تحلیل داده‌ها براساس وقایع و موضوعات متکثر از طریق اتکاء بر منابع نظری درحوزه سیاست‌گذاری عمومی، دستیابی

۹۰ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

به الگوی نظام‌مند به‌منظور انتظام‌بخشی به موضوعات و زمینه‌های اخلاقی فرآیند سیاست‌گذاری‌های اجتماعی بر مبنای مطالعه منابع و اسناد و مصاحبه ژرف‌نگر جمع‌آوری شده، صورت گرفت. برآیند پژوهش نشان داد که عوامل احصاء‌شده اصول نظام‌مند اخلاق در فرآیند سیاست‌گذاری‌های اجتماعی در قالب عوامل مؤثر، ابعاد و راهبردها و پیامدها که دربرگیرنده مسائل اخلاقی (پیش از تصمیم‌گیری، پس از تصمیم‌گیری، مرتبط با ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و نهادی مؤثر بر سیاست‌گذاری، ناشی از عملکرد گروه‌های ذی‌نفع و مسائل اخلاقی مرتبط با ایده‌ها و چارچوب‌های هنجاری در ذهن سیاست‌گذاران) می‌باشد. بر این اساس می‌توان بیان داشت بررسی و شناسایی شاخص‌های مورد بررسی بر مبنای تدوین الگوی نظام‌مند در فرآیند اخلاق سیاست‌گذاری اجتماعی، بر نقش مهمی که این الگو می‌تواند در بهبود وضعیت موجود، با توجه به ویژگی‌های خاص آن ایفا کند و در ارتقای مشروعیت نظام سیاست‌گذاری اجتماعی مؤثر واقع گردد.

کلیدواژه‌ها: الگوی نظام‌مند اخلاق سیاست‌گذاری، سیاست‌گذاری عمومی، سیاست‌گذاری اجتماعی، اخلاق کاربردی.

رویکرد نهادی در سیاست توسعه اجتماعی

مهدی مبارکی؛ گروه پژوهشی توسعه اجتماعی جهاد دانشگاهی واحد استان مرکزی
نجمه سادات مصطفوی؛ معاونت پژوهشی پردیس جهاد دانشگاهی استان مرکزی

چکیده

این مقاله تلاش دارد تا ابعاد دستگاه نظری نهادگرایی را در تبیین سیاست توسعه اجتماعی ایران تشریح نماید. با وجود اینکه توسعه بدون همراه شدن با بهبود اجتماعی معنا و مفهومی ندارد، در نظر نگرفتن این مهم و پیروی از الگوی مرسوم توسعه در کشورهای در حال توسعه، از جمله در ایران، با ایجاد شکاف بین سیاست‌های اقتصادی با سیاست‌های اجتماعی، توسعه تحریف شده را در پی داشته است. در این شکل از توسعه نسبت معناداری بین نابرابری‌های درآمدی و ثروتی با رشد اقتصادی برقرار نیست. عبور از این چالش از طریق سرمایه‌گذاری اجتماعی که مبتنی بر ترکیب عقلانی و منطقی سیاست‌های رشد و سیاست‌های بازتوزیع (سیاست اجتماعی) با کمک کارشناسان فنی و توسط دولت امکان‌پذیر است. این سرمایه‌گذاری در غیاب نظامی از ایده‌های خاص هدر دادن منابع است. برای دستیابی به نظامی از ایده‌ها و تدوین سیاست‌ها فهم تاریخ و شناخت تحول نهادی جامعه ضروری است. بنابراین، با توجه به مغفول ماندن نگاه تاریخمند و نهادی به سیاست توسعه اجتماعی، هدف اصلی این مقاله آن است که با رویکرد نهادی به بررسی سیاست توسعه اجتماعی در ایران معاصر دوران بعد از انقلاب

۹۲ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

اسلامی بپردازد. برای دستیابی به هدف از روش کیفی و مطالعات اسنادی استفاده شد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، سیاست‌های توسعه اجتماعی ایران، متمرکز از بالا به پایین، بی‌توجه به ظرفیت‌های اجتماعی، اقتصادی و محیطی متفاوت هر منطقه، مقلدانه و بدون توجه به ترتیبات نهادی، اجتماعی و فرهنگی ارائه شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: سیاست توسعه اجتماعی، نهادگرایی، توسعه تحریف‌شده، سیاست‌گذاری اجتماعی.

مقایسه تطبیقی اخلاق از منظر متفکران اجتماعی متأخر مسلمان با سیاست‌های اجتماعی دولت‌های رفاه

محسن مسعودیان؛ دکترای رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

برخی از اندیشمندان حوزه اخلاق، آن را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «بهترین فعل، گفتار و اندیشه با بیشترین میزان فایده برای بیشترین کسان در زمان اکنون و با ملاحظه به آینده». طبق این تعریف، سیاست‌های اجتماعی دولت‌های رفاه، نه تنها در تغایر با اخلاق‌اند، بلکه در تضاد محض با این تعریف هستند. از سوی دیگر، طرفداران دولت رفاه، معتقدند که سیاست‌های اجتماعی‌شان در راستا و برای احیای اخلاق از دست‌رفته در جهان صنعتی و مدرن است. مقوله‌های گوناگونی در حوزه رفاه و سیاست اجتماعی تحت مظان اخلاق است؛ مسائلی همچون سقط جنین، فقر و گرسنگی، اتانازی، خانواده تک‌والد، آزادی و محدودیت‌های عدالت، قحطی و ثروت و ... اما کدام اخلاق و در کدام برهه از زمان و برای کدام نقطه از جغرافیا، با نیازهای اجتماعی انسان امروز، همراه و هم‌جهت است؟ آیا در تعیین سیاست‌های اجتماعی باید از اخلاق نسبی کمک گرفت؟ یا راهی به جز اخلاق مطلق نیست؟ یا مهم‌تر از تمام این‌ها، آیا اخلاق منشاء سیاست‌های اجتماعی است و یا سیاست‌های اجتماعی، اخلاقی جدید را خلق کرده‌اند؟ این مقاله کوشیده است تا از طریق روش تحلیل مقایسه‌ای و تطبیقی کیفی آثار مرتبط تفکر اندیشمندان مسلمان متأخر (صد سال اخیر تاکنون) حوزه اجتماعی در خصوص

۹۴ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

حقوق و تکالیف اجتماعی را با سیاست‌های مرسوم و متداول دولت‌های رفاه مورد بحث و بررسی قرار دهد. در این روش ابتدا تمام بسترها و زمینه‌ها - در اینجا متون و آثار متفکرین اجتماعی مسلمان و اسناد، بیانیه‌ها، قوانین و ... مربوط به سیاست‌های اجتماعی نهادهای بین‌المللی و کشورهای پیشرو در امر سیاست‌گذاری اجتماعی - مرور و یادداشت‌برداری شده و سپس با توجه به کدگذاری‌ها و مقوله‌بندی‌های مرسوم در تحلیل محتوای کیفی، مورد تحلیل و مقایسه قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: سیاست اجتماعی، اخلاق، روش تحلیل تطبیقی کیفی، متفکران اجتماعی مسلمان، رفاه اجتماعی، دولت رفاه.

بررسی نظریه عدالت جان رالز در مددکاری اجتماعی

مهسا کریمی؛ دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

فائزه پیازچیان لنگرودی؛ دانش‌آموخته مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

نظریه‌های رفاهی متعددی به‌منظور کاهش نابرابری به بررسی جریان سیاست‌گذاری اجتماعی در جوامع مختلف پرداخته‌اند. در این میان، نظریات عدالت توزیعی جان رالز به وظیفه دولت جهت تضمین دسترسی تمام احاد جامعه به حداقلی از منابع کمیاب و مسئولیت نهادهای اساسی در ایجاد امکان دسترسی به فرصت‌های برابر رفاهی برای همگان اشاره می‌کند. با توجه به آنکه حرفه مددکاری اجتماعی به‌عنوان یکی از حرفه‌های مؤثر در شناسایی و توزیع امکانات رفاهی-اجتماعی برای گروه‌های هدف دانسته می‌شود، به نظر می‌رسد که تناسب زیادی با اهداف رالز دارد. لذا هدف پژوهش حاضر نقد و بررسی تطابق عدالت رالز با عدالت اجتماعی مدنظر مددکاران اجتماعی از طریق تحلیل محتوای مقالات و اسناد معتبر این حرفه بوده است؛ تا دریابد نظریات رالز تا چه حد می‌تواند به‌عنوان الگویی برای تحقق عدالت اجتماعی موردتوجه مددکاران اجتماعی

۹۶ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

قرار گیرد؟ بنابراین یافته‌های این پژوهش به مداخلات سیاستی کاربردی آینده کمک نموده و درک بهتری از اصلاحات رفاهی را امکان‌پذیر می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: نظریه عدالت جان رالز، مددکاری اجتماعی، نابرابری، سیاست‌گذاری اجتماعی، عدالت اجتماعی.

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجتماعی در ایران

مفهوم درک از عدالت در سیاست‌گذاری‌های جوانان: ظرفیت‌ها و چالش‌ها

اردشیر انتظاری؛ دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

سیمین ویسی؛ دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

مسئله درک از عدالت از مهم‌ترین موضوعات در جامعه ایرانی است که از دیرباز، به‌عنوان امری مسئله‌آمیز و چالش‌برانگیز موردتوجه بوده است. در دهه‌های اخیر سیاست‌گذاری‌ها به‌طور عام و خاص به مسئله عدالت توجه کرده‌اند؛ اما به‌دلیل نداشتن نگرش همه‌جانبه معمولاً موفق عمل نکرده‌اند. این در حالی‌ست که انتظار می‌رود متون سیاست‌گذاری به‌عنوان برنامه عمل در سطح کلان، تمامی ابعاد این مفهوم را در نظر گیرند. مشاهدات میدانی و بررسی متون پژوهشی نشان می‌دهند که احساس بی‌عدالتی در میان جوانان ایرانی دیده می‌شود و بنابراین متون سیاست‌گذاری مربوط به جوانان اهمیت دوچندان می‌یابند. در این پژوهش با استفاده از مفهوم درک از عدالت در پی بررسی همه‌جانبه این مفهوم و به‌طور خاص برای جوانان هستیم. بدین‌منظور از حساسیت نظری تمامی ابعاد مفهوم عدالت همچون عدالت توزیعی، رویه‌ای، بینافردی، اطلاعاتی و معرفتی استفاده می‌کنیم. در پژوهش‌های پیشین برخی از این ابعاد موردتوجه قرار گرفته بودند و خصوصاً ابعاد عمیق‌تر درک از عدالت شامل عدالت اطلاعاتی، بینافردی و معرفتی مخصوصاً در مورد

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجتماعی در ایران | ۹۹

جوانان مورد بی‌توجهی واقع شده بود. سپس با روش تحلیل مضمونی به بررسی اسناد سیاست‌گذاری مربوط به جوانان شامل اسناد شش‌گانه توسعه، اسناد سازمان ملی جوانان و شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌پردازیم. نتایج نشان می‌دهد که مقوله اول، یعنی فرصت‌ها، شامل مضامینی همچون تمرکززدایی، عدالت توزیعی در معنای حمایت غیرمستقیم و ساختاری، توجه به ابعاد مختلف عدالت، ایجاد زمینه ساختاری برای مشارکت، پرهیز از دیگری-سازی زنان و هم‌گرایی مثبت سازمان‌های مختلف با سازمان ملی جوانان بود. مقوله دوم یعنی تهدیدها شامل تأکید عمده بر عدالت توزیعی در مواهب اولیه، مشارکت محدود مردم، تصدی‌گری فرهنگی، نگرش ایدئولوژیک نسبت به فراغت جوانان، مبنای کلیشه‌ای برای تبعیض مثبت، یکدست‌سازی جوانان، ابژه‌سازی و دیگری‌سازی، مسئله‌آمیز کردن جوانان و امور مربوط به سبک زندگی آنان، هم‌گرایی سازمان‌ها در سیاست‌گذاری‌های یکدست‌ساز و نگرش تک‌بعدی به جوانان بود. در نهایت، مقوله سوم، یعنی رویکرد بینابینی، شامل تمایز در توزیع مواهب، برون‌سپاری فعالیت‌های فراغتی و تمرکززدایی/ تمرکزگرایی بود. به نظر می‌رسد توجه به ظرفیت‌های موجود سیاست‌گذاری‌های پیشین و تلاش در جهت عملیاتی‌سازی آن‌ها در کنار رفع نقاط منفی و تبدیل موارد بینابینی به فرصت می‌تواند زمینه تحقق مفهوم عدالت و کاهش احساس بی‌عدالتی در میان جوانان را فراهم آورد. بدین منظور، اهمیت‌بخشیدن به تمام سطوح عدالت و خصوصاً سطوح عمیق‌تر عدالت شامل عدالت اطلاعاتی، بینافردی و معرفتی و رسیدن به درک همه‌جانبه از عدالت می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های بعدی مثر ثمر باشد.

کلیدواژه‌ها: درک از عدالت، ابعاد عدالت، سیاست‌گذاری‌های جوانان، ظرفیت‌ها و چالش‌های سیاست‌گذاری‌ها.

هویت ملی و سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران: چالش‌ها و راهکارها

محمد عثمان حسین‌بر؛ دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

محدوده سیاست‌گذاری اجتماعی در سطح یک کشور بر مبنای شهروندی و هویت ملی تعیین می‌شود. بر این اساس، سیاست‌گذاری اجتماعی ارتباط مستقیمی با هویت ملی دارد. در این چارچوب می‌توان نقش مبنایی هویت ملی برای سیاست‌گذاری اجتماعی در کشورها و همچنین چالش‌های آن در کشورهای چندقومی، همانند ایران، را مطرح نمود. هدف این نوشته، بررسی این چالش‌ها و همچنین راهکارهای آن بر مبنای نظریه‌های تالکوت پارسونز است. روش‌شناسی این بررسی، تحلیل اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای بر مبنای تحلیل محتوای کیفی متون چاپی و الکترونیکی موجود می‌باشد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که بخش مهمی از مسائل مربوط به سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران مربوط به چالش‌های هویت ملی است. بر مبنای نظریات تالکوت پارسونز می‌توان گفت یکی از چالش‌های اساسی هویت ملی در ایران این است که در مسیر تکامل به یک جامعه مدرن هنوز نتوانسته است به میزان کافی از یک نظام انتسابی به یک نظام اکتسابی تحول پیدا کند و متناسب با آن از یک نظام ارزشی فراگیر برای همه شهروندان برخوردار شود. به همین جهت بسیاری از گروه‌ها و به‌ویژه گروه

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجتماعی در ایران | ۱۰۱

های دینی، مذهبی و قومی از عضویت و شهروندی کامل در جامعه ایران محروم هستند و بنا بر این هویت ملی و به تبع آن سیاست‌گذاری اجتماعی همچنان در قیود خاص گرایی فرهنگی باقی مانده‌اند. راهکار اساسی برای رفع این چالش‌ها، بنیان‌گذاری یک هویت ملی مبتنی بر عام‌گرایی فرهنگی و شهروندی کامل همه ایرانیان است تا بتوان بر مبنای آن به یک سیاست‌گذاری اجتماعی فراگیر و شهروندمدار دست پیدا کرد.

کلیدواژه‌ها: هویت ملی، سیاست‌گذاری اجتماعی، شهروندی، ایران.

تحریم‌های بین‌المللی و الزامات سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

شهرزاد شریعتی؛ دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

محدثه نفرآبادی مطلق؛ دانشجوی علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

سیاست‌گذاری اجتماعی را می‌توان به‌مثابه ابزاری برای حکمرانی در نظر گرفت که به ایجاد تعادل در جامعه می‌پردازد و نکته مهم در ایجاد این تعادل، سیاست‌گذاری متناسب با شرایط خاص جامعه هدف است. در همین حال جمهوری اسلامی ایران بیش از یک دهه است که با شدیدترین رژیم تحریم‌های چندجانبه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی درگیر شده است که این تحریم‌ها از سویی به‌مراتب پیچیده‌تر از تحریم‌های ایران پس از انقلاب اسلامی بوده است و از سویی، شمار این تحریم‌ها در هر سال افزایش یافته است. در این شرایط این مسئله موردتوجه است که سیاست‌گذاری اجتماعی در شرایط تحریم چگونه می‌تواند نارضایتی عمومی را مدیریت کند و در عین حال، اثرات تحریم بر اقشار کم‌برخوردار را کاهش دهد. این پژوهش ضمن مروری بر پیچیدگی‌های تحریم‌های آمریکا علیه ایران طی یک دهه گذشته با استفاده از روش پایش روندها و

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجتماعی در ایران | ۱۰۳

تحلیل پسارویدادی می‌کوشد تا به این پرسش هنجاری پاسخ دهد که مهم‌ترین الزامات سیاست‌گذاری اجتماعی در شرایط تحریم چگونه باید صورت‌بندی شود؟ مقاله در این چهارچوب و برای نیل به این هدف با بهره‌گیری از مفهوم سرمایه اجتماعی ضمن پایش روندهای شاخص فلاکت، درآمد سرانه و شدت تحریم‌های ضد ایرانی طی ده سال گذشته می‌کوشد تا الزامات سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران را در این شرایط شناسایی و تبیین کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد سیاست‌گذاری‌های اجتماعی در شرایط تشدید تحریم باید مبتنی بر افزایش سرمایه‌های اجتماعی و مبتنی بر الگوی مدیریت شرایط جنگ باشد؛ چرا که در غیر این صورت، موجب فروپاشی و افزایش بحران‌ها و شورش‌های اجتماعی خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: ایران، تحریم، سیاست‌گذاری اجتماعی، فقر، سرمایه اجتماعی.

از سیاست مسئله‌نابینی تا سیاست مسئله‌مند در نظام اجتماعی ایران

احمد کلاته ساداتی؛ استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

چکیده

سیاست اجتماعی ما بیشتر بر آنچه هارولد لاسول مسئله‌نابینی نامیده، قرار گرفته است. این موضوع به «در حال توسعه‌بودگی» از یک سو و «اتکاء سیاست به نفت» از سوی دیگر مربوط است. بدین معنا که دلایل چنین وضعیتی به دلیل شرایط گذار اجتماعی است که زمینه شکل‌گیری یک سیاست مسئله‌مند در کشور را به وجود نیاورده است. از دیگر سو، اتکاء به نفت، دولت‌ها را از سیاست‌ورزی مبتنی بر مسئله و داشتن چهارچوب نظری نسبت به مسائل اجتماعی، بی‌نیاز کرده است. در مواردی که مسئله اجتماعی بروز کند، نفت، مهم‌ترین ابزار حل مسئله است؛ از آنجایی که اساساً و در سطح کلان، همچون دیگر کشورها در بستر سرمایه‌داری مدرن فعالیت داریم. پیامد چنین سیاست‌گذاری‌هایی اغماض سیاستی مسائل اجتماعی، انباشت مسائل و گاه رسیدن به بن‌بست در بعضی مسائل اجتماعی است. به نظر می‌رسد که برای برون‌رفت از مسائل موجود سه راهبرد سیاستی مسئله‌مند را بایستی در پیش گرفت: واقع‌بینی سیاستی، آینده‌نگاری سیاستی، و اجتناب از سیاست‌زدگی. نقاط تمرکز سیاست اجتماعی ما سرمایه اجتماعی و محیط‌زیست با تأکید بر سیاست‌زدایی از سیاست‌هاست.

کلیدواژه‌ها: سیاست اجتماعی، مسئله‌نابینی، دولت رانتیر، سیاست‌زدگی.

ناترازی چرخه سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

سامان یوسف‌وند؛ معاون دفتر اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

چکیده

این مطالعه با اتخاذ رویکرد واقع‌گرایی انتقادی در پی فهم ناترازی چرخه سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران است. در این مسیر تلاش شده است دلایل عدم تحقق احکام قانون برنامه ششم توسعه کشور در حوزه امور حمایت‌های اجتماعی بررسی شود. مرور نتایج عملکردی احکام قانون برنامه توسعه در حوزه امور اجتماعی نشان‌دهنده عدم تبعیت قانون برنامه از یک خط سیر واحد و مبتنی بر نظام مسئله‌یابی و اولویت‌بندی مسائل است و همچنین عدم تمرکز و انسجام نظری کافی، عدم صورت‌بندی شفاف از مسیر اقدامات، گرفتارشدن در نوعی فرمالیسم برنامه‌نویسی و در نهایت، عدم توافق بر سر اهداف توسعه در میان برنامه‌ریزان از جمله مسائل جدی قانون برنامه توسعه محسوب می‌شود که این برنامه را از تأثیرگذاری مناسب بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور بازداشته است. باوجود دلایل متعدد عدم تحقق احکام قانون برنامه از قبیل مسائل مترتب بر طراحی، اجرا و نظارت، در این مطالعه مسائلی از قبیل «شرایط ساختاری نامناسب مؤثر بر قانون برنامه توسعه»، «ضعف فرآیندهای نظام برنامه‌ریزی»، «کاستی‌های محتوایی برنامه»، «ضعف نظام اجرایی کشور»، «ضعف نظام حمایت‌های اجتماعی»، «ضعف ساختارهای نظارتی»، «کم‌توجهی به اتخاذ رویکرد سیاست‌گذاری مشارکتی

۱۰۶ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

(اجتماعی)» و وجود شوک‌ها و تحولات خارج از برنامه، تمایل سیاستمداران به عدم محدودیت در هنگام تصمیم‌گیری برای تخصیص منابع شناسایی شد که ناترازی چرخه سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران را در پی داشته است. در این رابطه بایستی افزود، مخرج مشترک این دلایل، عدم تکمیل زنجیره چرخه سیاست‌گذاری و عدم تمایل دولت‌ها به پایبندی در تدوین، اجرا، نظارت و ارزیابی این برنامه‌هاست.

کلیدواژه‌ها: توسعه، سیاست‌گذاری اجتماعی، قانون، برنامه، حمایت‌های اجتماعی.

تحلیل محتوای برنامه‌های پنجم و ششم توسعه با تأکید بر آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجتماعی امر توسعه

شکیب ضربی؛ گروه علوم اجتماعی دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

مفهوم تغییر و رشد همواره به اشکال گوناگون موردتوجه اندیشمندان علوم اجتماعی بوده است؛ ولی توجه اختصاصی به مفهوم توسعه و برنامه‌ریزی برای آن از قرن بیستم به هدفی ارزشمند برای کشورها تبدیل شد که در راستای رسیدن به شاخص‌های آن برنامه‌ریزی صورت گرفته است. برنامه‌ریزی ابتدا در کشور شوروی سابق انجام می‌شد که به دلیل موفقیت‌آمیز بودن آن، سایر کشورها اقدام به تدوین برنامه جامع همراه با مداخله دولت در تولید کالا و خدمات نمودند. کشور ایران با آغاز نخستین تجربه برنامه‌ریزی در سال ۱۹۴۸ از پیشگامان این امر محسوب می‌شود. در این راستا بعد از انقلاب، پنج برنامه توسعه ارائه شده است که متضمن برنامه‌ریزی برای توسعه و آبادانی کشور می‌باشد. طبیعتاً محتوای این برنامه‌ها بر سیاست‌گذاری‌های دولت تأثیر زیادی داشته است. در این پژوهش در پی آسیب‌شناسی برنامه‌های پنجم و ششم توسعه با تأکید بر تأثیر آن‌ها بر سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی اجتماعی، کشف نقاط ضعف و موانع برنامه‌های توسعه و تأثیر نواقص موجود بر عدم توسعه در ابعاد مختلف هستیم. در این پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی، به بررسی برنامه‌های پنجم و ششم توسعه

۱۰۸ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

پرداخته‌ایم. از این پژوهش نتیجه می‌گیریم که علی‌رغم پیشگامی ایران در برنامه‌ریزی توسعه اما در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه، موانع و نواقصی مانند کمبود منابع مالی، موازی‌کاری مراجع تصمیم‌گیری، نبود زیرساخت‌های کافی، بی‌توجهی به مسائل اساسی، ترسیم اهداف فضایی، نامشخص‌بودن نسبت لایحه برنامه ششم با الگوی توسعه و... وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری، توسعه، برنامه‌ریزی اجتماعی، برنامه پنجم و ششم توسعه، تحلیل محتوا.

موانع درونی و بیرونی تعامل سازمان‌های مردم‌نهاد و خیریه با نهادهای حاکمیتی سیاست‌گذاری

سمانه سهرابی؛ پژوهشکده مطالعات توسعه جهاد دانشگاهی

چکیده

استفاده از ظرفیت مشارکت‌های اجتماعی از جمله سازمان‌های مردم‌نهاد و خیریه در سیاست‌گذاری اجتماعی امروزه به‌عنوان یکی از ارکان سیاست‌گذاری مورد پذیرش و اجماع رویکردهای مختلف است. در فضای سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران، گرچه غالباً سیاست‌گذاران بر لزوم مشارکت سازمان‌های مدنی تأکید دارند، در عمل موانع زیادی پیش روی تعامل مؤثر نهادهای سیاست‌گذار حاکمیتی با حوزه مدنی قرار دارد. در پژوهش پیش رو از خلال مصاحبه کیفی و عمیق با ۲۰ نفر از فعالان مدنی و خیریه، رویکرد نهادهای حاکمیتی به حوزه مدنی و فعالیت‌های آن و دو دسته موانع بیرونی و درونی قابل‌تصور در ایجاد رابطه تعاملی پایدار میان این دو بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد. مطابق یافته‌های پژوهش در تحلیل فعالان مدنی از رویکرد نهادهای حاکمیتی به فعالیت‌های مدنی، می‌توان هشت ویژگی برشمرده‌شده را از یکدیگر متمایز ساخت: نگاه امنیتی، مطالبه‌گری‌زدایی، دولتی‌سازی، عدم‌شناخت جایگاه شبکه‌ای و مدنی، نگاه پیمان‌کاری، صغیرپنداری، به‌رسمیت‌شناختن از سر ناگزیری، برخورد همدلانه، تنوع و چندگانگی منابع اقتدار، شخص‌محوری. جهت‌گیری عمده این ویژگی‌ها بیانگر اختلال

۱۱۰ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

در رابطه نهاد دولت و شبکه‌های مدنی است. محورهای معدودی حاوی مناسبات و تعامل مثبت نهاد دولت نسبت به شبکه است. منطبق بر یافته‌های این پژوهش بازبینی اساسی در جهت‌گیری و رویکرد نهادهای حاکمیتی نسبت به نقش و جایگاه نهادهای مدنی در سیاست‌گذاری، ضرورتی غیرقابل‌انکار است. اما از سوی دیگر، مفروضات رایج در حوزه مدنی و خلل‌های درونی آن نیز به‌عنوان بخشی از عوامل اختلال‌آفرین در رابطه تعاملی پایدار میان نهادهای حاکمیتی سیاست‌گذار و حوزه مدنی قابل تأمل و بررسی است.

کلیدواژه‌ها: سمن‌ها، خیریه‌ها، سیاست‌گذاری اجتماعی، اختلال ارتباطی، دولتی‌سازی، صغیرپنداری..

سیاست گذاری اقتصادی و توسعه

کاربست سیاست‌گذاری رفتاری در صنعت گردشگری و مهمانداری

احمد نادری؛ دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

محمدرضا جلیوند؛ دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

چکیده

سیاست‌های عمومی، از جنبه رویکردی، روشی، موضوعی و هدف، متنوع هستند؛ سیاست‌گذاری اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، شهری و نیز، گردشگری از تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر دارند؛ اما در تمامی این حوزه‌ها، انسان و اجتماعات انسانی، محور توجه سیاست‌گذاران می‌باشد. به‌طور خاص، در سیاست‌های گردشگری، می‌توان این پرسش را مطرح نمود که چگونه با ایجاد تغییراتی در رفتار گردشگران و مسافران، می‌توان فواید و عوایدی را نصیب شهروندان و جوامع میزبان در مقصدهای گردشگری کرد؟ کاهش انتشار کربن توسط شرکت‌های هواپیمایی، انتخاب غذاهای سالم توسط گردشگران، بخش‌بندی رفتاری گردشگران در مقصد، آموزش گردشگران برای تجربه بهتر و بروز رفتار مناسب، صرفه‌جویی در مصرف انرژی، قانون‌پذیری گردشگران، بهبود رفتارهای ترافیکی، رعایت مسائل بهداشتی و ده‌ها رفتار دیگر، همگی موضوعات رفتاری هستند که می‌توانند در معرض توجه سیاست‌گذاران حوزه گردشگری قرار گیرند. با عنایت به موارد مطرح‌شده، نوشتار حاضر تلاش دارد تا اهمیت و کاربرت سیاست‌های رفتاری در صنعت گردشگری و مهمانداری را مورد بررسی و تبیین قرار دهد. این نوشتار با استفاده از مرور ادبیات پژوهش در زمینه سیاست‌گذاری عمومی با رویکرد رفتاری و ارائه برخی مطالعات موردی مربوط به صنعت گردشگری و مهمانداری،

سیاست‌گذاری اقتصادی و توسعه | ۱۱۳

تلاش دارد با تبیین تجربیات موفق در این زمینه، بر اهمیت و کاربردپذیری سیاست‌های رفتاری در این صنعت خلاق بپردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که صنعت گردشگری و مهمانداری با مسائل و چالش‌هایی هم از سوی گردشگران و هم از سوی شهروندان جامعه میزبان مواجه است. سیاست‌های رفتاری با تغییر رفتار ذی‌نفعان در یک مقصد گردشگری، به راه‌حل‌هایی سودمند منتهی خواهد شد. مرور تجربیات بازیگران بخش خصوصی در صنعت گردشگری نشان می‌دهد کاربست رویکرد رفتاری می‌تواند موفقیت کسب و کارها را در زنجیره ارزش صنعت گردشگری افزایش داده و به مقصدهای گردشگری، در تأمین اهداف سیاست‌گذاران یاری رساند. در مجموع و به‌عنوان نتیجه‌گیری می‌توان گفت که تغییر مقوله پیچیده‌ای همچون رفتارهای اجتماعی، با یک سری ابزارها و تکنیک‌های جهان‌شمول قابل انجام نیست. این یک اصل در مدیریت و سیاست‌گذاری اجتماعات انسانی است که هیچ شاه‌کلیدی وجود ندارد که با آن بتوان تمامی قفل‌ها را گشود. در صنعت گردشگری نیز سیاست‌گذاران می‌توانند با استفاده از سیاست‌های رفتاری، به کنترل جامعه میزبان و جهت‌دهی رفتارهای اجتماعی گردشگران بپردازند و طوری به مداخله در مقصدهای گردشگری بپردازند که جوامع میزبان و میهمان با رضایت، احساس مثبت و کاملاً با اختیار خود، رفتارهایی هم‌سو با منافع خود و کل جامعه را بروز دهند.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری رفتاری، سوگیری شناختی، نظریه تلنگرزی، سیاست‌های گردشگری، صنعت گردشگری و مهمان‌نوازی.

ارزیابی و تحلیل اثر کارآمدی اقتصادی برنامه‌های توسعه در ایران

مرضیه اسعدی؛ استادیار گروه مدیریت و اقتصاد دانشگاه گلستان

محمد مهدی لطفی هروی؛ استادیار گروه اقتصاد و مالی دانشگاه صنعتی امیرکبیر

چکیده

توسعه اقتصادی مهم‌ترین هدف استراتژیک اقتصادهای جهان بوده و مهم‌ترین ابزار دستیابی به آن اجرای کارآمد برنامه‌های توسعه است. در چارچوب نظریه‌های توسعه سؤال مهم این است که چرا اقتصاد ایران با وجود ۷۲ سال سابقه برنامه‌ریزی هنوز به اهداف توسعه دست نیافته است. از سوی دیگر، ارزیابی اثرات دقیق سیاست‌گذاری‌های اقتصادی پیچیده بوده است؛ به‌ویژه در شرایط نااطمینانی‌های اقتصادی که به دلیل کاهش درآمدها، روند بهبود شاخص‌های توسعه کاهش می‌یابد. همچنین در شرایط مواجهه با بحران‌های اقتصادی-سیاسی-اجتماعی، افزایش مداخلات سیاست‌گذاری می‌تواند اثربخشی برنامه‌های توسعه برای رسیدن به اهداف طراحی شده را تغییر دهد. بنابراین ارزیابی برنامه‌های توسعه نقش مهمی در بهبود کارایی فنی و تخصیص منابع و ارزیابی آثار مداخله‌های سیاستی دارد. رویکرد محوری در ارزیابی اقتصادی برنامه‌های توسعه، پایش شاخص‌های کلیدی پیشرفت در طول برنامه به‌عنوان مبنایی برای سنجش اثربخشی برنامه‌ها و محاسبه شکاف بین اهداف برنامه‌ریزی شده و تحقق یافته است. شاخص‌های سنجش در دو گروه طبقه‌بندی می‌شوند: (۱) شاخص‌های نهایی که

سیاست‌گذاری اقتصادی و توسعه | ۱۱۵

بهبود متغیرهای اصلی هدف در برنامه توسعه مانند افزایش تولید، کاهش فقر، و برابری اقتصادی را اندازه‌گیری می‌کنند؛ ۲) شاخص‌های میانی برنامه توسعه که متغیرهای عملیاتی مانند مخارج دولت، نرخ اشتغال، نرخ تورم و تراز تجاری خارجی را ارزیابی می‌کنند. این پژوهش به دو سؤال اصلی پاسخ می‌دهد: اول، برنامه‌های توسعه اقتصادی چقدر در دستیابی به اهداف نهایی و میانی موفق بوده‌اند؟ دوم، مداخلات سیاست‌گذاری چه اثری بر دستیابی به اهداف برنامه توسعه داشته‌اند؟ به این منظور، شاخص عملکرد اقتصادی (EPI) به تفکیک برنامه‌های توسعه ایران محاسبه شده است. نتایج نشان می‌دهد که با افزایش مداخلات سیاست‌گذاری خارج از چارچوب برنامه توسعه، در واکنش به تکانه‌های سیاسی مانند جنگ و تحریم‌های اقتصادی، کارایی اقتصادی برنامه توسعه کاهش قابل توجهی را تجربه کرده است.

کلیدواژه‌ها: سنجش اثر سیاست، کارایی اقتصادی، شاخص عملکرد اقتصادی، توسعه اقتصادی.

سنجش اثر فساد بر رشد اقتصادی: تحلیل مؤلفه‌های حکمرانی اقتصادی

محمد مهدی لطفی هروی؛ استادیار گروه اقتصاد و مالی دانشگاه صنعتی امیرکبیر

پارسا پورقاسم؛ دانشجوی دانشگاه صنعتی امیرکبیر

مرضیه اسعدی؛ استادیار گروه مدیریت و اقتصاد دانشگاه گلستان

چکیده

دستیابی به رشد سریع و پایدار اقتصادی، اصلی‌ترین مسئله حکمرانی اقتصادی خوب است. این سؤال که آیا رشد اقتصادی نابرابری را شدت می‌بخشد یا آن را کاهش می‌دهد، در مطالعات نظری و تجربی نتایج بسیار متفاوتی را به همراه داشته است. اگرچه برخی از مدل‌های رشد متعارف مانند مدل کالدور (۱۹۵۷) تأثیر مثبت نابرابری بر رشد را از طریق انگیزه‌ها، انباشت سرمایه فیزیکی، و نرخ‌های پس‌انداز تأیید کرده است، مطالعات متعددی نیز اثر منفی نابرابری بر رشد را از طریق ایجاد و گسترش بی‌ثباتی سیاسی- اجتماعی و ناکارآمدی بازارهای مالی و کانال تجارت نشان داده‌اند. در این چهارچوب، این مطالعه ضمن بررسی اثر نابرابری بر رشد اقتصادی، به دو سؤال اصلی پاسخ می‌دهد: اول، چگونه فساد از طریق تعمیم نابرابری در فرصت‌ها مانع رشد اقتصادی می‌شود؟ دوم، نقش حکمرانی اقتصادی و مؤلفه‌های مؤثر بر آن در این فرآیند چیست؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که فساد تأثیر منفی و معنی‌داری از نظر آماری بر میزان رشد تولید ناخالص داخلی سرانه دارد. از سوی دیگر، بر اساس نتایج به نظر

سیاست‌گذاری اقتصادی و توسعه | ۱۱۷

می‌رسد که اثر نابرابری بر رشد در کشورهایی با سطح توسعه پایین، منفی بوده است؛ اگر چه این عامل بر رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته اثر قابل‌توجهی ندارد. سرانجام، نتایج پژوهش نشان داده است که کنترل و کاهش فساد که توسط مؤلفه‌های حکمرانی خوب شامل کنترل فساد، اثربخشی دولت، ثبات سیاسی، فقدان خشونت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون، و پاسخ‌گویی تسریع می‌شود، بر رشد اقتصادی اثر فزاینده دارد و از طریق کانال سرمایه‌گذاری تقویت می‌شود.

کلیدواژه‌ها: فساد، رشد اقتصادی پایدار، شاخص حکمرانی جهانی، حکمرانی اقتصادی خوب.

سیاست گذاری اشتغال و بازار کار

۱۲۰ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

طرد تهی‌دستان شهری از بازار کار و لزوم سیاست‌گذاری اجتماعی مناسب
مورد مطالعه: مناطق ۱۷، ۱۸ و ۱۹ شهر تهران

عبدالرسول هاشمی؛ دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد علوم و تحقیقات

مصطفی ازکیا؛ استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

سید یعقوب موسوی؛ دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا (س)

چکیده

اشتغال تهی‌دستان شهری اغلب با ویژگی‌هایی از قبیل غیررسمی، موقتی، کاذب، خدماتی سطح پائین، بی‌ثبات و آسیب‌پذیر در مقابل مخاطرات توصیف شده است. یکی از وجوه مهم اشتغال فقرای شهری غیررسمی بودن است که سبب می‌شود خارج از نظارت و سیاست‌گذاری بخش دولتی قرار گیرد. این مقاله بخشی از مطالعه‌ای است که با هدف تحلیل تجربه زیسته فقرای شهری در مناطق ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ شهر تهران انجام پذیرفته است. روش تحقیق به کاررفته، گردن‌دثوری است که از روش‌های کیفی به شمار می‌رود. جامعه مورد مطالعه، سرپرستان خانوارهای تهی‌دست ساکن در مناطق شهری تهران است. تکنیک‌های تحقیق شامل مشاهده مستقیم، مصاحبه عمیق و باز است. این مبحث به شرایط میانجی می‌پردازد که شامل حمایت‌های اجتماعی در سه سطح خانواده و خویشاوندی، اجتماعات محلی و سازمان‌های رسمی است. نتایج نشان می‌دهد در میان نهادهای مداخله‌گر، نهاد خانواده و اجتماعات محلی بیشترین حمایت

سیاست‌گذاری اشتغال و بازار کار | ۱۲۱

را از تهی‌دستان شهری داشته است که در قالب سرمایه‌درون‌گروهی قابل‌طرح است. همچنین کاستی‌های متعددی در سیاست‌گذاری سازمان‌های رسمی برای مقابله با پدیده فقر شهری وجود دارد که لازم است اصلاحاتی در جهت گسترش بیمه‌های اجتماعی، افزایش آموزش، مهارت و تخصص و انتقال تجربیات به دانش‌آموزان تهی‌دستان با توجه به نیازهای بازار کار، طراحی دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت، توسعه بنگاه‌های کارآفرینی بخش خصوصی و تعاونی، حمایت از کودکان کار و اصلاح وجهه‌نظرهای فرهنگی اشتغال زنان انجام شود.

کلیدواژه‌ها: فقر شهری، طرد اجتماعی، طرد از بازار کار، سیاست‌گذاری اجتماعی، شهر تهران.

عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر در بروز سوانح شغلی و سیاست‌گذاری در جهت پیشگیری و کاهش آنها

میثم کریم‌خانی؛ دانشجوی دکترای رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

جعفر هزارجریبی؛ استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

سوانح شغلی منجر به جرح یا فوت، از جمله پیشامدهایی هستند که علاوه بر هزینه‌های مادی و غیرمادی که به فرد آسیب‌دیده و خانواده وی تحمیل می‌کند، نظام تأمین اجتماعی را نیز با فشار مالی و اداری مواجه می‌سازند. از این رو، مدیریت و کاهش سوانح شغلی از جمله اقدامات پیش‌گیرانه نه‌تنها برای حفظ سلامت نیروی کار، بلکه برای کاهش هزینه‌های نظام تأمین اجتماعی است و سیاست‌گذاری در این راستا نقش مؤثری در کاهش ازکارافتادگی و مرگ‌های زودرس و نیز پایداری مالی نظام رفاهی دارد. براین‌اساس، فهم چرایی و دلایل بروز سوانح شغلی پیش‌نیاز طراحی سیاست‌گذاری مناسب در این زمینه است. در این مقاله، تلاش می‌شود بسترهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بیرون از محل کار، زمینه‌ساز بروز سوانح شغلی شناسایی شوند. برای این منظور، ابتدا پژوهش‌های مختلفی که در سطح جهان در مورد عوامل زمینه‌ای سوانح شغلی صورت گرفته، به‌صورت سیستماتیک مرور شده و سپس با استفاده از روش تحلیل ثانویه، داده‌های تولید شده در پژوهش‌های مرتبط با سوانح و بیماری‌های شغلی در

سیاست‌گذاری اشتغال و بازار کار | ۱۲۳

ایران تحلیل می‌شوند و سعی می‌شود ارتباط سوانح شغلی با عوامل زمینه‌ای در ایران نشان داده شود. نتایج حاکی از آن است که علت اصلی سوانح شغلی در ایران را باید در متزلزل‌سازی نیروی کار، کاهش توان چانه‌زنی کارگران، ممانعت از تشکلیابی کارگران، سهل‌گیری بر کارفرمایان، عدم نظارت سخت‌گیرانه بر اجرای مقررات ایمنی، و عدم اعمال مجازات یا تنبیهات مادی و غیرمادی بر کارفرمایانی که مقررات ایمنی را به کار نمی‌بندند، و بحران‌های اقتصادی جست‌وجو کرد.

کلیدواژه‌ها: سوانح شغلی، ایمنی شغلی، سیاست‌گذاری سلامت در محل کار، سیاست‌گذاری اشتغال، حوادث ناشی از کار.

تحولات فناوریانه بازار کار: دگرگونی اشتغال بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات در ایران و جهان

محمد خادمی کله‌لو؛ عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فناوری

محمدجواد رحیمی؛ پژوهشگر پژوهشکده مطالعات فناوری

چکیده

از میانه دهه ۸۰ میلادی کلان‌روندهایی در حوزه‌های مختلف فناوری ایجاد شد که روند اتوماسیونی‌شدن مشاغل را تسریع کرد و با وجود رشد ارزش‌افزوده و ارتقاء بهره‌وری، بخش عمده‌ای از سهم اشتغال دو بخش صنعت و کشاورزی کاسته شد. در حالی که در بخش خدمات همراه با رشد ارزش‌افزوده سهم اشتغال این بخش نیز افزوده شد؛ این روند در همه کشورهای به‌ویژه جوامع توسعه‌یافته مشاهده می‌شود. سرعت تحقق نموده‌های عینی این روندها در میان ۲۶ کشور با درآمد سرانه «بسیار زیاد» و «زیاد» بیشتر از ۲۶ کشور با درآمد سرانه «کم» و «خیلی کم» است؛ به‌گونه‌ای که ساختار اقتصادی کشورهای گروه با درآمد سرانه «خیلی کم» در سال ۲۰۲۰ تقریباً شبیه اقتصاد ایران در همین سال شده است؛ در حالی که شکل اقتصاد گروه کشورهای با درآمد سرانه «کم» در سال‌های میانی دهه ۹۰ میلادی شبیه به ساختار اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۰ بوده است و برآورد می‌شود ساختار اقتصاد گروه کشورهای با درآمد سرانه «بسیار زیاد» و «زیاد» به‌ترتیب در اوایل دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی شبیه ساختار اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۰ بوده است؛ بنابراین، این بینش منتقل می‌شود که احتمالاً تصویر فعلی

سیاست‌گذاری اشتغال و بازار کار | ۱۲۵

کشورهای توسعه‌یافته (کشورهای با درآمد سرانه «زیاد» و «خیلی زیاد») می‌تواند به‌عنوان تصویر آینده‌ی کشورهای کمتر توسعه‌یافته و در حال توسعه‌ای مثل ایران شناخته شود؛ در این مطالعه سعی شده است با بررسی توصیفی-نموداری داده‌های آماری مربوط به روند تغییرات سهم بخش‌های خدمات، صنعت و کشاورزی از اشتغال کل و ارزش‌افزوده‌ی کل، طی سال‌های ۱۹۹۰ الی ۲۰۲۰ در ۵۲ کشور، آینده‌ی پیش‌روی ایران در خصوص سهم اشتغال و ارزش‌افزوده‌ی هریک از حوزه‌های مذکور پیش‌بینی شود. شواهد نشان می‌دهد طی ۱۰ سال آینده به‌واسطه‌ی پدیده‌هایی همچون اتوماسیون، گسترش مشاغل دیجیتال و...، بازار کار با تحولات ساختاری مواجه خواهد شد (سهم اشتغال و ارزش‌افزوده‌ی بخش‌های صنعت و کشاورزی کاهش می‌یابد) و در صورتی که مواجهه با این پدیده، فعالانه نباشد، بحران بیکاری و به‌ویژه، بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی تشدید خواهد شد؛ بنابراین، باید از سیاست‌های بازنگری در عرضه‌ی نیروی انسانی مثل بازآموزی نیروی کار، اصلاح نظام آموزش نیروی انسانی، توسعه و بازسازی برای کسب‌وکارهای بخش خدمات و... استفاده شود تا هم رقابت‌پذیری اقتصاد ملی در سطح بین‌المللی حفظ شود و هم مسئله‌ی بیکاری حل گردد.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری اشتغال، اتوماسیون، تحولات بازار کار، عرضه‌ی نیروی انسانی، بازآموزی نیروی کار.

شیوه‌های حمایت اجتماعی در بازار کار پیشامدرن در ایران مورد مطالعه: بازار تهران قرن نوزدهم میلادی

ساجده علامه؛ دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

چکیده

پیش از آنکه ایجاد رفاه و تأمین اجتماعی به‌عنوان کارویژه دولت مدرن تعریف گردد، در جامعه پیشامدرن حمایت اجتماعی در حوزه‌های مختلف حیات به شیوه‌ها و اشکالی صورت می‌گرفته است که مطالعه چگونگی آن‌ها نه تنها به شناخت و فهم تاریخی ما از شیوه‌های متفاوت حمایت‌های اجتماعی در جامعه خود می‌افزاید، بلکه می‌تواند به ما در طرح شیوه‌های متفاوت سیاست‌های حمایت اجتماعی در جامعه بومی امروز خود کمک کند. این مقاله تلاشی برای مطالعه شیوه‌های حمایت اجتماعی سنتی در حوزه کار در بازار در قرن نوزدهم میلادی از طریق یک مطالعه تاریخی است که بر مورد بازار تهران دوره قاجاریه تا پیش از انقلاب مشروطیت تمرکز یافته است. در این پژوهش از روش‌های مختلفی برای جمع‌آوری اطلاعات، از جمله استفاده از منابع دست اول و منابع دست دوم، استفاده شده است. از آنجا که دولت قاجار، بازار کار و سامان آن را به میزان زیادی به دست خود بازاریان محلی سپرده بود، دخالتی نیز در حوزه‌های مختلف سازمان‌دهی کار از جمله شرایط کار، روابط استاد و شاگردی و امنیت اجتماعی در کار نداشت. از این رو، حمایت اجتماعی در این حوزه تا اندازه‌ای از طریق شبکه‌های روابط شخصی و غیررسمی صنفی صورت می‌گرفت که بخشی از بافت اجتماعی غنی بازار را

سیاست‌گذاری اشتغال و بازار کار | ۱۲۷

تشکیل می‌دادند که دربرگیرنده روابط اقتصادی- اجتماعی درهم‌تنیده چندوجهی و متقابل بود. این امر می‌تواند افق‌های متفاوتی در برابر ما برای تأمل بر سیاست‌های حمایت اجتماعی در بازار کار از مهارت‌آموزی تا ایجاد اشتغال با تأکید بر مشارکت نهادهای صنفی در جامعه امروز بگشاید.

کلیدواژه‌ها: حمایت اجتماعی، بازار کار، دوره پیشامدرن، شبکه‌های روابط غیررسمی، روابط چندوجهی و متقابل.

سنجش توسعه‌یافتگی بازار کار استان‌های کشور و تأکید بر نابرابری‌ها در این بازار

محمدحسین امجدی؛ دانش‌آموخته دکترای اقتصاد دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

در میان بازارهای اقتصادی، توسعه بازار کار و معیارهای آن از اصلی‌ترین معیارهای توسعه‌یافتگی و میزان تحقق توسعه اقتصادی تلقی می‌شود. از بین نماگرهای بازار کار معمولاً آنچه استفاده فراوانی از آن می‌شود و برای مقایسه بین استان‌ها به کار می‌رود، نماگر نرخ بیکاری است. سؤال مهمی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا نرخ بیکاری به‌تنهایی وضعیت اشتغال و بیکاری در استان‌ها را نشان می‌دهد؟ چرا که استفاده صرف از این نماگر می‌تواند باعث اشتباه در نتیجه‌گیری شود. ازاین‌رو با توجه به نتایج ضرایب همبستگی در این تحقیق، از ۶ نماگر نرخ مشارکت اقتصادی، نرخ بیکاری، نسبت اشتغال، سهم جمعیت دارای اشتغال ناقص زمانی، سهم اشتغال در بخش صنعت و سهم اشتغال بخش خصوصی استفاده شده است. بنابراین، برای تعیین توسعه‌یافتگی هر استان در بین استان‌های کشور از نظر افزایش اشتغال و کاهش بیکاری در این تحقیق از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره استفاده شد. در این پژوهش ضمن تشریح مدل تاپسیس و وزن‌دهی شاخص‌های مورد استفاده به روش بهترین-بدترین (MWB)، استان‌های کشور بر مبنای میانگین شاخص‌های عمده نیروی کار مرکز آمار ایران طی سال‌های ۹۷، ۹۸ و ۹۹ رتبه‌بندی و سپس نتایج رتبه‌بندی با رتبه‌بندی استان‌ها بر

سیاست‌گذاری اشتغال و بازار کار | ۱۲۹

اساس نرخ بیکاری مقایسه می‌شوند. نتایج پژوهش حاکی از عملکرد مطلوب برنامه‌ریزان و مسئولین اجرایی، به‌ترتیب در استان‌های خراسان جنوبی، زنجان و همدان طی این دوره زمانی است. در ادامه به‌منظور مشخص شدن شاخص‌های حساس، تحلیل حساسیت شاخص‌ها نیز انجام شده است. همچنین نتایج بیانگر عدم تعادل توسعه‌یافتگی بازار کار در بین استان‌های کشور است. لذا پیشنهاد می‌گردد سیاست‌گذاران بازار کار در برنامه‌ریزی‌های خود شاخص‌های متفاوت بازار کار و میزان حساسیت آن‌ها را موردتوجه قرار دهند. همچنین اولویت‌داشتن اشتغال و بازار کار در میان برنامه‌های اقتصادی دولت و وجود برنامه‌های عملیاتی در این حوزه به‌همراه شاخص‌های قابل‌پایش، از جمله پیشنهادات این مقاله است. همچنین معضل بیکاری زمانی قابل‌حل است که فعالیت‌های اقتصادی از سوداگری و فعالیت‌های غیرمولد به‌سمت فعالیت‌های مولد و با محوریت دانش حرکت کنند.

کلیدواژه‌ها: توسعه‌یافتگی، بازار کار، نابرابری، روش بهترین-بدترین (MWB)، تاپسیس.

مؤثر بودن استخدام در بخش عمومی (دولتی و شرکت‌های وابسته) به‌عنوان سیاست فعال بازار کار: مرور ادبیات بین‌المللی

نرگس حقی؛ دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

چکیده

سیاست‌های فعال بازار کار به‌عنوان سیاست‌هایی مهم در سراسر دنیا برای مدیریت بیکاری، به‌خصوص بیکاری‌های مزمن، چه در کشورهای توسعه‌یافته و چه در کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته می‌شود. یکی از برنامه‌های معمول سیاست‌های فعال بازار کار، ظرفیت‌سازی و نهایتاً استخدام افراد در بخش عمومی است. این سیاست در ایران نیز به‌طور گسترده استفاده شده و می‌شود. این مقاله مروری بر تحقیقات انجام‌شده در رابطه با بازدهی و مؤثر بودن برنامه استخدام در بخش عمومی دارد. روش تحقیق بر اساس مرور تمام مقالاتی که در مجلات مورد تأیید بانک اطلاعاتی web of science وجود دارند، انجام شده است. مقالاتی که در عنوان، کلمات کلیدی یا خلاصه خود به برنامه‌های فعال بازار کار و زیربرنامه استخدام در بخش عمومی و ارزیابی بازدهی آن اشاره دارند. نتایج حاصل از مرور مقالات حاکی از آن است که در بسیاری از برنامه‌های استخدام عمومی بازدهی دیده نمی‌شود و چه‌بسا در برخی، آثار منفی نیز مشاهده می‌شود. از آنجایی که این سیاست‌ها در ایران نیز استفاده می‌شود، نتایج این مقاله می‌تواند نشانه‌ای برای سیاست‌گذاران باشد که در برنامه‌ریزی خود در این رابطه با احتیاط بیشتری عمل نمایند.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌های فعال بازار کار، استخدام، بخش عمومی.

سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه آسیب‌های اجتماعی

الگوی سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه آسیب‌های اجتماعی در ایران

سیدحسین موسوی چلک؛ رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

چکیده

یکی از وظایف دولت‌ها در هر جامعه‌ای ایجاد بسترهای لازم برای ارتقاء شاخص‌های سلامت همه‌جانبه، از جمله سلامت اجتماعی و کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی است. بدون شک، سیاست‌گذاری‌های اجتماعی مناسب می‌تواند یکی از تمهیدات اساسی دولت در این زمینه باشد. تحقیق حاضر با هدف مرور سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی و نقد فرآیند سیاست‌گذاری و ارائه بسته سیاست‌های اجتماعی انجام شده است. برای این منظور، ضمن مروری بر سیاست‌گذاری‌های اجتماعی انجام‌شده در حوزه کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی بعد از انقلاب در طول برنامه‌های اول تا پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نقد کوتاهی بر فرایند سیاست‌گذاری داشته و در نهایت، با استفاده از نظرات نخبگان و صاحب‌نظران، سیاست‌های کلان مناسب برای کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی ارائه شده است. در این مطالعه از روش دلفی و تکنیک‌های تحلیل محتوا، مصاحبه عمیق، مطالعه اسناد و مدارک برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در اسناد و مدارک موجود بالادستی توجه به این موضوع به تناسب اهمیت و گسترش آن بسیار کم بوده و در پنج برنامه توسعه کشور تنها در برنامه چهارم توسعه توجه کمی به این موضوع شده است. همچنین یافته‌های این پژوهش روشن

سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه آسیب‌های اجتماعی | ۱۳۳

ساخت که فرایند سیاست‌گذاری‌های کلان کشور در این حوزه نیز نیازمند تغییرات بنیادی است. بر همین مبنا در نهایت، ۳۲ سیاست اجتماعی توسط نخبگان و صاحب‌نظران پیشنهادشده، تا در نهایت بتوان با توجه به این سیاست‌های پیشنهادی برنامه‌ریزی‌های مناسب برای کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی در کشور صورت گیرد.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی، مددکاری اجتماعی، سلامت اجتماعی.

سنخ‌شناسی و آسیب‌شناسی عملکردی مؤسسات رفاهی در حوزه کودکان کار (با تأکید بر ملاحظات سیاستی)

ستار پروین؛ دانشیار مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

مریم داودی؛ دکترای روان‌شناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

امروزه کار کودک به‌عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی به یکی از نمودهای عینی شهرهای ایران، از جمله کلان‌شهری مانند تهران تبدیل شده است. با آنکه این موضوع، از دیدگاه‌های مختلفی از جمله حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و... مورد بحث قرار گرفته است، این مقاله تلاش دارد با شناسایی نهادهای اجتماعی و نقد رویه‌های موجود، به بررسی کار کودک در ایران و به‌ویژه در شهر تهران بپردازد. دیدگاه نظری مقاله مبتنی بر رویکرد کارکردی-ساختی است. روش پژوهش با استفاده از تحلیل مضمونی می‌باشد که داده‌های مقاله از طریق مصاحبه با کارشناسان مرتبط با حوزه کار کودک، مشاهدات محقق و همچنین اسناد و پژوهش‌های موجود جمع‌آوری شده است. نتایج نشان می‌دهد نهادهای مرتبط با کار کودک را می‌توان به نهادهای دولتی، عمومی، بخش سوم، بین‌المللی و طبیعی تقسیم‌بندی کرد. به‌دلیل مسائل و چالش‌های این نهادها، کار کودک به شکل علمی مدیریت نشده است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به مواردی مانند نبود و کمبود همکاری وزارت‌خانه‌ها و مؤسسات، اثرات منفی طرح‌های جمع‌آوری، وجود

سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه آسیب‌های اجتماعی | ۱۳۵

طرح‌های پایلوت بی‌فرجام، کمبود و نبود تجهیزات کافی، مواجهه با کودکان کار و خیابان به واسطه قوه قهریه و عدم احساس امنیت نسبت به کودکان، نبود یک مرجع ملی، تشکیلات سازمانی و برنامه درست برای مدیریت و سامان‌دهی، عدم شمولیت اشکال کار کودک از جمله زباله‌گردی و... اشاره کرد. این موضوع، ضرورت بازنگری در برنامه و سیاست‌های اجتماعی این مسئله را نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: کار کودک، تحلیل نهادی، ملاحظات سیاستی، دیدگاه کارکردگرایی ساختی، تهران.

ضرورت توجه به کاهش فقر ترکیبی کودکان در سیاست‌گذاری اجتماعی

منصور فتحی؛ دانشیار گروه مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

مریم خاک رنگین؛ دکترای مددکاری اجتماعی

دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی

چکیده

تأمین اهداف توسعه پایدار، گسترش عدالت‌محوری و فقرزدایی جز از راه توجه به دوران کودکی مقدور نیست. بررسی‌ها نشان می‌دهد که دوران کودکی زمان طلایی تأثیرگذاری بر چرخه باطل فقر است و سرمایه‌گذاری در این دوران، دستاورد بیشتری برای جامعه به همراه دارد. فقر کودکی فراتر از مفهوم‌پردازی‌های سنتی مانند درآمد پایین خانواده بوده و به طبیعت چندبعدی فقر اشاره دارد. فقر برای کودکان به معنای شرایطی است که به رشد ذهنی، جسمی، احساسی و روحی آن‌ها صدمه می‌زند و محرومیت‌های محیطی برای کودکان، حیاتی است و تأثیرات بلندمدتی بر رشد آن‌ها دارد. این در حالی است که بررسی شاخص‌های فقر کودکان در ایران نشان می‌دهد که میزان فقر کودکان همواره بیشتر از جمعیت عمومی است. هدف مقاله حاضر بررسی میزان توجه برنامه‌های توسعه، اسناد بالادستی و قوانین به کاهش فقر ترکیبی کودکان است. روش پژوهش، اسنادی و مروری است. بررسی اسناد بالادستی، قوانین و برنامه‌های توسعه و مرور مقالات و پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان کشور، به‌صورت منسجم و یکپارچه به کاهش فقر ترکیبی

سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه آسیب‌های اجتماعی | ۱۳۷

کودکان توجه نشده و صرفاً به بخشی از مسایل و نیازهای کودکان پرداخته شده است. این در حالی است که با اتخاذ رویکرد جامع در سیاست‌گذاری حوزه کودکان و برنامه‌ریزی یکپارچه که در آن به کاهش فقر ترکیبی کودکان در متن خانواده و اجتماع پرداخته شود، می‌توان به پیشرفت همه‌جانبه کودکان و کاهش فقر در بزرگ‌سالی نائل شد.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌ریزی یکپارچه، سیاست‌گذاری اجتماعی، فقر ترکیبی کودکان، رویکرد جامع، سیاست‌گذاری حوزه کودکان.

ارزیابی اثربخشی سیاست‌های مقابله با بی‌خانمانی در ایران

مرتضی قلیچ؛ استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

محمدعلی رمضانی؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی

چکیده

تجربه بی‌خانمانی با رشد کلان‌شهرها رابطه‌ی وثیقی دارد و زندگی در پیاده‌راه‌ها مسئله‌ی دامن‌گیری است که هیچ کشوری از آن کنار نمانده و به‌ناچار هم اقداماتی برای پیشگیری یا رفع آن اتخاذ کرده‌اند. افراد بی‌خانمان به‌خودی‌خود حاشیه‌ای، گرفتار انواع مشکلات جسمی و روانی و محصور پیش‌داوری‌ها و انگ‌های مختلف‌اند؛ اما علاوه بر همه این مشکلات و طرد اجتماعی که به اشکال مختلف تجربه می‌کنند، معمولاً قوانین و مصوبات نیز از طرق مختلف روند طرد افراد بی‌خانمان را تشدید می‌کنند؛ مانند تصویب قوانین خاص، اعمال افتراقی قانون، سوءظن، پیش‌داوری، خشونت و غیره. مقاله حاضر می‌کوشد تا میزان اثربخشی مداخلات سیاستی مبارزه با بی‌خانمانی در ایران را با استفاده از روش مطالعه‌ی موردی بررسی کند. در مقاله حاضر از تحلیل اسناد، مشاهده و مصاحبه برای پاسخ‌گویی به پرسش‌ها استفاده شده است. قوانین و اسناد مربوط و تعدادی از پرونده‌های مددجویان مرکز لویزان و مرکز اسلام‌شهر مطالعه شده است. با کارکنان سامان‌سرا و با مددجویان مرکز زنان نیز مصاحبه‌هایی صورت گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در درجه اول، سیاست‌های روشنی مبتنی بر تقسیم کار نهادی در زمینه

سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه آسیب‌های اجتماعی | ۱۳۹

مبارزه با بی‌خانمانی وجود ندارد و سیاست‌های موجود نیز تاکنون موفق به بازپروری افراد بی‌خانمان نشده‌اند. به‌علاوه نگاه موجود به بی‌خانمانی نگاه چندجانبه نیست. جرم‌انگاری در چرخه مبارزه با بی‌خانمانی منجر به حذف سیستماتیک مددکاران اجتماعی حرفه‌ای از فرایند بازپروری بی‌خانمان‌ها شده است.

کلیدواژه‌ها: بی‌خانمانی؛ طرد اجتماعی؛ ارزیابی؛ اثربخشی؛ جرم‌انگاری؛ قضایی‌شدن؛ تقسیم کار نهادی.

راهبردهای توانمندسازی اجتماعات فقیر از مجرای
سیاست‌گذاری اجتماعی محله‌محور
(مطالعه موردی سکونتگاه‌های فقیرنشین شهر کرمانشاه)

ساجده واعظ‌زاده؛ استادیار گروه جامعه‌شناسی پژوهشکده توسعه کالبدی سازمان
جهاد دانشگاهی استان کرمانشاه

بی‌تا حامد؛ استادیار و مدیر گروه جامعه‌شناسی پژوهشکده توسعه کالبدی سازمان
جهاد دانشگاهی استان کرمانشاه

چکیده

براساس تجارب موجود در ایران و جهان، توانمندسازی اجتماعات فقیر از مجرای سیاست‌گذاری اجتماعی محله‌محور با موفقیت بیشتری همراه است. دلیل آن این است که تفاوت‌های زیادی مبتنی بر ویژگی‌های محله وجود دارد که این تفاوت‌ها از زمینه‌ها و شرایط اقتصادی گرفته تا پیشینه قومی و غیره می‌توانند فرایند توانمندسازی را متأثر سازند. این مقاله با هدف معرفی راهبردهای توانمندسازی اجتماعی ۱۳ محله فقیرنشین شهر کرمانشاه با رویکرد سیاست‌گذاری اجتماعی محله‌محور تدوین شده است. روش انجام پژوهش کیفی و مبتنی بر اطلاعات به‌دست‌آمده از طرح‌های پژوهشی شش‌گانه پروژه مطالعات اجتماعی مناطق اسکان غیررسمی شهر کرمانشاه است. ابزار مورد استفاده پرسش‌نامه ارزیابی نقاط قوت و ضعف عوامل داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهای عوامل خارجی بوده است که برای گردآوری اطلاعات آن از سه گروه مشارکت‌کنندگان شامل

سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه آسیب‌های اجتماعی | ۱۴۱

صاحب‌نظران، مدیران اجرایی و ذی‌مدخلان، جمعاً ۱۵ نفر استفاده شده است. براساس یافته‌های پژوهش، با تمرکز بر نقاط قوت و ضعف داخلی محلات و فرصت‌ها و تهدیدهای خارج از محلات در مجموع ۱۳ راهبرد در ۴ حوزه اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و فرهنگی قابلیت اجرا دارند. فعالیت‌های پیشنهادی برای هریک از راهبردها، دستگاه‌های متولی و همکار، پیش‌نیازها و الزامات عملیاتی اجرای فعالیت‌ها از جمله مواردی است که ذیل هر یک از راهبردها مشخص شده‌اند. نتایج این مقاله در نهایت نشان می‌دهند که سیاست‌گذاری اجتماعی محله‌محور در زمینه توانمندسازی اجتماعات فقیر از چه قابلیت‌هایی برخوردار بوده و اجرای موفقیت‌آمیز آن نیازمند چه ساختارهای تکمیلی است.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری اجتماعی، توانمندسازی، اجتماعات فقیر، برنامه عملیاتی، محلات کرمانشاه.

سیاست‌گذاری پیشگیرانه در باب پدیده‌روسیگیری

مجید فولادیان؛ دانشیار علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

عاطفه کابلی؛ گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

بسیاری از تحقیقات انجام‌شده درباره‌روسیگیری در جامعه ایران که شامل پدیدارشناسی، بررسی عوامل اجتماعی، فردی، اقتصادی و... در شکل‌گیری روسیگیری می‌باشد، کمتر به مباحث سیاست‌گذاری اجتماعی در باب این گروه آسیب‌دیده اجتماعی پرداخته‌اند. برای اینکه بتوان سیاست‌گذاری درستی برای پیشگیری از این پدیده داشته باشیم نیاز است ابتدا به بررسی فرایندهایی که طی آن دختران و زنان، روسپی می‌شوند، بپردازیم و سپس با کشف و ترسیم فرایندهای مختلفی که طی آن‌ها روسیگیری شکل می‌گیرد، به شناخت متغیرهایی برسیم که این امکان وجود دارد تا سیاست‌گذار در آن‌ها مداخله کند و در فرایند روسیگیری تداخل ایجاد کند و فرد را از چرخه فرایند روسیگیری خارج نماید. این پژوهش با رویکرد کیفی و با استفاده از روش روایت‌پژوهی برای شناخت فرایندهای روسیگیری و روش مصاحبه با صاحب‌نظران برای ارائه سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه انجام شده است. ۲۷ نفر از زنان روسپی به صورت هدفمند و با بیشترین تفاوت انتخاب و تا رسیدن به اشباع نظری مصاحبه روایتی انجام شده است. پس از آشکارشدن عوامل علی و زمینه‌ساز و مدل فرآیندی روسیگیری برای هر نمونه، در نهایت چهار

سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه آسیب‌های اجتماعی | ۱۴۳

الگوی علی، با چهار شیوه اثر ترسیم شد. در این بین متغیرهایی مثل فقر، خانواده نابسامان، شبه‌روسیگری، فرار از منزل و بی‌سرپناهی، ازدواج‌های اجباری، فقدان مهارت‌های شغلی و نداشتن حامی اجتماعی از جمله متغیرهایی است که در مدل‌های مختلف می‌توان در باب آن‌ها اعمال سیاست‌گذاری اجتماعی کرد و گام‌های مؤثری در خارج کردن زنان از فرایند روسپیگری برداشت.

کلیدواژه‌ها: فرایند روسپیگری، سیاست‌گذاری اجتماعی، شبه‌روسیگری.

بررسی تطبیقی چگونگی خدمات اجتماعی موجود در راستای کاهش کودک‌آزاری در ایران و جهان

حسین رضایی حسین آبادی؛ گروه مددکاری اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی
دانشگاه علامه طباطبائی

مرضیه قرائت خیابان؛ استادیار مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

کودک‌آزاری یکی از مسائل مهم در حوزه بهداشت روان و سرمایه انسانی در ایران و جهان است و سیاست‌گذاری‌ها و ارائه خدمات اجتماعی اثربخش در راستای کاهش آن در جوامع مختلف از جمله دغدغه‌های سیاست‌مداران و قانون‌گذاران حوزه کودک است. هدف این مقاله بررسی تطبیقی چگونگی خدمات اجتماعی موجود در راستای کاهش کودک‌آزاری در ایران و جهان است. مطالعه‌ای که روش تحقیق آن، روش اسنادی و تکنیک تحلیل در آن تحلیل اسنادی است. یافته‌ها حکایت از آن دارد که در کشور ما سازمان‌های مختلف به‌عنوان متولی و قیم حوزه کودکان عمدتاً بر مبحث آموزش تأکید نموده و در پاره‌ای از موارد شدید کودک‌آزاری صرفاً مداخلات قضایی صورت می‌گیرد؛ اما در کشورهای توسعه‌یافته به نوعی پدر و مادر از طرف دولت به‌عنوان کارگزار ارائه خدمات به کودکان محسوب می‌شوند و برنامه‌های مختلف برای جلوگیری از کودک‌آزاری و بهبود وضعیت زندگی آنان عملیاتی می‌شود. از طرفی مهم‌ترین مسئله،

سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه آسیب‌های اجتماعی | ۱۴۵

تعریف کودک‌آزاری و انواع آن در کشور ماست که با سایر کشورهای جهان متفاوت بوده و همین موضوع باعث گردیده است که بسیاری از اعمال در کشور ما به‌عنوان موارد تربیتی در نظر گرفته شود تا اینکه به‌عنوان کودک‌آزاری مدنظر قرار گیرد. یکی از پیشنهادات مطرح که این تحقیقات ارائه می‌کند، آن است که در قوانین موجود مرتبط با حمایت از کودکان تجدیدنظر صورت گیرد و قوانین حمایتی از خانواده تصویب و زمینه اجرایی‌شدن آن‌ها به‌صورت جدی دنبال شود.

کلیدواژه‌ها: خدمات اجتماعی، کودک‌آزاری، کاهش کودک‌آزاری، مطالعه تطبیقی، ایران.

نگاهی به وضعیت سیاست‌گذاری حوزه مبارزه با مواد مخدر در ایران با تأکید بر دو دهه اخیر

محمدجواد چیت‌ساز؛ عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
جهاد دانشگاهی

چکیده

اعتیاد به مواد مخدر به عنوان یک مشکل عمومی در عرصه بین‌المللی، اغلب کشورها را درگیر کرده است. در مورد وضعیت ایران در حوزه مواد مخدر «نرخ شیوع مصرف مواد در جمعیت عمومی ۱۵ تا ۶۴ سال کشور ۵/۴ درصد، نرخ شیوع مصرف مواد در دانش‌آموزان هنرستان‌ها و متوسطه دوم ۱/۲ درصد، نرخ شیوع مصرف مواد در دانشجویان دانشگاه‌های دولتی ۴/۷ درصد، نرخ شیوع مصرف مواد در کارگران محیط‌های صنعتی ۲۲/۷ درصد» برآورد شده است. این در حالی است که با توجه به «میزان شیوع مصرف مواد در لایه‌های مختلف جامعه و بروز خسارت‌ها و هزینه‌های اقتصادی مواد مخدر در مقیاس سالیانه ۱۹۹ هزار میلیارد تومان» برآورد شده است. گزاره‌های فوق‌الذکر حاکی از آن است که علی‌رغم تلاش‌های صورت‌گرفته در این حوزه، جمعیت معتادان از حدود یک میلیون و دویست هزار به دو میلیون و هشتصد هزار نفر رسیده است. اگر بعد خانوار در ایران را ۳/۸ در نظر بگیریم، جمعیتی نزدیک به ده میلیون نفر به‌طور مستقیم درگیر حوزه اعتیاد هستند و اعتیاد به مهم‌ترین آسیب

سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه آسیب‌های اجتماعی | ۱۴۷

اجتماعی در ایران تبدیل شده است. حال سؤال این است که علی‌رغم تلاش‌های بسیاری که در حوزه مبارزه با مواد مخدر در کشور شده است، چرا به نتایج قابل‌قبولی نرسیده‌ایم. یکی از دلایل این عدم‌توفیق به حوزه سیاست‌گذاری در حوزه مبارزه با مواد مخدر بازمی‌گردد. این نوشته قصد آن دارد ضمن مرور وضعیت سیاست‌گذاری در حوزه مبارزه با مواد مخدر به بررسی دلایل ناکارآمدی سیاست‌گذاری مبارزه با مواد مخدر اقدام کند.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری، ناکارآمدی سیاست‌گذاری، سوءمصرف مواد مخدر.

چالش‌های سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه کودکان کار و خیابان در ایران

سلمان قادری؛ پژوهشگر جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبائی

مهری سادات موسوی؛ رئیس جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبائی

بهزاد همتی؛ پژوهشگر جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبائی

چکیده

طی سه دهه گذشته موضوع کودکان کار و خیابان، به یکی از مسائل اجتماعی و موردتوجه سیاستمداران تبدیل شده که در اسناد بالادستی نظیر قانون برنامه ششم توسعه انعکاس یافته است. هدف از نگارش این پژوهش بررسی موانع و چالش‌های سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه کودکان کار و خیابان، در ایران است. روش انجام این پژوهش اسنادی است. بر این اساس کلیه منابع دردسترس، اعم از قوانین، طرح‌ها، برنامه‌ها، مقالات، کتاب‌ها و منابع مکتوبی که ناظر بر سیاست‌گذاری در حوزه کودکان کار و خیابان، مطالعه و بررسی شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات بر اساس نتیجه‌گیری و مقایسه داده‌های جمع‌آوری شده انجام گرفت. بر اساس یافته‌های این پژوهش مبنای سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه کودکان کار و خیابان، بر مبنای سه انگاره جرم‌انگاری، بیماری‌انگاری و کاهش آسیب است. بر این اساس عموماً سیاست‌های دولتی مبتنی بر جرم‌انگاری و بر پایه سامان‌دهی و جمع‌آوری کودکان کار و خیابان، استوار بوده است که در تعارض با برنامه‌های کاهش آسیب و پرداختن به

سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه آسیب‌های اجتماعی | ۱۴۹

عوامل اساسی و ساختاری مؤثر در حوزه کودکان کار و خیابان می‌باشد. ارزیابی‌های صورت‌گرفته حاکی از آن است که سیاست‌های موجود منجر به کاهش آسیب و تقلیل مشکلات این کودکان نشده است و نیازمند رویکرد جامع، اجتماعی و با مشارکت همه ذی‌نفعان در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی هستیم.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری اجتماعی، کودکان کار و خیابان، جرم‌انگاری، کاهش آسیب، مسئله اجتماعی.

نقش مشارکت جوامع محلی در کاهش آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی محلات کم‌برخوردار

ریاب صبوری؛ عضو هیئت علمی گروه پژوهشی جامعه‌شناسی توسعه
پژوهشکده توسعه و برنامه‌ریزی

ابراهیم ایران‌نژاد؛ استادیار و مدیر گروه پژوهشی جامعه‌شناسی توسعه
پژوهشکده توسعه و برنامه‌ریزی

فایقه پورحمزه؛ کارشناس گروه پژوهشی جامعه‌شناسی توسعه
پژوهشکده توسعه و برنامه‌ریزی

چکیده

امروزه، آسیب‌های اجتماعی در محلات کم‌برخوردار شهری، از دغدغه‌های اصلی جامعه به شمار می‌رود. کلان‌شهرها با توجه به ویژگی‌های خاص خود مانند بافت فرسوده و سکونتگاه‌های غیررسمی در اطراف شهرها و... کانون‌های مناسبی جهت بروز انواع آسیب‌های اجتماعی هستند که نتیجه این آسیب‌ها، برهم‌خوردن نظم شهری، کاهش امنیت اجتماعی و افول سرمایه اجتماعی می‌باشد. در برخورد با آسیب‌های اجتماعی با مشارکت دادن مردم در برنامه‌ریزی‌ها می‌توان از بروز بسیاری نابسامانی‌ها در سطح اجتماعی جلوگیری نمود. در این پژوهش، با واکاوی نظریات و پژوهش‌های ناظر بر موضوع مشارکت اجتماعی شهروندان در محلات کم‌برخوردار تبریز و با بهره‌گیری از روش پیمایشی، ابعاد مختلف موضوع مورد بررسی قرار گرفت. نمونه آماری پژوهش

سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه آسیب‌های اجتماعی | ۱۵۱

حاضر را ۴۱۲ نفر از افراد ۱۵ سال و بالاتر ساکن در محله خلیل‌آباد تبریز تشکیل می‌دهند که براساس نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند. یافته‌ها حاکی از سطح پایین مشارکت در محله خلیل‌آباد می‌باشد که این امر می‌تواند سبب عدم کنترل مناسب رشد بی‌رویه آسیب‌های اجتماعی در محله گردد. بنابراین، جلب مشارکت محلی به‌منظور کاهش آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی باید در اولویت قرار گیرد. برخی از راه‌هایی که می‌توان مشارکت جوامع محلی برای رسیدگی به امور خود را تضمین نمود، تشکیل و توسعه انجمن‌های محلی در قالب سمن‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و CBOها، تقویت مدیریت مشارکتی با مهندسی و هدایت تغییرات اجتماعی، به‌کارگیری و تقویت ظرفیت افراد به‌عنوان شهروندان فعال و کنشگر از طریق هم‌اندیشی و تعامل در گروه‌های اجتماعی، سازمان‌ها و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها، بسیج منابع اجتماعی در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای مهم ساکنان محله با حداکثر اتکاء به منابع، ارزش‌ها و مشارکت درونی محله و هویت‌بخشی است که می‌تواند در زمینه‌های توسعه محلی، کاهش آسیب‌های اجتماعی و توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی تأثیرگذار باشد.

کلیدواژه‌ها: مشارکت، جامعه محلی، آسیب اجتماعی، آسیب فرهنگی، محلات کم‌برخوردار.

بررسی سیاست‌های کاهش آسیب‌های اجتماعی با تأکید بر جایگاه و نقش تشکلهای اجتماعی

مریم احمدی گیوی؛ عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات توسعه
سازمان جهاد دانشگاهی تهران
بهمن مشکینی؛ فعال اجتماعی

چکیده

مشارکت اجتماعی را می‌توان مشارکت آگاهانه و داوطلبانه افراد در فعالیتهایی با موضوع و رویکرد اجتماعی دانست که در سرنوشت خود آن‌ها اهمیت دارد. یکی از عرصه‌های مشارکت اجتماعی، نهادهای اجتماعی است. مشارکت نهادمند اجتماعی شکل‌گیری نهادهای مدنی با رویکرد اجتماعی است که منجر به توزیع و به‌دست‌گرفتن قدرت اداره امور اجتماعی توسط مردم در قالب تشکلهای اجتماعی می‌شود و سرمایه اجتماعی، توسعه اجتماعی و در نهایت، کاهش آسیب‌های اجتماعی روزافزون را افزایش می‌دهد. آسیب‌های اجتماعی که دایره موضوعی آن هرروزه متنوع‌تر و گسترده‌تر می‌شود و گروه‌ها و اقشار اجتماعی بیشتری را دربرمی‌گیرد، سلامت حیات جامعه را با مخاطرات جدی مواجه می‌کند و گروه‌های آسیب‌پذیر زیادی را در بین جوانان، زنان، کودکان و عموم مردم از داشتن زندگی سالم و روبه‌رشد محروم می‌سازد. گسترش آسیب‌های اجتماعی از اوایل دهه ۹۰ به‌عنوان زنگ خطری موردتوجه جدی مسئولان ارشد نظام قرار گرفت. ازاین‌رو، موضوع کاهش آسیب‌ها مورد تأکید مقام معظم رهبری قرار گرفت.

سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه آسیب‌های اجتماعی | ۱۵۳

و اولویت‌گذاری، سیاست‌گذاری و ساختارریزی برای آن صورت گرفت و سازمان امور اجتماعی به همین منظور تأسیس شد. روش تحقیق به کاررفته در این موضوع، روش مطالعه اسنادی است که در آن منابع مکتوب و در دسترس برنامه‌های توسعه و مصوبات شورای اجتماعی کشور به عنوان سیاست‌های وضع‌شده رسمی دولت در حوزه آسیب‌های اجتماعی و همچنین گزارش عملکرد اعلام‌شده سازمان امور اجتماعی کشور به عنوان ستاد راهبردی کاهش آسیب‌های اجتماعی مورد بررسی و تحلیل محتوا قرار گرفته است. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد که جایگاه و نقش تشکل‌های اجتماعی، متناسب با ظرفیت‌هایشان در برنامه‌های توسعه و مصوبات شورای اجتماعی کشور دیده نشده است. همچنین در اقدامات و برنامه‌های سازمان امور اجتماعی کشور در دوره‌های دولت یازدهم و دوازدهم، علی‌رغم دارا بودن معاونت سازمان‌های مردم‌نهاد در ساختار این سازمان، در برنامه‌های کاهش آسیب‌های اجتماعی، ظرفیت عظیم تشکل‌های غیردولتی موردتغافل واقع شده و صرفاً با ظرفیت محدودی از تشکل‌های اجتماعی در مقابله با کرونا تعامل صورت گرفته است. در خاتمه، پیشنهادهایی برای ارتقای جایگاه و نقش تشکل‌های اجتماعی در جهت کاهش آسیب‌ها به نظام حکمرانی اجتماعی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: مشارکت نهادمند اجتماعی، تشکل‌های اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی، برنامه‌های توسعه، سازمان امور اجتماعی کشور.

راهکارهای دفاتر تسهیلگری و توسعه محلی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی فرهنگی محلات کم‌برخوردار

رباب صبوری؛ عضو هیئت علمی گروه پژوهشی جامعه‌شناسی توسعه
پژوهشکده توسعه و برنامه‌ریزی

فایقه پورحمزه؛ کارشناس گروه پژوهشی جامعه‌شناسی توسعه
پژوهشکده توسعه و برنامه‌ریزی

ابراهیم ایران‌نژاد؛ استادیار و مدیر گروه پژوهشی جامعه‌شناسی توسعه
پژوهشکده توسعه و برنامه‌ریزی

چکیده

با نظر به اهمیت کاهش آسیب‌های اجتماعی در برنامه ششم توسعه کشور، دفاتر تسهیلگری و توسعه محلی در برنامه‌های اقدام خود آسیب‌های اجتماعی را در اولویت قرار داده و برنامه‌ها و اقدامات اجتماع‌محور مشارکتی متناسب جهت پیشگیری و کاهش این آسیب‌ها را در پیش گرفته‌اند. بر این اساس، رصد آسیب‌های اجتماعی و ارائه راهکارهایی در راستای اقدام‌های توسعه‌ای در زمینه پیشگیری این آسیب‌ها در سطح محله توسط دفاتر به کار گرفته شده است. هدف از این مقاله شناسایی و تحلیل راهکارهای دفاتر تسهیلگری و توسعه محلی در شناسایی آسیب‌های اجتماعی محلات کم‌برخوردار است. تحقیق حاضر در سطح خرد و از نوع پیمایشی می‌باشد و گردآوری داده‌ها به وسیله پرسش‌نامه همراه با مصاحبه انجام شده است. جامعه آماری در این

سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه آسیب‌های اجتماعی | ۱۵۵

تحقیق ساکنین محله خلیل‌آباد از محلات کم‌برخوردار شهر تبریز به تعداد ۲۱۶۸۶ نفر و نمونه آماری بر اساس فرمول کوکران ۴۱۲ نفر برآورد شده است. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که بین میزان دسترسی به خدمات شهری و چگونگی روابط اجتماعی با نگرش به آسیب اجتماعی رابطه معکوس و بین تاب‌آوری فردی با نگرش به آسیب اجتماعی در محله، رابطه مستقیمی وجود دارد. این در حالی است که بین متغیرهای رضایت از زندگی و احساس تعلق خاطر به محله با متغیر نگرش به آسیب اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. همچنین از نظر وضعیت تأهل، وضعیت فعالیت، میزان درآمد و هزینه خانوار تفاوت‌های معناداری در نگرش به آسیب اجتماعی دیده می‌شود. به‌کارگیری رویکرد اجتماع‌محور با مشارکت‌دادن مردم در برنامه‌ریزی با استفاده از راهبردهایی نظیر اقتدارافزایی، آموزش مهارت‌های زندگی، حمایت‌گیری، آگاه‌سازی و... در جهت جلوگیری از بروز بسیاری از نابسامانی‌ها در سطح محله و افزایش کیفیت زندگی آحاد جامعه، راهکار اساسی مورد استفاده دفاتر تسهیلگری در این خصوص است. در این رویکرد، اجتماع محلی توانمندشده با توجه به توانایی‌ها و مشکلات خود، نیازها، اولویت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها را در اجتماع محلی بیان می‌کند و در تبیین مسئله، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌ها و مداخلات تأثیرگذار بر ساکنان و محله مشارکت می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: پیشگیری، آسیب اجتماعی فرهنگی، دفاتر تسهیلگری، کم‌برخوردار، راهکار.

سیاست‌گذاری اجتماعی با تأکید بر مسئله سرمایه اجتماعی در حوزه اقشار و گروه‌های آسیب‌پذیر

سپما ناظری؛ دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

فاطمه فراهانی؛ دکترای مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

چکیده

بحث توسعه جوامع و کشورها یکی از دغدغه‌های جدی متخصصین در این حوزه بوده و به‌منظور دستیابی به توسعه مدل سیاست‌گذاری اجتماعی، در اختیار داشتن سرمایه اجتماعی ضرورت اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود. بر این اساس، پژوهش انجام‌شده با هدف تدوین سیاست‌گذاری اجتماعی با تأکید بر مسئله سرمایه اجتماعی در حوزه اقشار و گروه‌های آسیب‌پذیر انجام شده است. این پژوهش از نوع تحقیقات کیفی و کاربردی- توسعه‌ای است که به‌صورت روش دلفی انجام شد. در رویکرد دلفی با روشی سیستماتیک به‌منظور استخراج نظرات از طریق گروه متخصصان و خبرگان در مورد موضوع و سؤالات پژوهش تا زمان رسیدن به اجماع نظرات گروهی از طریق یک سری از راندهای پرسش‌نامه‌ای، بازخوردها و نظرات اعضای پانل صورت گرفت؛ درخواست قضاوت‌های حرفه‌ای از متخصصین همگن و مستقل در مورد موضوع پژوهش با استفاده از سؤالات تا زمان دستیابی به اجماع نظرات به‌صورت مداوم تکرار شد. در این پژوهش حجم نمونه تعداد ۲۰ نفر از نخبگان و صاحب‌نظران مربوطه بودند. همچنین از مطالعه اسناد و منابع هم استفاده شده است. تحلیل داده‌ها نیز بر اساس وقایع و پدیده‌های اجتماعی بر مبنای مطالعه منابع و اسناد

سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه آسیب‌های اجتماعی | ۱۵۷

جمع‌آوری شده صورت گرفت. برآیند پژوهش نشان داد که بر مبنای اصول سیاست‌گذاری اجتماعی، لازم است مجموعه اقدام‌هایی توسط دولت، سازمان و نهادهای مختلف برای مواجهه با مشکلات مختلف در زمینه سرمایه اجتماعی، در حوزه اقشار و گروه‌های آسیب‌پذیر در دستور کار قرار گیرد تا نقش تأثیرگذاری در ارتقای مشروعیت نظام سیاست‌گذاری اجتماعی فراهم سازد. سیاست‌گذارانی که ایده ارتقاء سرمایه اجتماعی را می‌پذیرند، تماماً بر این نکته توافق دارند که اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی، چالشی اساسی است. ارتباط بین سرمایه اجتماعی و به‌ویژه مؤلفه‌های آن اعتماد، اخلاقیات، آگاهی عمومی، مشارکت، انسجام اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارها، دین و ایدئولوژی، امنیت و تأثیر و تأثر آن بر جامعه مدنی و سیاست‌گذاری اجتماعی به گونه‌ای مستقیم و متقابل می‌باشد. در واقع، سرمایه اجتماعی عبارت است از ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی که می‌توانند حس همکاری و اطمینان را در میان افراد یک جامعه پدید آورند. در این میان نباید از نقش نهادهای مختلف و نیز نقش دولت و سیاست‌گذاران در گشودن چنین فضاهایی غافل شد. از این رو سرمایه اجتماعی یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های رشد و توسعه هر جامعه‌ای به شمار می‌آید. این مقاله به دنبال تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی و مقایسه آن با سایر سرمایه‌ها، اهمیت ابعاد و اجزاء سرمایه اجتماعی و سرمایه‌های دیگر را بیان می‌کند و سپس به رابطه سرمایه اجتماعی و سیاست‌گذاری می‌پردازد و چنین نتیجه‌گیری می‌شود که سیاست‌های ارتقاءدهنده سرمایه اجتماعی می‌توانند تأثیر مستقیمی در بهبود اجتماع داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری اجتماعی، سرمایه اجتماعی، حوزه اقشار و گروه‌های آسیب‌پذیر.

چالش‌های سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه کاهش مسائل خانواده‌های دارای فرزند معلول

عهدیه اسدپور؛ عضو گروه پژوهشی توانمندسازی خانواده‌های آسیب‌پذیر
جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبائی

چکیده

معلولیت، به‌عنوان آسیبی که یک یا بیش از یکی از فعالیت‌های عمده زندگی فرد را فارغ از جنسیت و سن محدود می‌کند، می‌تواند تأثیرات منفی بر خانواده و کارکردهای آن داشته باشد. این امر اتخاذ سیاست‌های متناسب جهت کاهش مشکلات این خانواده‌ها را نمایان می‌سازد. هدف اساسی این پژوهش شناسایی چالش‌های سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه کاهش مشکلات و مسائل خانواده‌های دارای فرزند معلول می‌باشد که در این راستا برنامه‌های اول تا ششم توسعه جمهوری اسلامی و نیز قانون حمایت از معلولین مورد کنکاش و واکاوی قرار گرفته‌اند. جهت دستیابی به هدف مذکور، از روش کیفی تحلیل گفتمان انتقادی استفاده شده است. یافته‌های تحقیق در دو بخش توصیف مواد مرتبط با معلولین و خانواده‌هایشان در متون موردبررسی و نیز تحلیل و شناسایی گفتمان‌های غالب در مواد مذکور ارائه شدند. براساس یافته‌های تحقیق باید گفت غالب سیاست‌گذاری‌ها در حوزه مذکور در قالب دو گفتمان اساسی (۱) گفتمان حمایت‌گرانه و (۲) گفتمان حاشیه‌ای و محدود قابل‌بحث هستند که با چالش‌های اساسی همچون عدم شمولیت، عدم شکل‌گیری معنای مشارکت گروه‌های ذی‌نفع در

سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه آسیب‌های اجتماعی | ۱۵۹

نظام گفتمانی، غلبه حمایت‌گری مالی-اقتصادی، غلبه رویکرد پزشکی-سلامت و... روبه‌روست که در دو سطح سیاست‌گذاری کلان و اجرایی قابل‌بحث هستند. بر اساس یافته‌های تحقیق باید گفت به‌دلیل چالش‌های موجود از یک‌سو و تعدد مسائل افراد دارای معلولیت و خانواده‌هایشان و عدم‌توجه کافی و رسیدگی‌های لازم به این مسائل، هنوز تغییرات قابل‌توجهی در زندگی افراد دارای معلولیت و خانواده‌هایشان ایجاد نشده که این امر لزوم توجه هرچه بیشتر به فرایند سیاست‌گذاری اجتماعی در ساخت مذکور را گوشزد می‌کند.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری، خانواده‌های توان‌یاب، تحلیل گفتمان انتقادی، سیاست‌های حمایت‌گرانه.

سیاست گذاری جمعیت

ارزیابی سیاست‌های جدید جمعیتی در ایران از منظر نظریه گذار جمعیتی

محمود مشفق؛ استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

ایران در طی نیم‌قرن گذشته تحولات جمعیتی وسیعی طی کرده است. در واکنش به این تغییر و تحولات جمعیتی، دولت به‌عنوان متولی اصلی امور جمعیتی کشور، سیاست‌های گوناگونی را اتخاذ کرده است. در دهه اخیر با توجه به روند کاهش میزان باروری کل، به زیر سطح جانشینی و نیز سال‌خوردگی جمعیت در دهه‌های آینده، اصول کلی سیاست‌های جمعیتی در دوره جدید در اردیبهشت سال ۱۳۹۳ توسط رهبر معظم انقلاب ابلاغ گردید. این سیاست ابعاد گوناگون جمعیت را پوشش می‌دهد. در ادامه تغییر نگرش به موضوع جمعیت در سال ۱۴۰۰ قانون «جوانی جمعیت و حمایت از خانواده» توسط مجلس شورای اسلامی تصویب گردید. هدف این مقاله ارزیابی محتوایی این قانون و وجوه مثبت و منفی آن است. در این مقاله با توجه به تجربه‌های بین‌المللی و اصول سیاست‌گذاری‌های جمعیتی، اثرات احتمالی این قانون بر تغییرات جمعیتی کشور به‌ویژه رشد جمعیت و باروری مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که با توجه به تحولات ساختاری به‌وجودآمده در کشور، میزان باروری کل، تغییرات قابل‌ملاحظه‌ای نخواهد کرد و روند کاهشی رشد جمعیت برای کوتاه‌مدت

سیاست‌گذاری جمعیت | ۱۶۳

متوقف می‌شود. با توجه به اینکه این در پایان گذار جمعیتی اول قرار گرفته است، در دو دهه آینده ایران با چالش‌های گذار دوم جمعیت‌شناختی روبه‌رو می‌شود. لذا اتخاذ سیاست‌های جمعیتی بایستی متناسب با وضعیت گذار جمعیتی و ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشور باشد.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌های جمعیتی، سیاست‌های ابلاغی، قانون جوانی جمعیت، خانواده.

پاسخ‌های سیاستی به باروری پایین: تجارب بین‌المللی و ظرفیت‌های بومی

احمد دراهکی؛ استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

حدود نیمی از جمعیت امروزی جهان در کشورهای زندگی می‌کنند که میزان باروری کل آن‌ها پایین‌تر از ۲/۱ برای هر زن می‌باشد. تغییر سیاست‌های جمعیتی و تدوین سیاست‌ها برای افزایش باروری پایین مختص جامعه ایران نیست و بر اساس شواهد بین‌المللی از سال ۱۹۸۶ تا ۲۰۱۵ تعداد دولت‌هایی که تمایل به افزایش باروری دارند و در این زمینه سیاست‌گذاری کرده‌اند از ۱۹ کشور به ۵۵ کشور در جهان افزایش یافته است. سیاست‌گذاری موفق در این زمینه از یک سو، نیازمند شناخت دقیق دلایل باروری پایین، ارزیابی و استفاده از تجارب موفق بین‌المللی و از سوی دیگر، تأکید بر ظرفیت‌های بومی است. در این راستا این مقاله با استفاده از روش اسنادی به مطالعه سیاست‌های جمعیتی کشورهای مختلف در پاسخ‌های سیاستی به باروری پایین مانند پوشش، دسترسی و هزینه‌های مراقبت از کودکان، سیستم‌های مرخصی والدینی، حمایت از تقسیم مرخصی والدینی در بین دو والد، مشوق‌های مالی و خدمات کمک‌باروری را بررسی و سپس میزان اثربخشی آن‌ها بر سطح (quantum) و زمان‌بندی (tempo) باروری را با استفاده از تحلیل تغییرات ایجادشده در میزان‌های باروری ارزیابی می‌کند. در نهایت، به ظرفیت‌های بومی کشور با توجه به نقش حمایت‌های غیررسمی مانند

سیاست‌گذاری جمعیت | ۱۶۵

نقش شبکه‌های اجتماعی توجه شده است. در مجموع، با توجه به نتایج مطالعه حاضر می‌توان گفت برنامه‌ها و اقدامات سیاستی منفرد و مجزا بعید است که بتوانند باروری را افزایش دهند. در مقابل، یک بسته جامع نامتناقض و سازگار با سیاست‌های خانواده، بازار کار و بهداشت مورد نیاز است. همچنین این سیاست‌ها باید منطبق با تغییرات جامعه جدید مانند تأخیر در ازدواج، تأخیر در والدین‌شدن، گسترش آموزش عالی و آمال و آرزوهای جدید شغلی و ... باشند. سیاست‌های جدید همچنین باید به بالاکلیفی‌ها و عدم قطعیت‌های جدید اقتصادی و بازار کار، و هزینه‌های تصاعدی مسکن پاسخ دهند. سیاست‌های باروری باید پاسخ‌گوی نیازهای مردم باشند. این سیاست‌ها همچنین باید با گذشت زمان نسبتاً ثابت و پایدار باقی بمانند. در کنار موارد گفته‌شده توجه به ظرفیت‌های بومی در حوزه حمایت‌های غیررسمی مانند شبکه‌های اجتماعی واقعی و سیاست‌گذاری در جهت حفظ و تقویت آن‌ها بسیار حائز اهمیت است؛ چیزی که در اکثر کشورهای مورد مطالعه در بررسی کم‌رنگ‌تر شده است. فرهنگ ایرانی اسلامی همواره بر تعامل بین افراد خانواده و حفظ پیوندهای اجتماعی تأکید دارد. حفظ و تقویت این فرهنگ نیکو علاوه بر پیامدهای مثبت اجتماعی و روان‌شناختی متعدد می‌تواند بر فرزندآوری نیز تأثیرگذار باشد.

کلیدواژه‌ها: باروری پایین، پاسخ‌های سیاستی، سیاست‌های دوست‌دار خانواده، شبکه‌های اجتماعی، ایران.

**سیاست‌های نوین جمعیتی در ایران؛ تأملی بر چالش‌ها و پیامدها
مطالعه موردی: تأثیر سیاست‌ها بر زنان کم‌برخوردار جنوب شهر تهران**

فروزنده جعفرزاده‌پور؛ عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
اجتماعی جهاد دانشگاهی

زهرا مختاری‌نیا؛ پژوهشگر گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد علوم و تحقیقات تهران

تهمینه شاوردی؛ پژوهشگر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
جهاد دانشگاهی

چکیده

جمعیت و نیروی انسانی یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های کشورهاست. به همین دلیل تغییرات جمعیت و پیامدهای آن بر ساختارهای مختلف یک جامعه بالاخص، ساختارهای اقتصادی به‌عنوان نیروی کار موردتوجه سیاست‌گذاران در اقصانقاط جهان و در کشور ماست. سیاست‌گذاران در تلاش برای افزایش نیروی انسانی به سیاست‌های افزایش جمعیت تأکید دارند؛ گرچه فقدان زیرساخت‌های مناسب اجتماعی، بهداشتی، آموزشی و اقتصادی در جامعه سبب می‌شود که نه‌تنها سیاست‌های افزایش جمعیت به اهداف تعیین‌شده نایل نشوند، بلکه پیامدهای این سیاست‌ها و قوانین، که بیش از کمیت بر کیفیت جمعیت تأثیرات بی‌بدیلی دارند، مضلات دیگری چون افزایش آسیب‌های اجتماعی را به همراه خواهد داشت. بنابراین ضروری است که سیاست‌گذاری‌ها با بررسی

سیاست‌گذاری جمعیت | ۱۶۷

پیامدهای اجتماعی انجام شود. هدف اصلی مطالعه حاضر بررسی پیامدهای سیاست‌های جمعیتی در ۴ دهه پس از انقلاب اسلامی و چالش‌های آن بر زنان متأهل طبقه کم‌برخوردار است. این مطالعه ضمن تحلیل سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با جمعیت در دوره موردنظر به بررسی پیامدهای اجرای سیاست‌های اخیر افزایش جمعیت توسط مراکز بهداشتی و آسیب‌های اجتماعی حاصل از آن در بین زنان متأهل در جنوب شهر تهران می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌های جمعیتی، افزایش جمعیت، زنان، پیامدهای سیاست، آسیب‌های اجتماعی.

ارزیابی پیشینی سیاست جوانی جمعیت و حمایت از خانواده و ارائه راهکارهای بهبود آن

محمد رضا یزدانی زازرانی؛ استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد خوراسگان اصفهان

ابوذر غفاری‌راد؛ دانشجوی دکترای سیاست‌گذاری عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده

سیاست‌های جمعیتی از جمله مهم‌ترین تدابیر بخش عمومی هستند که با تعیین محدوده فعالیت‌های حکومت در ارتباط با مسائل جمعیتی به شکل کلی و به‌ویژه تنظیم و کنترل آهنگ رشد آن، حفظ تعادل و پویایی ساختار کلی جمعیت یک کشور را دنبال می‌کنند. متأسفانه سیاست‌های تعدیل جمعیت در ایران که از اوایل دهه ۷۰ آغاز شد، بر خلاف هدف ذکر شده و علی‌رغم تأکیدات مقام‌معهظم‌رهبری و ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت، بر خلاف تعادل و پویایی منجر به کاهش شدید نرخ باروری و رشد منفی جمعیت شده است. یکی از راهکارهای سیاست‌گذاران در برخورد با این معضل در کنار شرایط اقتصادی و اجتماعی، شامل بحران‌های اقتصادی، عدم‌تمایل خانواده‌ها و جوانان به فرزندآوری و ازدواج، حرکت به سمت سیاست‌های تشویقی بوده است. در این راستا یکی از طرح‌های حمایتی، طرح «جوانی جمعیت و حمایت از خانواده» است. هم‌اکنون این طرح پس از تأیید شورای نگهبان و از تاریخ ۱۴۰۰/۸/۱۹ به مدت ۷ سال به شکل

سیاست‌گذاری جمعیت | ۱۶۹

آزمایشی در مرحله اجرا قرار گرفته است. این سیاست در مراحل ابتدایی اجرای خود قرار دارد و لذا پژوهش حاضر در قالب ارزیابی پیشینی و با رویکردی هنجاری با هدف کمک به بهبود روند اجرای سیاست موردنظر انجام می‌شود. سؤال اصلی پژوهش این است که موانع پیش روی اجرا و تحقق اهداف سیاست جوانی جمعیت و حمایت از خانواده چیست؟ این پژوهش با توجه به موضوع و هدف، با استفاده از روش دلفی انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مهم‌ترین موانع پیش روی این سیاست، موانع فرآیندی هستند.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری، سیاست جمعیتی، جوانی جمعیت، خانواده، روش دلفی.

سیاست‌گذاری اقوام و گروه‌های مهاجر

سیاست‌های قومیتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

محمد یزدانی نسب؛ عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

سیاست‌های قومیتی در کشورهای چندقومی، «ملت» و «شهروند» را تعریف کرده و بستر را برای سیاست‌گذاری قومیتی فراهم می‌کند. بر اساس درک گفتمان حاکم بر سپهر سیاسی است که می‌توان از سیاست‌گذاری نیز سخن گفت. به عبارت دیگر، قبل از سیاست‌گذاری در حوزه قومیت، ابتدا باید امکان منطقی یک سیاست را در نظر گرفت. در ادبیات نظری و الگوهای تجربی شاهد نوع‌بندی‌های مختلف از الگوهای سیاست‌های قومی هستیم. یکی از منابعی که الگوهای تجربی سیاست‌های قومی را می‌توان از آن استخراج کرد و همچنین نسبت آن را با مدل‌های نظری سنجید، قانون اساسی کشورهاست. هر چند معمولاً شکاف عمیقی بین سیاست‌های اعلام‌شده و آنچه در عمل پیاده می‌شود وجود دارد، قانون اساسی هر کشور منبع بسیار مهمی است برای فهم آنچه گفتمان رسمی انتظار دارد. در این مقاله سعی داریم با بازخوانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از منظر قومیتی، سیاست‌های قومیتی اعلامی را تجزیه و تحلیل کنیم و با الگوهای نظری مقایسه کنیم. در نهایت، تلاش خواهیم کرد بر اساس الگو یا الگوهای شناسایی‌شده، برخی مقدرات و محدودیت‌های سیاست‌گذاری قومیتی در

سیاست‌گذاری اقوام و گروه‌های مهاجر | ۱۷۳

ایران را مطرح کنیم. به همین منظور، از روش تحلیل محتوا استفاده خواهیم کرد و اصول قانون اساسی را که به مقوله قومیت مربوط هستند بازخوانی خواهیم کرد.

کلیدواژه‌ها: قومیت، سیاست‌های قومیتی، سیاست‌گذاری قومیتی، قانون اساسی، اقلیت‌های قومی و مذهبی.

آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری و حکمرانی جمهوری اسلامی ایران در حوزه مهاجرت‌های بین‌المللی

سعیده سعیدی؛ استادیار مردم‌شناسی موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

چکیده

در نیم‌قرن گذشته جمهوری اسلامی ایران به دلیل قرارگرفتن در یکی از فعال‌ترین زیست‌بوم‌های مهاجرتی در جهان، ارتباطی وثیق و مداوم با ابعاد مختلف تحرک مکانی افراد به / از کشور داشته که نیازمند تدوین سیاست‌های جامع و درازمدت در این حوزه بوده است. حضور میلیونی اتباع غیرایرانی در کشور از یک‌سو و شکل‌گیری دیاسپورای چندمیلیونی ایرانیان در خارج از مرزهای ملی از سوی دیگر، فرصت‌ها و تهدیدهای متعددی را برای کشور به همراه داشته است. پرسش بنیادین مقاله پیش رو این است که بعد از انقلاب اسلامی مواجهه دستگاه‌های سیاست‌گذار با موضوع مهاجرت‌های بین‌المللی چه بوده است و راه برون‌رفت از این وضعیت آنومیک چیست؟ داده‌های این پژوهش بر اساس مصاحبه متخصّصان با نهادهای تصمیم‌گیر در حوزه مهاجرت، پانل خبرگان، مطالعه اسنادی (همچون کنوانسیون‌ها، قوانین و رویه‌های مهاجرتی) و تحلیل محتوای سیاست‌های اعلامی دولت ایران در حوزه مهاجرت به‌دست آمده است. به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم اینکه از همان سال‌های ابتدایی شکل‌گیری خود مواجهه مستقیمی با موضوع مهاجرت، چه در قالب موج اول آوارگی اتباع افغانستانی

سیاست‌گذاری اقوام و گروه‌های مهاجر | ۱۷۵

از مرزهای شرقی بعد از اشغال این کشور توسط شوروی و چه در قالب موج گستردهٔ خروج اتباع ایرانی از کشور، داشته است، سیاست مشخص و جامعی دربارهٔ دامنۀ این تحرک مکانی نداشته است.

کلیدواژه‌ها: مهاجرت، دیاسپورای ایرانی، اتباع غیرایرانی، حکمرانی.

سیاست‌های مهاجرپذیری در ایران پس‌انقلابی (مورد مهاجران افغانستانی)

حسین میرزائی؛ عضو هیئت علمی گروه مطالعات فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

افغانستانی‌ها از دیرباز، قبل و بعد از جدایی سیاسی از ایران، به دلایل گوناگون از جمله اشتراکات زبانی و تاریخی، همچنین مهاجرت‌های اقتصادی فصلی، جنگ و ناامنی به ایران رفت‌وآمد می‌کردند. به دلیل فراوانی مهاجرت‌های غیرقانونی و عدم سازمان‌دهی مناسب دولتی، هیچ‌گاه آمار دقیق و روشنی از این مهاجران در ایران وجود نداشته است. از خلال پژوهش‌های میدانی ۱۶ ساله نویسنده در حوزه مهاجران افغانستانی و مطالعه اسناد حاکمیتی ملاحظه می‌شود که سیاست‌های مهاجرتی در ایران پس‌انقلابی، از «درهای کاملاً باز» تا «درهای بسته»، همواره در نوسان بوده است. این سیاست‌ها را می‌توان از خلال تغییرات واژگان خطابی دولت ایران در طول زمان نسبت به افغانستانی‌ها مشاهده کرد: «برادران»، «پناهندگان»، «مهاجران» و «مهاجران اقتصادی» و «مهمانان»! به عبارت دیگر از آغوش باز تا اخراج. همچنین در کنار تحولات سیاست‌های مهاجرتی ایران، تحولات فرهنگی، اجتماعی و هویتی جامعه مهاجر افغانستانی را شاهد هستیم که در کنار مسائل اقتصادی و معیشتی، از اصلی‌ترین دلایل تداوم حضور مهاجران افغانستانی در ایران به شمار می‌آیند. به دلایل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، به نظر می‌رسد که سیاست‌های مهاجرتی ایران در برابر مهاجران افغانستانی

سیاست‌گذاری اقوام و گروه‌های مهاجر | ۱۷۷

بنا بر واقعیت‌های موجود می‌بایست از حالت بی‌ثبات و دوره‌ای به یک سیاست پایدار و عقلایی تبدیل شود. این امر محقق نمی‌شود مگر آنکه نهادهای سیاست‌گذار از داده‌های میدانی پژوهشگران دربارهٔ حضور افغانستانی‌ها در ایران به‌طور عملی در جهت سیاست‌گذاری استفاده کنند. این پژوهش با بررسی اسناد بالادستی، مصاحبه با متخصصان حوزهٔ مهاجرت و همچنین مصاحبه‌های فردی با مهاجران افغانستانی تدوین و تکمیل خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌های مهاجرتی، افغانستان، ایران، پناهندگان، مهاجران.

چالش‌ها و گزینه‌های سیاستی پیش روی ایران در دوران مهاجرت عام اجتماعی

بهرام صلواتی سرچشمه؛ عضو پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف
و مدیر رصدخانه مهاجرت ایران

چکیده

با تکمیل و پیوستگی حلقه‌های زنجیره مهاجرت، جامعه آمادۀ ورود به فاز مهاجرت عام یا مهاجرت توده‌وار خواهد بود که برای هر جامعه‌ای می‌تواند بسیار مخرب باشد. نتایج مطالعات و تجربیات جهانی حاکی از آن است که مهاجرت عام زمانی که کنترل نشده باشد، واجد مشکلات جدی برای جامعه خواهد بود. جامعه ایران در حال حاضر در وضعیت خاص پیوند کلیۀ حلقه‌های بازخوردی زنجیرۀ مهاجرت (خرد و کلان) قرار گرفته است. چنانچه کشور بخواند در مسیر عبور کم‌هزینه از نقطۀ اوج مهاجرت عام گام بردارد، باید سریع‌تر در شکل‌دادن ارکان نظام سیاست‌گذاری مهاجرت کشور اقدام نماید. این ضرورت در دوران مواجهه با حلقه‌های به‌هم‌پیوستۀ مهاجرتی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است؛ زیرا در اثر پیوستن این حلقه‌ها، کشور ممکن است در نقطۀ تعادل اجتماعی رفتن قرار گیرد. توقف طولانی‌تر در این نقطه، با توجه به شرایط مدیریتی کشور، علاوه بر اینکه اثرات اقتصادی و اجتماعی مخرب مضاعفی را در پی خواهد داشت، گذر از این شرایط و بازگشت مجدد به نقطۀ تعادل اجتماعی ماندگاری، نیازمند زمان طولانی و هزینه‌های گزاف‌تری خواهد بود. بر همین اساس این مقاله با

سیاست‌گذاری اقوام و گروه‌های مهاجر | ۱۷۹

اتکا بر نتایج پیمایش‌های اجتماعی صورت‌گرفته در رصدخانه مهاجرت ایران در تلاش است تا گزینه‌های سیاستی پیش‌روی ایران برای گذار از دوران مهاجرت عام را ارائه و پیشنهاد دهد. با توجه به فقر مطالعات مهاجرتی در کشور به‌ویژه در حوزه سیاست‌گذاری، این مقاله خلاء ادبیاتی و عملیاتی این حوزه را پوشش می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: مهاجرت عام، حلقه‌های زنجیره مهاجرت، سیاست‌گذاری مهاجرت، تعادل اجتماعی ماندگاری، تعادل اجتماعی رفتن.

الگویی برای سیاست‌گذاری اجتماعی در گروه‌های مهاجر (با تأکید بر گروه‌های آذری‌زبان مهاجر در یزد)

منوچهر علی‌نژاد؛ عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد

چکیده

سیاست‌گذاری در ارتباط با گروه‌های قومی و مهاجر که اغلب کارگری و پیمانکاری هستند، می‌تواند به سامان‌دهی اجتماعی این گروه‌ها و شناسایی ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی درون گروهی آن‌ها کمک کند. هدف این جستار تأملی بر رفتارهای اجتماعی و فرهنگی آذری‌زبان‌های مقیم یزد و ترسیم یک الگوی بومی مبتنی بر سیاست‌گذاری اجتماعی پویا و فعال است که این گروه‌ها به‌طور خودجوش، قصدنشد، اما تأثیرگذار اتخاذ کرده و توانسته‌اند بر محدودیت‌های حاکم بر شرایط پس از مهاجرت در یزد فائق آیند. روش، کیفی و از طریق مصاحبه و به شیوه نمونه هدفمند بوده که با تعدادی از آذری‌زبان‌های ساکن در یزد انجام شده است. نتایج در این تحقیق نشان‌دهنده وجود پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های مناسب برای ترسیم الگویی برای سیاست‌گذاری اجتماعی و فرهنگی در این گروه‌هاست که می‌توان از طریق مطالعه این ظرفیت‌ها، به یک سازوکار خودکنترلی پویا در سیاست‌گذاری اجتماعی دست یافت. در واقع، گروه‌های مهاجر آذری‌زبان در یزد با پیشینه بیش از ۴ دهه حضور در یزد از طریق ایجاد انجمن‌های زادگاهی، مسجد و حسینیه و شبکه ارتباطی فامیلی در شهر یزد به شیوه نسبتاً مطلوب توانسته‌اند در ارتباط با مسائل کسب‌وکار، فعالیت‌های مذهبی و فراغتی، برنامه‌های

سیاست‌گذاری اقوام و گروه‌های مهاجر | ۱۸۱

دوره‌می، جلسات فرهنگی و مذهبی به تقویت و سامان‌دهی درون‌گروهی خود بپردازند. این گروه با وجود چالش‌های عدیده توانسته‌اند از طریق تمرکز در محلات مسکونی مشخص در یزد به شیوه‌ای عمل کنند که می‌تواند آن را یک الگوی خودبسنده و تأثیرگذار در سیاست‌گذاری اجتماعی گروه‌های اجتماعی مهاجر دانست.

کلیدواژه‌ها: الگوی بومی، آذری‌زبان‌ها، یزد، سیاست‌گذاری اجتماعی.

روایت پژوهی در سیاست‌های آموزشی مهاجران در ایران: مسئله شهریّه دانشجویان روزانه مهاجر

حمزه حاجی عباسی؛ پژوهشگر برنامه آفاق

امیرحسین چیت‌ساززاده؛ مدیر برنامه آفاق

چکیده

با وجود اینکه ایران، به‌عنوان کشوری مهاجرپذیر شناخته می‌شود، سیاست‌های مربوط به مهاجران از بلوغ و پختگی کافی برخوردار نیستند. مطالعه سیاست‌های آموزشی مهاجران، از آن جهت اهمیت دارد که جامعه هدف این سیاست‌ها قشر تحصیل کرده و نخبه مهاجران هستند و رفع مسائل و مشکلات آن‌ها می‌تواند علاوه بر اینکه منافع زیادی برای جامعه مهاجران داشته باشد، برای جامعه ایران نیز مزایای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در پی دارد. در چهل سال اخیر برخی از سیاست‌های آموزشی در قبال مهاجران، نه تنها اهداف سیاست‌گذار را تأمین نکرده‌اند، بلکه زندگی مهاجران تحصیل کرده را با مشکلات و مسائلی روبه‌رو کرده و مانع شکوفاشدن این استعدادها شده است. یکی از این سیاست‌ها، «دریافت شهریّه از دانشجویان روزانه مهاجر» است. به‌دلیل خوانش‌های متفاوت و متضادی که از دلایل، چرایی و اهداف این سیاست، بین ذی‌نفعان آن وجود دارد، یک «موقعیت مسئله‌زا» ایجاد کرده است. در این مقاله که با هدف سیاست‌پژوهی نقادانه و مبتنی بر دیدگاه ذی‌نفعان، با استفاده از روش

سیاست‌گذاری اقوام و گروه‌های مهاجر | ۱۸۳

«روایت پژوهی مسئله‌محور» انجام شده است، از طریق مصاحبه و گفت‌وگو با ذی‌نفعان گوناگون و شنیدن داستان‌های مختلف آن‌ها و بررسی اسناد، مدارک و دستورالعمل‌ها، لایه‌های پنهان این سیاست، که ریشه در نگاه یکسان نسبت به همه مهاجران دارد، آشکار می‌گردد و روایتی باورپذیر، جامع و مبتنی بر شواهد، از اهداف، نتایج و اثرات آن ارائه می‌شود. در انتهای مقاله نیز رویکردهای جدید جهانی به سیاست‌های آموزشی مهاجرت معرفی شده و مثال‌هایی ذکر می‌شود و پیشنهادهای سیاستی جهت هرچه‌بهبودن زیست مهاجران نخبه در ایران ارائه می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: سیاست آموزشی، شهریه دانشجویان مهاجر، نخبگان مهاجر، روایت پژوهی، سیاست پژوهی.

بررسی جامعه‌شناختی ادغام فرهنگی و اجتماعی مهاجران در ایران (با تأکید بر چالش‌ها و راهکارها)

سید محمد فیروزی؛ عضو هیئت علمی دانشگاه بغلان افغانستان
و دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

چکیده

جمهوری اسلامی ایران، در حالی میزبان میلیون‌ها مهاجر بین‌المللی است که تعاملات ضعیف و نگرش‌های منفی متقابل میان جامعه میزبان و این مهاجران واقعیت غیرقابل انکار دانسته می‌شود. عدم انطباق مهاجران در جامعه مقصد و ناسازگاری‌های فرهنگی و اجتماعی مهاجران و میزبانان، ابعاد و صورت‌های مختلف دارد. مصادیق ناسازگاری و ناکامی در انطباق مهاجران را در درگیرهای گروهی و خیابانی که مواردی در ایران نیز گزارش شده است تا حفظ فرهنگ آبائی توسط مهاجران، حاشیه‌نشینی، عدم تعلق و وفاداری به جامعه میزبان، عدم درک و رعایت ارزش‌ها و قوانین جامعه میزبان و نیز عدم پذیرش توسط جامعه میزبان که توأمان با نگرش‌های منفی و برچسب‌زنی‌های سیاه‌کننده می‌باشد، قابل شناسایی و بررسی دانسته‌اند. هدف این مقاله، بررسی فرایند ادغام مهاجران در جامعه ایران، بررسی تجارب بین‌المللی از فرایند ادغام مهاجران و بررسی نظریات جامعه‌شناسان پیرامون تعامل مهاجران و جامعه میزبان است. این پژوهش، از نظر هدف کاربردی و از لحاظ منابع اسنادی بوده که به صورت توصیفی-تحلیلی به مسئله می‌پردازد. جامعه آماری این پژوهش، نظریات جدید در حوزه مهاجرت

سیاست‌گذاری اقوام و گروه‌های مهاجر | ۱۸۵

و انطباق مهاجران و پژوهش‌های مرتبط با فرایند ادغام فرهنگی و اجتماعی مهاجران در جامعه ایران است که نمونه‌گیری آن به شکل جست‌وجو در فهرست مطالب، تعیین واژگان کلیدی و مشورت با متخصصان بوده است. جمع‌آوری داده‌ها با فیش‌برداری و تحلیل داده‌ها به شکل دسته‌بندی در مفاهیم کلیدی و سپس تعیین مقولات و در نهایت، هسته اصلی تعیین شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که، فرایند ادغام اجتماعی و فرهنگی مهاجران بین‌المللی و مخصوصاً مهاجران افغانستانی در این کشور با چالش‌ها و کاستی‌های جدی و مخصوصاً در حوزه سیاست‌گذاری مواجهه بوده است و این چالش‌ها به ناساگاری و تعاملات ضعیف بین دو جامعه میزبان و مهاجر و نیز به افزایش آسیب‌های اجتماعی دامن می‌زند. همچنین، تجارب جهانی و نظریات جامعه‌شناسان نشان می‌دهد که فقدان راهبردها در ادغام مهاجران، با افزایش تنش‌ها و افزایش آسیب‌های اجتماعی رابطه دارد و برای پیشگیری از این آسیب‌ها، سیاست‌گذاری‌های مشخص از جمله بازبینی و تعدیل در قوانین و آیین‌نامه‌های مهاجرتی، طرح و اجرای راهبردهای فرهنگی و رسانه‌ای، وارد کردن ادبیات مهاجرت در نظام آموزشی، جلوگیری از شکاف‌های فضایی و فاصله‌های اجتماعی مهاجران با جامعه میزبان و جلوگیری از نفرت‌پراکنی‌ها و پروپاگاندهای بنگاه‌هایی که در صدد ایران‌هراسی و مهاجرهراسی هستند، ضروری دانسته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ادغام فرهنگی و اجتماعی، مهاجران، سیاست‌گذاری، آسیب‌های اجتماعی، ایران.

سیاست گذاری زنان و خانواده

بررسی موانع و مشوق‌های کارآفرینی زنان در ایران با تأکید بر فراترکیب پژوهش‌های یک دهه اخیر (۱۴۰۰-۱۳۹۰)

حمیده دباغی؛ عضو هیئت علمی گروه مطالعات زنان دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

فقر زنان، در دهه‌های اخیر جامعه جهانی را نیز با نگرانی مواجه ساخته تا آنجا که در توافقی‌نامه‌ها و اسناد بین‌المللی توسعه‌ای، به این ضرورت و رفع آن توجه داشته باشند؛ به‌طور مثال در اهداف اول، چهارم و پنجم سند توسعه ۲۰۳۰ یونسکو و سند توسعه پایدار (SDGs) ذیل هدف ریشه‌کن کردن فقر و توانمند کردن زنان و دختران. کارآفرینی به‌عنوان یک استراتژی برای فقرزدایی، معادل با ایجاد اشتغالی جدید با تغییر منابع و رویکردهای موجود، ارزش و سود افزوده است. بر اساس گزارش دیده‌بان جهانی کارآفرینی (۲۰۱۸)، ایران دارای رتبه ۷۲ در میان ۱۳۷ کشور است. اما سؤال مهمی که مطرح می‌شود آن است که وضعیت کارآفرینی زنان در ایران چگونه است؟ موانع شکل‌گیری کارآفرینی زنان و مشوق‌های توسعه آن چیست؟ برای پاسخ به این سؤالات از روش تحقیق فراترکیب استفاده خواهد شد. ابتدا با استفاده از منطق مرور سیستماتیک، مقالات و پایان‌نامه‌های کیفی مرتبط با سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ با استفاده از ضوابط روش‌شناختی که در سایت‌های داخلی مقالات علمی SID، پرتال جامع علوم انسانی و ایرانداک نمایه شده‌اند، انتخاب شد. سپس با کاربرد تکنیک تحلیل مضمون، مسائل، چالش‌ها و مشوق‌های توسعه کارآفرینی زنان از یافته‌های مقالات و پایان‌نامه‌های منتخب، استخراج گردید. همچنین به‌منظور کدگذاری و ارائه تم‌های اصلی و فرعی از نرم‌افزار کیفی مکس کیودای ورژن ۲۰۱۸ استفاده شد.

کلیدواژه‌ها: زنان، کارآفرینی، فراترکیب، مشوق‌ها و موانع توسعه.

دگردیسی در ساختار خانواده و خلاء سیاست‌گذارانه در مواجهه با الگوهای نوظهور

ابوذر قاسمی نژاد؛ دکترای رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

امروزه دولت‌ها سعی دارند به طرق مختلف به خانواده‌ها کمک‌هزینه‌های مختلف رفاهی ارائه کنند. در کشور ما نیز سیاست‌های خانواده توسط دولت‌های مختلف دنبال شده است، اما این سیاست‌ها با دال مرکزی مرد-زن تعریف شده‌اند که مرد را نان‌آور و زن را فرزندآور و مراقب تعریف کرده‌اند. به همین دلیل در برابر تحولات ساختاری ناشی از تک‌والدی، مرد نان‌آور/زن نان‌آور، مراقب مشترک و نیز خانوارهای مجرد (پسران و دخترانی که به‌صورت قطعی در وضعیت مجردی جدا از خانواده زندگی می‌کنند) با خلاء سیاست‌گذارانه روبه‌رو شده است. لذا، این مطالعه با هدف بررسی تحولات ساختاری خانواده و چگونگی خلاء سیاست‌گذارانه در مواجهه با الگوهای نوظهور انجام گرفته است. این مطالعه به روش کیفی انجام شده و جامعه مورد مطالعه کلیه متخصصان حوزه خانواده بودند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه عمیق فردی بود. حجم نمونه نیز بر اساس اشباع نظری و با انجام ۱۵ مصاحبه فردی با متخصصان به پایان رسید. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ساختار خانواده بر اساس نوعی الگوی رفاهی محافظه‌کارانه تعریف شده است و اجازه نمی‌دهد که در سیاست‌گذاری‌ها، ناهمگونی‌های موجود در

۱۹۰ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

ساختار خانواده بازنمایی و پذیرفته شود. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که باید در سیاست‌های خانواده، مراقبت از اعضای ناتوان (کودکان و سالمندان)، وظایف کار / خانه زنان، الگوی نان‌آوری و مجرد قطعی در نظر گرفته شود تا ضمن حفظ برابری و انسجام خانواده، تحولات نوظهور نادیده گرفته نشود.

کلیدواژه‌ها: ساختار خانواده، خلاء سیاست‌گذارانه، کار / خانه، مراقبت، نان‌آوری.

سیاست خانواده در ایران و ایدئولوژی مادری

فاطمه موسوی ویاپه؛ دکترای جامعه‌شناسی بررسی مسائل اجتماعی ایران
دانشگاه کاشان

چکیده

سیاست خانواده تأثیر سیاست اجتماعی و اقدامات دولت را بر خانواده بررسی می‌کند. سیاست خانواده نیز مانند سیاست اجتماعی مبتنی بر نوعی جهان‌بینی و ایدئولوژی است. در این تحقیق، با هدف آشکار ساختن مختصات سیاست خانواده در ایران، اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران شامل هشت سند با رویکرد توصیفی - تحلیلی و روش تحلیل مضمون بررسی شد. فهرست اسناد مورد مطالعه (قوانین و سیاست‌ها) در این تحقیق به ترتیب تاریخ تصویب عبارت‌اند از: سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۱)؛ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳)؛ اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن (۱۳۸۴)؛ تسهیل ازدواج جوانان (۱۳۸۴)؛ قانون حمایت خانواده (۱۳۹۲)، سیاست‌های کلی جمعیت (۱۳۹۳)، سیاست‌های کلی خانواده (۱۳۹۵) و قانون جوانی جمعیت (۱۴۰۰). نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مضامین اصلی سیاست خانواده در ایران با هدف‌گذاری افزایش جمعیت عبارت‌اند از: تأکید بر ازدواج و لزوم تشکیل خانواده، پایداری خانواده، نابرابری نقش‌های جنسیتی و تقسیم کار جنسی در خانواده، تأکید بر فرزندآوری و تربیت فرزندان به‌عنوان مهم‌ترین کارکرد خانواده. تأکید بر وظیفه مادری و فرزندآوری زنان این گمان

۱۹۲ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

را به وجود می‌آورد که ایدئولوژی مادری (مامیسم) که در دهه شصت در آمریکا ترویج می‌شد، در ایران نیز به‌طور ضمنی پذیرفته شده است؛ اما تفاوت‌های اساسی نیز وجود دارد. در اسناد سیاستی کشورمان خانواده به‌عنوان حوزه خصوصی محسوب شده و دخالت دولت در روابط خانوادگی محدود است و خشونت خانگی و حقوق کودک موردتوجه جدی قرار ندارند. با این حال، قانون جوانی جمعیت، با دخالت در این حوزه خصوصی، حق زوجین برای کنترل فرزندآوری را نقض می‌کند. در مجموع، سیاست خانواده در ایران بازتولید خانواده سنتی است؛ هرچند این سیاست یکدست نیست و مواردی از تناقض و آشفتگی پارادایمی دیده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سیاست خانواده، اسناد بالادستی، اشتغال زنان، افزایش جمعیت، ایدئولوژی مادری.

نقدی بر سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در حوزه خانواده

صمد عدلی‌پور؛ دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز

چکیده

نهاد خانواده همواره نقشی مهم و پررنگ در شکل‌گیری و گسترش فرهنگ و تمدن جوامع داشته است و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و پابرجاترین نهادهای اجتماعی همواره وجود داشته و ایفای نقش کرده است. این نهاد در هر جامعه‌ای متأثر از تاریخ و فرهنگ اجتماعی آن جامعه است و تحت‌تأثیر پویایی‌های درونی خود و پدیده‌ها و شرایط اجتماعی بیرونی قرار دارد. ورود مدرنیته و امواج جهانی‌شدن به ایران در طی دهه‌های اخیر منجر به تغییر و تحولاتی در نظام خانواده شده است. در همین راستا، پس از انقلاب اسلامی ایران، از سوی دولت، سیاست‌ها و برنامه‌هایی در راستای حمایت از خانواده در مقابل این دگرگونی‌ها صورت گرفته است. لذا، هدف پژوهش حاضر مطالعه انتقادی سیاست‌های اتخاذشده در حوزه خانواده پس از انقلاب اسلامی ایران با بهره‌گیری از روش اسنادی است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که سیاست‌های اتخاذشده از سوی دولت‌ها پس از انقلاب نتوانسته‌اند آسیب‌ها و چالش‌های خانواده را رفع کنند. این سیاست‌ها با مشکلاتی همچون فراگیرنبودن سیاست خانواده در ایران، عدم‌وجود رویکرد سلامت‌نگر به رفاه خانواده، گرایش به حقوقی‌کردن نهاد خانواده، گرایش به اداری یا بوروکراتیزه‌کردن نهاد خانواده، غیراجتماعی و غیرفرهنگی‌نمودن

۱۹۴ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

نهاد خانواده و ازدواج، عدم‌وجود بینش جامعه‌شناختی در این سیاست‌ها، تمایل به استانداردسازی خانواده‌ها، تقلیل فضای معنایی و مفهومی خانواده به تأمین نیازهای جنسی، مواجه هستند. در انتها نیز راهکارهایی چند برای بهبود سیاست‌گذاری در حوزه خانواده پیشنهاد شده است.

کلیدواژه‌ها: خانواده، سیاست‌گذاری اجتماعی، سیاست‌گذاری خانواده.

تحولات مضمونی سیاست خانواده در قوانین برنامه‌های شش‌گانه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

آسیه ارحامی؛ دانشجوی دکترای رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

جمهوری اسلامی ایران خانواده را واحد بنیادین جامعه و نهادی مقدس می‌داند و به همین لحاظ می‌کوشد سیاست‌های متنوعی را در راستای حمایت از آن وضع کند. یکی از مهم‌ترین اسنادی که سیاست خانواده، تغییرات حاکم بر نوع نگاه به خانواده، جایگاه و کارکردهای آن را ارزیابی کرد، برنامه‌های پنج‌ساله توسعه هستند. در این مقاله تلاش شده تا از طریق مرور نظام‌مند برنامه‌های شش‌گانه توسعه، مضامین اصلی برنامه‌های مختلف در رابطه با سیاست خانواده مورد توصیف و تحلیل قرار گیرد. بررسی برنامه‌های شش‌گانه توسعه نشان می‌دهد اصلی‌ترین مضمون سیاست خانواده در ایران پایداری خانواده است. مبتنی بر گونه‌شناسی افینگر از روابط جنسیتی در خانواده، الگوی سیاستی خانواده در ایران در تمامی قوانین برنامه‌های توسعه به‌استثنای برنامه چهارم توسعه «مرد نان‌آور / زن مراقبتگر (خانه‌دار)» است. انفکاک زن از خانواده مضمونی است که به‌نوعی می‌توان ردپای مشترک آن را در حداقل دو برنامه سوم و چهارم مشاهده کرد. در بحث حمایت از زنان سرپرست خانوار اگرچه از برنامه اول تا سوم توسعه نگاه منفعلانه در این حوزه غالب بوده، از برنامه چهارم شاهد تغییر رویکرد قانون‌گذار به موضوع زنان

۱۹۶ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

سرپرست خانوار و عاملیت بخشی به آن‌ها در قالب توانمندسازی هستیم. تحلیل اسناد برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد در این برنامه‌ها سیاست‌هایی چون حمایت از سالمندان، کودکان، روابط بین زوجین و تربیت فرزندان، رفع دوگانگی کار و خانواده نادیده گرفته شده است.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌های توسعه، سیاست خانواده، پایداری خانواده، زنان سرپرست خانوار، تحلیل مضمون.

سیاست‌گذاری اجتماعی و محیط‌زیست

الزامات گذار از شرایط بحرانی آب: سیاست‌گذاری اجتماعی آب

احمد محمدی؛ دانشجوی دکتری دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

جعفر هزارجریبی؛ استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

وضعیت آب در ایران بحرانی است. علت را باید در نوع نگاه مدیریت و مدیریت منابع آب دید. ایرانیان در طول تاریخ با آگاهی از کمبود آب آن را با روش‌هایی کارآمد تدبیر کرده بودند. اما در عصر جدید نگاه و روش‌های گذشتگان کنار گذاشته شد. با تشکیل دولت مرکزی و ملی‌شدن منابع آب و مدیریت آن نگاه مهندسی و استفاده از روش‌های فنی غالب و برآوردن همه تقاضاها به‌هرشکل وظیفه دولت تلقی شد. تلاش برای پاسخ‌گویی به تقاضای فزاینده جمعیت در حال افزایش، صنایع آب‌بر، کشاورزی واپس‌مانده و... با استفاده از فناوری‌های وارداتی این شرایط را تشدید کرد. نگاه فنی به مدیریت آب با تقلیل مسئله پیچیده و در عوض، ساده‌تصورکردن آن به نادیده‌گرفتن پیچیدگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن منجر می‌شود. آب کارکردهای متعدد دارد و چندوجهی است؛ به بخش‌ها، جوامع و گروه‌های مختلف تعلق دارد و بر هرکدام تأثیر می‌گذارد و تأثیر می‌پذیرد؛ لذا برخلاف تصور، پیچیده است. تداوم نگاه و روش‌های گذشته نه تنها به حل مسئله کمک نمی‌کند، بلکه دیگر امکان‌پذیر نیست. ما چاره‌ای جز

سیاست‌گذاری اجتماعی و محیط‌زیست | ۱۹۹

در نظر گرفتن کلیت و پیچیدگی آب (به عنوان بخشی از نظام پیچیده محیط زیست) نداریم. «سیاست اجتماعی» کوشش جمعی برای حل مسئله اجتماعی و «سیاست اجتماعی آب» به معنی تصمیم‌گیری جمعی برای فراهم آوردن زمینه پایدار مدیریت، تخصیص و استفاده همه بخش‌ها و گروه‌های ذی‌نفع از آب است. با استفاده از روش اسنادی و تحلیل قوانین و مقررات موجود در حوزه آب و همچنین فراتحلیل سعی می‌کنیم نشان دهیم که عامل شرایط فعلی آب صرفاً طبیعی و حتی اقتصادی نیست، بلکه درهم‌تنیدگی عوامل طبیعی-اقتصادی و اجتماعی است. لذا گذار از این شرایط نیز راه‌حل ساده‌ای ندارد، بلکه راه‌حل‌های پیچیده لازم است که در چارچوب سیاست اجتماعی آب ارائه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مدیریت، بحران آب، گذار از بحران.

۲۰۰ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

اسناد بالادستی، مبنایی برای سیاست‌گذاری فرهنگی شهروندی زیست‌محیطی

عیسی عابدینی؛ عضو شورای علمی گروه جامعه‌شناسی توسعه
پژوهشکده توسعه و برنامه‌ریزی

ابراهیم ایران نژاد؛ استادیار و مدیر گروه پژوهشی جامعه‌شناسی توسعه
پژوهشکده توسعه و برنامه‌ریزی

مهدی آقاپور؛ دکترای معارف اسلامی و مدرس گروه معارف دانشگاه پیام نور

چکیده

ظهور شهروندی زیست‌محیطی، به‌عنوان یک مفهوم مهم در سیاست‌های زیست‌محیطی، از اهداف مهم توسعه انسانی و حفاظت از محیط‌زیست برخوردار گردید و این مسئله قابل‌توجه سیاست‌گذاران فرهنگی، زیست‌محیطی و نیز برنامه‌ریزان، محققان و دانشمندان رشته‌های مختلف علوم اجتماعی بوده و هست. روش تحقیق اسنادی بوده و اسناد مورد مطالعه، اسناد بالادستی می‌باشند. بر اساس نتایج حاصله، دولت و مجلس برای حفظ طبیعت عزم خود را جزم کرده، حجم وسیعی از قوانین در این باره تصویب شده است. اما این کارها برای جلوگیری از تخریب بی‌رویه محیط‌زیست کافی نبوده‌اند؛ زیرا علاوه بر وجود قوانین و مقررات کارآمد، نیازمند متولیان محیط‌زیست (سازمان حفاظت محیط‌زیست)، فرهنگ‌سازی و اقدامات در اجرایی کردن برنامه و سیاست‌هاست؛ به گونه‌ای که هر شخص خود را ملتزم به حفظ محیط‌زیست

سیاست‌گذاری اجتماعی و محیط‌زیست | ۲۰۱

بداند و به آن‌ها برای فعالیتهای آموزشی، اجتماعی و فرهنگی آزادی عمل داده شود. هنوز هم در مجموع باید گفت وضعیت زیست‌محیطی در کل دنیا و از جمله کشور ما چندان امیدبخش نیست. به نظر می‌رسد که در کنار آن تصویب قوانین بازدارنده و کارآمد و مهم‌تر از آن، اجرای جدی آن‌ها با عوامل و ابعاد شهروندی زیست‌محیطی‌ای چون آگاهی، نگرش، رفتار، مصرف مسئولانه و پایدار، نگرانی و اخلاق زیست‌محیطی عجین شده‌اند و بایستی در جهت حفاظت بهتر از محیط‌زیست در مورد نقش هر یک از عوامل مذکور و اینکه چرا با این همه قوانین و مقررات، هنوز راه درازی برای حفاظت از محیط‌زیست داریم، بیشتر تحقیق و تفحص کرد. در واقع تا شکل‌گیری شهروندی زیست‌محیطی آرمانی خیلی فاصله داریم.

کلیدواژه‌ها: اسناد بالادستی، محیط‌زیست، سیاست‌گذاری فرهنگی، شهروندی زیست‌محیطی، قوانین و مقررات.

ارزیابی ابزارهای سیاست‌گذاری زمین در راستای آزادسازی حریم ساحل دریای کاسپین

مأنده هدایتی‌فرد؛ استادیار گروه برنامه‌ریزی اجتماعی، شهری و منطقه‌ای
دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

سیاست‌گذاری زمین، مجموعه‌ای پیچیده از تجویزهای نهادی و اقتصادی-اجتماعی است که در جهت برقراری توازن میان بهره‌برداری و نگهداشت زمین، به‌ویژه زمین‌های باارزش محیط‌زیستی در دستورکار دولت‌ها قرار می‌گیرد. از آنجا که چارچوب سیاست‌گذاری زمین، به‌عنوان امری سیاسی، متأثر از رویکرد حکمروایی شهری به مقوله زمین است، این امر می‌تواند بازتاب شدت تقابل منفعت عمومی-خصوصی و امکان مصالحه میان ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان نیز به شمار رود. زمین‌های ساحلی در کرانه جنوبی دریای کاسپین به‌دلیل مزیت‌های فضایی متنوع، همواره در معرض فشارهای ناشی از رقابت برای سکونت و فعالیت قرار دارند. از سویی پشتوانه‌های قانونی برای حفاظت از زمین‌های ساحلی با سابقه‌ای قریب به صد سال، بر دسترسی و بهره‌مندی عمومی-و نه انحصاری- از آن‌ها تأکید داشته‌اند. تحقق گفتمان قانونی یادشده، که در مسلط‌ترین رویکرد با عنوان «آزادسازی حریم ساحل» از آن یاد می‌شود، در دوره‌های مدیریتی گوناگون، به‌واسطه به‌کارگیری ابزارهای متنوعی از سیاست‌گذاری زمین آزمون شده است. از آنجا که سامانه مدیریت زمین با گستره متنوعی از مالکیت زمین‌های ساحلی مواجه است، ابزارهای گوناگونی از سیاست‌گذاری شامل سلب مالکیت، مذاکره با مالک

سیاست‌گذاری اجتماعی و محیط‌زیست | ۲۰۳

خصوصی و در نظر گرفتن امتیاز ساخت‌وساز ملکی، واگذاری زمین، انتقال حق توسعه و غیره به کارگرفته شده‌اند. این نوشتار می‌کوشد تا با به کارگیری رویکرد روش‌شناسی کیفی و روش تحلیل محتوایی اسناد، مجوزهای ملکی و نیز مصاحبه با کنشگران مرتبط، ضمن ارائه چارچوبی یکپارچه از تجربه کاربست انواع ابزارهای سیاست‌گذاری زمین، به ارزیابی پیامدهای مطلوب و نامطلوب انضمامی در کرانه ساحل جنوب دریای کاسپین بپردازد. یافته‌های پژوهش می‌توانند الزامات سیاست‌گذاری در راستای تحقق عدالت اجتماعی در بهره‌مندی از ساحل و حفاظت محیط زیست دریا را روشن سازند.

کلیدواژه‌ها: زمین ساحلی، ابزار سیاست‌گذاری زمین، عدالت اجتماعی، حفاظت محیط‌زیستی، دریای کاسپین.

بررسی جامعه‌شناختی رابطه سیاست‌گذاری اجتماعی با رفتار محیط‌زیستی (مورد مطالعه: ساکنان استان کردستان)

سید یاسین حسینی؛ دکتری تخصصی جامعه‌شناسی فرهنگی

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین فعالیت اجتماعی با رفتار زیست‌محیطی ساکنان استان کردستان انجام شده است. این پژوهش از نوع تحقیقات پیمایشی بوده که در آن، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با ابزار پرسش‌نامه به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته شد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر برآورد گردید. شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی ساده بوده که از این میان شهرستان‌های سنندج، مریوان، کامیاران، بانه، قروه، دهگلان، سقز، بیجار انتخاب گردیدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، همبستگی جزئی و ضریب رگرسیون چندمتغیره با استفاده از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی، فعالیت اجتماعی به ترتیب با مقادیر ۰/۶۱ و ۰/۶۹ همبستگی نسبتاً قوی و مثبتی را با متغیر رفتار زیست‌محیطی دارند. همچنین نتایج ضریب همبستگی جزئی نشان داد که متغیر سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر کنترل‌کننده بین متغیر مستقل و وابسته، همبستگی (۰/۵۱۱) نسبتاً بالایی را با متغیرهای فعالیت اجتماعی و رفتار زیست‌محیطی دارد. در نهایت، نتایج ضریب رگرسیون چندمتغیره با توجه به بتای استاندارد شده نشان داد، فعالیت اجتماعی ۵۳

سیاست‌گذاری اجتماعی و محیط‌زیست | ۲۰۵

درصد، پایگاه اقتصادی اجتماعی ۴۸ درصد و سرمایه اجتماعی ۴۳ درصد بر روی رفتار محیط‌زیستی تأثیر دارند.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری اجتماعی، محیط‌زیست، فعالیت اجتماعی، پایگاه اقتصادی اجتماعی، استان کردستان.

منابع اعتباربخش و فنون اقناعی در مطالب رسانه‌ای مرتبط با جنگل‌های شمال کشور در روزنامه‌های کثیرالانتشار و پیامدهای سیاستی آن

امیرحسین مظاهری؛ دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران

محمد عوافی همت؛ دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران

عباس قنبری باغستان؛ دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

سیدمهدی حشمت الواعظین؛ دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران

فرشته مظاهری خورزنی؛ موسسه آموزش عالی آزاد آرمان

چکیده

در جهان کنونی چالش‌های محیط زیستی به انواعی از مسائل مهم و موردتوجه متخصصان و مردم عادی تبدیل شده است. جنگل‌ها و سرنوشت آن‌ها از مهم‌ترین چالش‌های محیط‌زیستی اخیر کشور و موردتوجه مردم عادی و متخصصان می‌باشد. گفتمان‌های رسانه‌ای پیرامون جنگل‌های شمال کشور و چگونگی اداره آن‌ها در میان علاقه‌مندان، صاحب‌نظران و تصمیم‌گیران از موضوعات چالش‌برانگیز در دهه‌های گذشته بوده است. رسانه‌ها موضوعاتی را در مورد جنگل‌ها برجسته می‌نمایند که به منابع فکری و تولید محتوای آن‌ها مرتبط است. موضوعاتی که رسانه‌ها در مورد جنگل‌ها برجسته می‌نمایند، وابسته به دغدغه‌های منابع اعتباربخش پیام‌های رسانه‌ای است. در عین حال، فنون متقاعدسازی به کارگرفته‌شده در پیام‌ها متأثر از نظرگاه منابع اعتباربخش در مورد دلایل و روند تغییرات منابع جنگلی است. مسئله پژوهش حاضر این است که مرجع فکری رسانه‌ها در برجسته‌سازی مطالب مرتبط با جنگل‌های

سیاست‌گذاری اجتماعی و محیط‌زیست | ۲۰۷

هیرکانی در شمال کشور چه کسانی بوده‌اند. هدف از پژوهش حاضر شناسایی منابع اعتباربخش مطالب رسانه‌ای مکتوب و فنون اقناعی آن‌ها در مورد وضعیت جنگل‌های هیرکانی در شمال کشور است. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوای کمی ۱۴۸۷ مطلب رسانه‌ای مرتبط را از هشت روزنامه کثیرالانتشار سراسری در بازه زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶ استخراج، پس از طراحی کدنامه پژوهش و اطمینان از پایایی آن، بررسی و برای تحلیل یافته‌ها از نرم‌افزارهای SPSS و EXCEL استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهند که مرجع فکری اصلی ۷۱,۲ درصد مطالب رسانه‌ها «سازمان‌ها، نهادها و مراکز دولتی» بوده‌اند و پس از آن کارشناسان و متخصصان جنگل، منابع خبری، کارشناسان و متخصصان محیط‌زیست، رهبران فکری جامعه، اعضای انجمن‌های علمی و تخصصی غیردولتی، مردم عادی، کارشناسان کشاورزی، سازمان‌های بین‌المللی، کارشناسان بین‌المللی به‌ترتیب با ۶,۵، ۴,۹، ۴,۲، ۳,۴، ۱,۷، ۰,۷، ۰,۷ و ۰,۲ درصد مطالب قرار دارند. مرجع خبری ۲,۷ درصد مطالب، سایر منابع و ۲,۸ درصد مطالب فاقد مرجع اعتباربخش بودند. این منابع اعتباربخش برای متقاعد ساختن مخاطبان پیام‌های خود در مورد وضعیت جنگل‌های خزری از فنون اقناعی ارائه شواهد روشن و ناراحتی‌زدست‌دادن استفاده کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که مدیران و دست‌اندرکاران سازمان‌های دولتی از رسانه‌ها در راستای منافع سازمانی خود بهره می‌برند و متخصصین جنگل و محیط‌زیست با رسانه ارتباط کمی دارند و رسانه‌ها تصویر غیردقیقی از مسائل جنگل‌ها را به جامعه منتقل می‌نمایند.

کلیدواژه‌ها: تحلیل محتوا، جنگل‌های هیرکانی، مطلب رسانه‌ای، منبع اعتبار، ناراحتی‌زدست‌دادن.

سیاست گذاری شهری-روستایی

زیرساخت‌های اجتماعی و اهمیت آن‌ها در سیاست‌گذاری اجتماعی شهری؛ مرور تجربه شهر جدید عالی‌شهر

حسین ایمانی جاجرمی؛ دانشیار گروه توسعه و سیاست‌گذاری اجتماعی
دانشگاه تهران

چکیده

فرایند قطبی شهرها و افزایش نابرابری‌ها میان اجتماعات ساکن نگرانی‌های زیادی در خصوص تشدید منازعات، طرد و انزوای بیشتر گروه‌های فقیر و تهی‌دست ایجاد کرده است. این فرایند و نگرانی‌های مربوط به آن گستره‌ای جهانی دارد و با توجه به یکپارچگی رو به فزونی اقتصاد جهانی، چنین مسئله‌ای را می‌توان جهانی دانست. یک راه‌حل در برابر چنین مسئله‌ای، ایجاد، تقویت و نگهداشت زیرساخت‌های اجتماعی مانند کتابخانه‌های عمومی، سراهای محلات، پیاده‌روها و زمین‌های ورزش است. در این مقاله مفهوم زیرساخت اجتماعی و الزامات سیاستی آن توضیح داده خواهد شد. پس از آن با استفاده از داده‌های موجود به بررسی تجربه شهر جدید عالی‌شهر پرداخته خواهد شد. این شهر سیاست ایجاد زیرساخت‌های اجتماعی را در سه سال گذشته محقق کرده است و به نتایجی دست یافته که آگاهی از آن‌ها می‌تواند در سیاست‌گذاری اجتماعی شهر جهت رفع نابرابری و ایجاد یکپارچگی اجتماعی بیشتر سودمند باشد.

کلیدواژه‌ها: قطبی‌شدن، نابرابری‌ها، طرد اجتماعی، زیرساخت اجتماعی، سیاست‌های شهری.

سیاست‌گذاری شهری-روستایی | ۲۱۱

ارزیابی تاب‌آوری در مقابله با مخاطرات محیطی در اجتماعات شهری (نمونه موردی شهر کامیاران)

محمد شیخی؛ دانشیار گروه برنامه‌ریزی شهری و توسعه منطقه‌ای
دانشگاه علامه طباطبائی

اسماعیل پیری؛ دانشجوی گروه برنامه‌ریزی شهری و توسعه منطقه‌ای
دانشگاه علامه طباطبائی

یادگار محمدی؛ دانشجوی گروه برنامه‌ریزی شهری و توسعه منطقه‌ای
دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

تاب‌آوری در رشته‌های مختلف علمی دارای معانی و مفاهیم مختلفی است و در هر رشته‌ای با توجه به موضوع و مکان مورد مطالعه تعریف خاصی شده است؛ ولی در اکثر تعاریف به معنای بازگشت سیستم به حالت تعادل، بعد از شوک می‌باشد. هدف از پژوهش حاضر سنجش تاب‌آوری شهر کامیاران در برابر سوانح طبیعی (زلزله) است. روش تحقیق در این پژوهش پیمایشی و از نظر هدف کاربردی می‌باشد. پژوهش شامل دو پرسش‌نامه است که یکی توسط متخصصین، جهت اولویت‌بندی و تعیین درجه اهمیت معیارها و زیر معیارها و با استفاده از روش سلسله‌مراتبی اجرا شد. پرسش‌نامه دوم نیز جهت سنجش تاب‌آوری شهر کامیاران، در بین ساکنان این شهر توزیع شد. در این پرسش‌نامه از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت استفاده شده و داده‌ها با نرم‌افزارهای SPSS و Excel

۲۱۲ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

تحلیل گردیده است. نتیجه پژوهش حاکی از آن است که معیار زیست‌محیطی با میانگین ۳/۴۹۹ دارای بیشترین تاب‌آوری و در رتبه اول قرار دارد. در میان سایر سنجه‌های تاب‌آوری معیار اجتماعی-فرهنگی با میانگین ۲/۹۷۲ در رتبه دوم، معیار ساختاری-کالبدی با میانگین ۲/۷۲۹ در رتبه سوم، معیار زیرساخت‌ها با میانگین ۲/۶۲۶ در رتبه چهارم، معیار زیرساخت‌های آموزشی-فرهنگی با میانگین ۲/۴۵۶ در رتبه پنجم، معیار اقتصادی با میانگین ۲/۱۸۶ در رتبه ششم و معیار مدیریتی با میانگین ۱/۸۱۰ در رتبه هفتم و دارای کمترین تاب‌آوری است. میانگین تاب‌آوری کل شهر کامیاران که میانگین کل معیارهاست برابر ۲/۶۱۱ است که از ۳ پایین‌تر و نشان از تاب‌آوری پایین شهر کامیاران از میانگین معیار (عدد ۳) دارد.

کلیدواژه‌ها: تاب‌آوری شهری، سوانح طبیعی، آسیب‌پذیری، زلزله، کامیاران.

سیاست‌گذاری سوگیرانه شهری، مشوق نابرابری اجتماعی و فضایی بین مناطق شهری-روستایی

حبیب جبّاری؛ معاون امور برنامه‌ریزی، نظارت و آمایش سرزمین
سازمان برنامه و بودجه کشور

مریم احمدپور؛ کارشناس سازمان برنامه و بودجه کشور

مرضیه زارع؛ کارشناس سازمان برنامه و بودجه کشور

مریم عباسوند مشاری؛ سازمان برنامه و بودجه کشور

چکیده

در عرصه عمومی تصور غالب بر این است که سیاست‌گذاران کشوری عموماً رویکرد حمایتی به جامعه روستایی دارند از این رو آنچه از تصویب دو قوه سیاست‌گذاری می‌گذرد در همه حال منافع روستاییان را دربرمی‌گیرد؛ در حالی که واقع امر همواره چنین نیست. به‌طوری که کشور ما در دهه‌های متمادی در عرصه سیاست‌گذاری، خواسته یا ناخواسته، با نوعی سوگیری شهری مواجه بوده است. این مقاله با تمرکز بر شناسایی و طرح سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های سوگیرانه شهری در عرصه‌های عمدتاً اقتصادی سعی دارد نشان دهد که پیامد منفی مستقیم و انباشتی این سوگیری‌ها بر جامعه روستایی، سبب آسیب جدی بر درآمد و معیشت روستاییان و ناپایداری تولید در این مناطق شده و در نتیجه، موجبات فقیرتر شدن آنان و گسترش شکاف نابرابری بین مناطق شهری و

روستایی گردیده است. در این مقاله سوءگیری شهری، هرگونه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری عمومی است که نتیجه آن نادیده گرفتن و یا فداکردن منافع روستاییان به نفع شهرنشینان است که مصادیق آن در نظام قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی و روستایی، تعرفه‌ها و سنددارکردن زمین‌ها و املاک روستاییان، اجرای بی‌مهابای پروژه‌های کلان‌کشوری با کم‌توجهی به منافع مناطق روستایی و... خودنمایی می‌کند. مقاله در پایان به ارائه توصیه‌های سیاستی برای برنامه هفتم توسعه پرداخته و بر این باور است که این مسئله یکی از موضوعات مغفول سیاست‌گذاری‌های کلان‌کشوری است و بی‌صدایی روستاییان در سطح سیاست‌گذاری به تداوم و تشدید این روند زیان‌بار در چندین دهه گذشته منجر شده است.

کلیدواژه‌ها: سوءگیری شهری، نابرابری شهری-روستایی، نظام قیمت‌گذاری و تعرفه‌ای، به حاشیه رانده شدن روستاییان.

سیاست‌گذاری زمین‌های وقفی در جهت پیشبرد طرح‌های توسعه شهری
(نمونه موردی: کلان‌شهر اصفهان)

میترا عظیمی؛ عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

امیر اکبری‌نژاد؛ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

امروزه شهرها به سرعت در حال تغییر هستند و مدیران شهری بر پایه نیازهای روزافزون شهروندان همواره به دنبال تغییرات کالبدی گسترده در قالب پروژه‌های شهری می‌باشند. در این مسیر، گاهی پروژه‌های شهری با چالش‌های مختلفی روبه‌رو می‌شوند که در روند پیشرفت آن‌ها اختلال ایجاد می‌کنند. یکی از این چالش‌ها وجود زمین‌های وقفی در محدوده طرح‌های توسعه شهری است که به دلیل وجود تعارضاتی بین شهرداری و اداره اوقاف، مدت‌ها را کد باقی می‌مانند. این در حالی است که مدیران شهری می‌باید ضمن بهره‌گیری از فرصت‌هایی که وقف، پیش‌روی توسعه شهری می‌گذارد، تمهیداتی بیندیشند که مقوله موقوفات به مانعی پیش‌روی اجرای طرح‌های توسعه شهری بدل نشود. در شهر اصفهان به دلیل درگیر بودن آب‌پروژه‌های شهری همچون مصالح، ارگ جهان‌نما، ورزشگاه نقش جهان، بزرگراه شهید خرازی و خط یک قطار شهری با مسائل وقفی، روند اجرای این طرح‌های شهری سال‌هاست که به تعویق افتاده است. بنابراین،

در این تحقیق قصد بر آن است تا ضمن توصیف چالش‌های پروژه‌های شهری برشمرده‌شده، سیاست‌های اعمال‌شده در خصوص زمین‌های وقفی در این پروژه‌ها مورد واکاوی قرار گیرد. این تحقیق از نوع کاربردی می‌باشد که به روش مطالعه اسنادی با تحلیل محتوای طرح‌های فرادست پروژه‌های شهری اصفهان از سال ۱۳۷۰ به بعد و همچنین انجام مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با کارشناسان شهری و صاحب‌نظران فقهی انجام شده تا ضمن برشمردن دلایل بروز چالش‌های حقوقی بین مقوله وقف و طرح‌های توسعه شهری، سیاست‌های مواجهه صحیح با موضوع استخراج شود.

کلیدواژه‌ها: وقف، موقوفات، اصفهان، شهرداری، اداره اوقاف.

تحلیل و ارزیابی عملکرد جمعیت‌پذیری شهرهای جدید در ایران

محمد شالی؛ دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و هیئت علمی
پژوهشکده توسعه و برنامه‌ریزی جهاد دانشگاهی

رامین اصغری فسقندیس؛ دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری
مؤسسه آموزش عالی سراج

چکیده

با توجه به رشد شهرنشینی در قرن گذشته و پیدایش مسائل اقتصادی اجتماعی و زیست‌محیطی و افت کیفیت زندگی در کلان‌شهرها، ایجاد شهرهای جدید به‌عنوان یک ضرورت در جهت جذب سرریز جمعیت شهری و به‌منظور تمرکززدایی جمعیت و اشتغال در جهان و از جمله در ایران مطرح و اجرا شده است. امروزه با گذشت بیش از سه دهه از آغاز این سیاست و سپری‌شدن دوره‌های پیش‌بینی، فرصت مناسبی است تا عملکرد این شهرها مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرد. از این‌رو مقاله حاضر با رویکرد توصیفی و تحلیلی، سعی دارد تا عملکرد جمعیت‌پذیری شهرهای جدید در ایران را مورد ارزیابی قرار دهد. در پژوهش حاضر به‌منظور گردآوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز ۱۷ شهر جدید کشور از مطالعات کتابخانه‌ای، اسناد طرح‌های توسعه و عمران شهرهای جدید و نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که روند جمعیت‌پذیری شهرهای

۲۱۸ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

جدید افزایشی بوده و سهم آن‌ها از جمعیت شهری کشور از ۰/۶۴ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۰/۸۵ درصد در سال ۱۳۹۰ و ۱/۳۲ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. مهم‌ترین عامل مؤثر در این امر، سیاست ایجاد مسکن مهر در شهرهای جدید بوده است. میانگین تحقق اهداف جمعیتی شهرهای جدید کشور ۲۰/۵ درصد است که شهرهای جدید اندیشه، سهند و مهاجران به ترتیب با ۸۹، ۵۵ و ۳۴ درصد بیشترین و شهرهای جدید علوی، شیرین شهر و رامشار با کمتر از ۰/۴ درصد کمترین تحقق‌پذیری جمعیت را داشته‌اند. بین تحقق جمعیتی شهر جدید و فاصله شهر جدید از شهر مادر رابطه معنی‌دار و همبستگی منفی وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: شهرهای جدید، تحقق‌پذیری، جمعیت‌پذیری، شهرنشینی.

سیاست گذاری مسکن

ارزیابی سیاست‌گذاری اجتماعی حوزه مسکن در ایران (نمونه موردی مسکن مهر پرند)

مریم زارعیان؛ رییس بخش مطالعات اجتماعی توسعه پایدار
مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی

چکیده

با توجه به اینکه نیاز مسکونی یکی از اساسی‌ترین نیازهای افراد است که در حوزه رفاه اجتماعی جای دارد و همچنین بالابودن قیمت مسکن در سبد هزینه‌های خانوار آن را به یکی از مطالبات اصلی طبقات متوسط و پایین تبدیل کرده است، در همه دولت‌ها تلاش می‌شود به‌نوعی به آن پرداخته شود. در برنامه چهارم توسعه ایران برای تأمین مسکن گروه‌های کم‌درآمد، سیاستی موسوم به مسکن مهر بر مبنای اصل ۳۱ و ۴۳ قانون اساسی در پیش گرفته شد که از لحاظ ابعاد، منابع مالی و جمعیت تحت پوشش یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌هایی بود که دولت اجرا کرده است. مهم‌ترین هدفی که طراحان این طرح بزرگ مطرح می‌ساختند، سیاست‌گذاری اجتماعی به‌منظور رفع مشکل مسکن اقشار تهی‌دست جامعه و افزایش رفاه آن‌ها بود. این در حالی است که واکنش ساکنان مسکن‌های مهر در بهره‌برداری و نگهداشت و حفاظت از این مساکن متفاوت و گاه متضاد با اهداف ازپیش تعیین شده بود. به‌طوری که گزارشات مختلفی از رفتارهایی چون عدم استقبال جهت سکونت، نبود روحیه مسئولیت‌پذیری در برابر نحوه استفاده از خدمات رفاهی، عدم وفاق ساکنان بلوک‌ها برای تأمین هزینه‌های جاری و... وجود دارد. بر این اساس، مسئله این مقاله بررسی میزان پایداری اجتماعی در بین ساکنان مجتمع‌های

سیاست‌گذاری مسکن | ۲۲۱

مسکن مهر است. روش مطالعه پیمایش و ابزار آن پرسش‌نامه و جامعه آماری، کلیه ساکنین مسکن مهر پرند است که با توجه به فرمول کوکران حجم نمونه، برابر با ۳۸۴ نفر است. نتایج با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شد. بررسی نتایج پایداری اجتماعی در بین ساکنان مسکن مهر شهر جدید پرند نشان می‌دهد سطح پایداری کمی از میانگین، پایین‌تر است و در این رابطه بین گروه‌های مختلف سنی و جنسی تفاوت‌هایی وجود دارد. روابط اجتماعی کیفی بین همسایگان نشان می‌دهد علی‌رغم آنکه این افراد زمان زیادی از سکونتشان در کنار هم نمی‌گذرد برای نزدیکی به یکدیگر تلاش می‌کنند. برخی از مشکلات ساکنان مسکن مهر پرند که بر پایداری اجتماعی این مکان‌ها مؤثر است و ساکنان به آن اشاره کردند عبارت‌اند از: احساس پایین امنیت، کمبود جدی امکانات روبنایی، فقدان امکانات مناسب دسترسی به شهر تهران، مشکلات ساکنان مجتمع‌ها با یکدیگر.

کلیدواژه‌ها: مسکن مهر، سیاست‌گذاری اجتماعی، پرند، پایداری اجتماعی.

**بررسی سیاست‌های مدیریت روستایی در بخش مسکن
(مورد گسترش گردشگری خانه دوم (ویلا) در استان مازندران)**

احمد محمدی

دانشجوی دکترای دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

مازندران با دارا بودن اقلیم مناسب و نزدیکی به مراکز جمعیت مانند تهران، یکی از مناطق اصلی گردشگری داخلی است. گردشگری به‌طور بالقوه بر جامعه مقصد آثار مثبت و منفی زیادی می‌گذارد. با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی می‌توان از آثار منفی آن کاست، اما نبود یا ضعف سیاست یکپارچه گردشگری، عدم سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های گردشگری و... موجب شده است که گردشگری خانه دوم (ویلاسازی) رونق یابد. رونق پرشتاب ویلاسازی و گرایش روستاییان به تغییر کاربری زمین کشاورزی، در حال ایجاد تغییر در ساختار جمعیتی، ساختار اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و محیط‌زیست و مناظر روستایی و در نهایت، از بین بردن پدیده روستا است. علل و عوامل این امر در یک ارزیابی کلی عبارت‌اند از: تعدد مراکز سیاست‌گذاری و اجرایی، تعدد قوانین و مقررات، عدم انسجام و بخشی‌نگری در سازمان‌های دخیل، در کنار عوامل اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جوامع روستایی، مانند ناکارآمدی کشاورزی، افزایش قیمت زمین، آسان‌بودن تبدیل زمین به ویلا، بی‌تفاوتی یا ناآگاهی فراگیر از پیامدهای منفی این پدیده. در مقاله از دو روش اسنادی (تحلیل قوانین و مقررات) و مشاهده میدانی و مصاحبه

سیاست‌گذاری مسکن | ۲۲۳

(در روستاهای اطراف آمل و محمودآباد) استفاده می‌شود. هدف بررسی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر روند جاری در این دو سطح است. تلاش می‌شود توصیه‌ی سیاستی در دو سطح کلان و خرد پیشنهاد شود. اما از آنجا که نظام تصمیم‌گیری در کشور فربه و کند است، بیشتر بر سیاست‌های سطح میانه و خرد در سطح استان و به‌خصوص اجتماعات روستایی تمرکز می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: مازندران، سیاست مسکن، ویلاسازی، پیامدهای اجتماعی-اقتصادی.

برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مسکن روستایی در آمریکا؛ آموزه‌هایی برای ایران

فاطمه عزیزی؛ دانشگاه تهران

نسربین کاظمی؛ دانشگاه تهران

چکیده

با وجود آنکه دسترسی به مسکن مناسب حق هر فردی تلقی می‌شود، در مناطق روستایی به‌ویژه روستاهای مناطق محروم، مسکن از وضعیت مناسبی برخوردار نمی‌باشد. گواه این واقعیت، تخریب شدید مساکن روستایی در هر بار تجربه زلزله است. بنابراین، سیاست‌گذاری مسکن به‌عنوان بخشی از سیاست‌های اجتماعی نیازمند اصلاح و بهره‌گیری از تجارب سایر کشورها است. پژوهش حاضر تحلیلی موردی از تجربه ایالات متحده آمریکا در بخش مسکن روستایی است؛ این تحلیل به سه بخش سیاست، برنامه‌ریزی و سازمان‌ها / نهادهای مسئول مسکن روستایی در این کشور توجه داشته است. در بخش سیاست‌ها مهم‌ترین پایه‌ها و اصول سیاست‌گذاری مسکن روستایی در این کشور استخراج شده تا با شناسایی این سیاست‌ها که مطابق با جامعه روستایی هستند، تصمیم‌گیران کلان کشور را در تعیین سیاست‌های مؤثر یاری رساند. در بخش دوم، با مرور مهم‌ترین برنامه‌های مسکن روستایی این کشور اصول برنامه‌ریزی، استخراج شده تا آموزه‌هایی را در تدوین و طراحی برنامه‌های مناسب مسکن روستایی

سیاست‌گذاری مسکن | ۲۲۵

ارائه نماید. با توجه به اینکه دو بخش اشاره شده بنیان‌های نظریه‌ای و برنامه‌ای را شکل می‌دهند، بخش سوم در راستای اهمیت اجرایی نمودن برنامه‌ها و بنیان‌ها به بررسی سازمان‌های مسئول مسکن روستایی پرداخته است. مسکن روستایی جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌های سیاست‌گذاری اجتماعی این کشور دارند؛ زیرا تقریباً ۳۰٪ خانوارهای روستایی آمریکا یکی از سه مشکل مسکن یعنی هزینه بالا، تراکم بالا و ناکارآمدی مسکن را تجربه می‌کنند. تحلیل انجام گرفته حاکی از تلاش این کشور برای مقرون به صرفه کردن مسکن روستایی به شیوه‌های مختلف به ویژه یارانه است که به سه شیوه مستأجر محور، پروژه محور و مسکن اجتماعی پرداخت می‌گردد؛ بدین شیوه، بازار مسکن استطاعت پذیر شده است. سیاست دیگر، اجباری بودن استاندارد مسکن برای ارائه کمک‌های مالی است که به ارتقای کیفی مساکن توجه دارد تا مسکنی مناسب، سالم و بهداشتی را فراهم نماید. برنامه توسعه مسکن روستایی بر عهده سازمان‌های متولی روستایی است که خود نماد تحقق مشارکت در سیاست‌گذاری و ارائه خدمات است؛ خلائی که سال‌هاست گریبان گیر سیاست کشور ما بوده است. مهم‌ترین آموزه‌ها برای ایران، با توجه به وضعیت آشفته مسکن در کشور، تلاش دولت برای استطاعت پذیر نمودن مسکن با توجه به تورم شدید قیمت در این بخش، تلاش برای ارائه مسکنی مناسب با مشارکت سازمان‌های محلی به جای سازمان‌های کلان کشوری است.

کلیدواژه‌ها: مسکن روستایی، آمریکا، مسکن استطاعت‌پذیر، رویکرد مشارکتی، مسکن اجتماعی.

**مسئله سیاست اجتماعی مسکن در ایران: بررسی اثرات اجرای پروژه
مسکن مهر بر گسترش پدیده افتراق فضایی-اجتماعی در مجموعه
کلان‌شهری تهران**

علیرضا وزیری‌زاده؛ پژوهشگر شهری

نسرین حق‌شناس گرگانی؛ پژوهشگر شهری

چکیده

در سه دهه گذشته، چیرگی کامل دینامیزم‌های بازارمحور بر نظام مسکن ایران به افول شدید استطاعت‌پذیری خصوصاً برای اقشار کم‌درآمد منجر است. این دینامیزها در طی سه دهه گذشته بسیار فعال بودند و ساختار بازار مسکن را در جهت کالایی‌شدن بیشتر مسکن و افزایش سوداگری در این بازار شکل داده‌اند. در نتیجه این امر نیازهای مسکن فراوانی و روبه‌تزايدی، عمدتاً از طرف اقشار کم‌درآمد جامعه، بی‌پاسخ مانده است. بر اساس فرضیات، مداخله دولت در بازار مسکن می‌تواند استطاعت‌پذیری بازار رسمی را افزایش دهد. بر همین اساس، پروژه عظیم مسکن مهر طرح‌ریزی شد تا با آنچه شکست بازار نامیده می‌شود، مقابله کند. از طرف دیگر، کاهش شدید استطاعت‌پذیری بازار مسکن در ایران، خصوصاً در شهرهای بزرگ (در اینجا منطقه کلان‌شهری تهران) باعث گسترش پدیده افتراق اجتماعی-فضایی شده است. بروز افتراق باعث می‌شود تا علاوه بر جدایی‌گزینی فضایی و مکانی طبقات جامعه از یکدیگر، تعاملات و کنش‌های اجتماعی بین آن‌ها نیز محدودتر شود. از طرف دیگر، افتراق باعث محدودشدن

سیاست‌گذاری مسکن | ۲۲۷

بهره‌مندی اقشار کم‌درآمدتر به خدمات شهری و زیرساخت‌های اجتماعی ضروری برای بازتولید اجتماعی نیروی کار می‌شود. این مقاله آشکار می‌سازد که پروژه مسکن مهر علاوه بر آنکه تا حد زیادی نتوانست با نیروهای بازار مقابله کند و استطاعت‌پذیری مسکن را افزایش دهد، با تقویت نیروهای بازار به گسترش پدیده افزایش افتراق فضایی-اجتماعی شهرها سرعت بخشید. این مقاله با بررسی چگونگی شکل‌گیری پدیده افتراق فضایی-اجتماعی در مجموعه کلان‌شهر تهران، اثرات اجرای پروژه مسکن مهر را بر گسترش این پدیده بررسی می‌کند. مسکن مهر اجتماعات زیستی جدیدی را گسترش داده که در ایران کمتر مسبوق‌به‌سابقه بوده است. بسیاری از ساکنان جدید از شهر مرکزی (تهران) به مکان جدید در حاشیه آن نقل‌مکان کرده‌اند. این امر اثرات منفی بر شرایط زیست‌پذیری جوامع جدید گذاشته است و ساختار فضایی و اجتماعی را تغییر داده است. این نوشتار نتیجه می‌گیرد که مسکن مهر در نظام سلسله‌مراتبی بازار رسمی کشور پایین‌ترین رده را به خود اختصاص داده است که از بعضی جوانب تداعی‌کننده شباهت‌هایی با نواحی اسکان نیمه‌رسمی و غیررسمی نیز هست. به این خاطر از عنوان «ناحیه تیره-روشن» که پدیده‌ای جدید در نظام مسکن است یاد می‌کنیم. با تمرکز بر پروژه‌های مسکن مهر در پردیس و پرد، این مطالعه حاصل دو سال مشاهده میدانی (۹۹-۱۳۹۸)، انجام مصاحبه‌های عمیق متعدد با عاملیت‌های مختلف درگیر و تحلیل یافته‌های حاصل از دو سری پرسش‌نامه از ساکنان است.

کلیدواژه‌ها: دینامیزم‌های بازار-محور، مسکن مهر، حاشیه‌نشینی، افتراق اجتماعی و فضایی، مجموعه کلان‌شهری تهران.

سیاست گذاری فرهنگی

بررسی تاریخی-تحلیلی سیاست‌گذاری‌های اجتماعی نهاد آستان قدس رضوی در دوره پهلوی

مصطفی فرزانه؛ گروه جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

مجید فولادیان؛ دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی

وحید شالچی؛ دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

در بستر حیات اجتماعی ایران نهادهایی هستند که بر سیاست‌گذاری‌های اجتماعی تأثیرگذار بوده‌اند. از مهم‌ترین این نهادها آستان قدس رضوی است. اگر اهداف سیاست‌گذاری اجتماعی را حفاظت از شهروندان در برابر مخاطره‌ها، کاهش نابرابری‌ها، بهبود رفاه انسانی و ایجاد عدالت اجتماعی بدانیم، اهداف این نهاد با توجه به فعالیت‌های اجتماعی خویش در این راستا می‌باشد. اما وقتی با نگاهی تاریخی به عملکرد نهاد آستان قدس می‌نگریم با فراز و فرودهایی مواجه می‌شویم. در مطالعه تاریخی پژوهشی حاضر مشخص می‌شود این فراز و فرود متأثر از نقش نائب‌التولیه‌ها با توجه به گستره اختیارانشان بوده است. بر این مبنا به این پرسش پاسخ می‌دهیم در دوره پهلوی این نهاد با چه فراز و فرودهایی مواجه بوده و در هر دوره از آن متولیان و سیاست‌هایشان چه نقشی را ایفا کرده‌اند. بدین‌سان با استفاده از رویکرد نهادگرایی تاریخی و روش تحلیلی توصیفی بر اساس شواهد تاریخی به این مهم پرداخته می‌شود. نتایج حاکی از

سیاست‌گذاری فرهنگی | ۲۳۱

آن است دو بعد ساختاری و عاملیتی بر سیاست‌گذاری‌های اجتماعی این نهاد مؤثر بوده است. از یک سو تأثیرگذاری سیاست‌های کلان حکومتی را شاهدیم و از سوی دیگر، در هر دوره که متولی از میان چهره‌های برجسته انتخاب شده و دارای استقلال رأی بوده، بیشتر به امر اجرای سیاست‌های اجتماعی در راستای اهداف وقفی این نهاد عمل کرده است. اما هرگاه شخصی وابسته برای این نهاد انتخاب شده با به‌کار بستن سیاست‌های غلط که بعضاً در تقابل با اهداف وقفی این نهاد قرار داشته به کارکردهای اصلی آن ضربه زده و باعث ایجاد تنش‌هایی در جامعه شده است.

کلیدواژه‌ها: آستان قدس، سیاست‌گذاری اجتماعی، حکومت، وقف، پهلوی.

اقتصاد سیاسی سیاست‌گذاری فضای مجازی در ایران

غلامرضا حداد؛ استادیار گروه اقتصاد سیاسی و سیاست‌گذاری عمومی
دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

اقتصاد سیاسی بر مطالعه نسبت میان کنش فردی و جمعی، درون نهادهای دولت و بازار در راستای تحقق اهداف متعارض رفاه فردی و عدالت اجتماعی معطوف است. سیاست عمومی نیز، تابعی از ارزش‌ها و قواعد ساختار معنایی مسلط در هر نظم سیاسی است که چگونگی توزیع منابع تخصیصی و اقتداری را تعیین می‌کند؛ پس هر سیاستی تعیین‌بخش توزیع تبعیض‌آمیزی از ارزش‌ها و فهم ابعاد آن، نیازمند رویکرد اقتصاد سیاسی است. سیاست‌گذاری فضای مجازی نیز، مانند عرصه‌های دیگر سیاست‌گذاری عمومی، انعکاسی از ساختار معنایی کلان نظم‌های سیاسی است و ابعاد اقتصاد سیاسی آن گویای نوع روابط میان نهادهای دولت، بازار و جامعه مدنی است. سیاست‌گذاری فضای مجازی در دهه اخیر و مشخصاً در موضوع طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی توجهاتی جدی، هم در میان متخصصین و هم در میان کاربران عمومی، به خود جلب کرده است. این پژوهش به ابعاد اقتصاد سیاسی این سیاست‌گذاری و متمرکز بر طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی می‌پردازد. ابتدا ضمن گونه‌شناسی نظم اقتصاد سیاسی در جمهوری اسلامی ایران در میان گونه‌های کلاسیک و با توجه به ماهیت رانتیر دولت در ایران، گونه «شبه‌سرمایه‌داری دولتی» مفهوم‌سازی

سیاست‌گذاری فرهنگی | ۲۳۳

شده و به روابط دولت، بازار و جامعه مدنی در این گونه خاص پرداخته خواهد شد. در ادامه، سیاست‌گذاری فضای مجازی در ایران از منظر اقتصاد سیاسی مورد آسیب‌شناسی قرار گرفته و در نهایت، تلاش خواهد شد از چرایی این سیاست‌گذاری مبتنی بر میانی‌تئوریک بحث، فهمی سازوار ارائه شود.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد سیاسی، دولت رانتیر، شبه‌سرمایه‌داری دولتی، سیاست‌گذاری فضای مجازی، طرح صیانت.

سیاست‌گذاری فرهنگی معطوف به تقویت زنجیره ارزش بازتولید لباس سنتی در ایران

بهروز روستاخیز؛ استادیار مردم‌شناسی

و عضو پژوهشکده مطالعات و سیاست‌گذاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

سمیه کاظمی

دانشجوی دکترای پژوهش هنر دانشگاه الزهرا (س)

چکیده

پوشاک را می‌توان یک مؤلفه اجتماعی و فرهنگی چندبعدی به شمار آورد که از دیرباز، ماهیتی سیاسی نیز داشته و تحت تأثیر تغییرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملی و جهانی، تغییر شکل داده است. از مهم‌ترین ابعاد پوشاک که بر اهمیت آن می‌افزاید، سهم آن در هویت‌یابی فردی و اجتماعی و نیز نقش آن به‌عنوان نماد هویت ملی است. به همین دلیل، بسیاری از کشورهای جهان در دوران جهانی‌شدن کوشیده‌اند با استفاده از راهبردهایی در جهت بازتولید امروزین لباس سنتی کشورشان، در عین حفظ این نماد هویتی ملی خود، از انزوای این لباس‌ها در میان مدهای جهانی جلوگیری کنند. در ایران نیز تلاش‌هایی در این راستا صورت گرفته است؛ اما عواملی موجب ناکامی در این مسیر شده است. مقاله حاضر، که بر مبنای طرحی پژوهشی نگاشته شده است، کوشیده است با در نظر گرفتن صنعت تولید پوشاک سنتی، به‌عنوان صنعتی خلاق و فرهنگی، روش‌های تقویت زنجیره ارزش در بخش‌های مختلف چرخه بازتولید لباس سنتی -اعم از طراحی، تولید، توزیع و مصرف- را در یک بستر و چهارچوب

سیاست‌گذاری فرهنگی | ۲۳۵

سیاست‌گذاری فرهنگی کارآمد، تشریح کند. در این راستا از تجربیات چهار کشور آسیایی موفق در این زمینه، که توانسته‌اند در جریان پدیده جهان‌محلی‌گرایی، این نماد هویتی خود را تقویت کنند، بهره گرفته شده است. بدین‌منظور در این پژوهش کیفی از روش‌های کتابخانه‌ای، اسنادی و نیز رجوع به داده‌های تجربی برای گردآوری داده‌ها و برای تحلیل، از تکنیک «تحلیل موضوعی» استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد همان‌گونه که لباس، ماهیتی چندبعدی دارد، برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کشورهای مذکور نیز ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مرتبط با لباس را پوشش داده است. علاوه بر این، در این برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، تمامی مؤلفه‌های چرخه مد لباس را مدنظر داشته و ضمن جذب سرمایه‌های خصوصی و خارجی، سیاست نظارت و حمایت همه‌جانبه از تمام چرخه را اتخاذ کرده‌اند. برای جریان‌سازی و هنجارسازی درباره این موضوع، برنامه‌ریزی‌های دقیق بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت داشته‌اند و تمامی نهادها و امکانات را برای تحقق این امر، بسیج کرده‌اند. به‌طور خلاصه در راستای تقویت زنجیره ارزش لباس سنتی، این راهکارها اجرا شده‌اند: (۱) متناسب‌سازی با نیازهای روز به روش‌های مختلف از جمله ایجاد تنوع، کاربردپذیری، دسترس‌پذیری، کاهش قیمت؛ (۲) استفاده از استراتژی‌های بازاریابی مانند برندسازی ملی و منطقه‌ای؛ (۳) استفاده از استراتژی‌های تبلیغ رسانه‌ای مانند بهره‌گیری تبلیغی از موقعیت‌های خاص سیاسی، بهره‌گیری از رسانه‌های بین‌المللی و افراد محبوب؛ (۴) حفظ و استفاده از تعدد هویت‌های بومی-محلی. به‌دلیل تفاوت‌های ایدئولوژیک، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بین ایران با این کشورها، لازمه بهره‌گیری از این راهبردها زمینه‌مند کردن آن‌ها با توجه به

ویژگی‌های کشورمان است. بر اساس امکان‌سنجی انجام‌شده برای کاربرد این راهبردها در ایران، به نظر می‌رسد که اغلب راهبردهای اجراشده در کشورهای فوق در کشورمان با اندک تغییراتی قابل‌اجراست. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری‌ها در این زمینه در ایران، لازم است فرانهادی و با ناظر واحد باشد. علاوه بر این، زنجیره ارزش در تمام مؤلفه‌های چرخه بازتولید لباس سنتی باید تقویت شود. تقویت رقابت‌پذیری و ارتباطات بین‌المللی و نیز به‌روزرسانی سیاست‌ها، توجه بیشتر به تبلیغ و بازاریابی مناسب و حمایت از پژوهش و ارتقاء دانش در این حوزه نیز از ضروریات توفیق بازتولید لباس سنتی روزآوری‌شده در ایران است.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری فرهنگی، صنایع خلاق فرهنگی، زنجیره ارزش، بازتولید لباس سنتی، لباس سنتی ایرانی.

دولت و سیاست‌گذاری صنایع فرهنگی

(تحلیل اسناد بالادستی)

داود پرچمی؛ استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

فاطمه درخشان؛ دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

صنایع فرهنگی از صنایع دارای ارزش‌افزوده بالاست و برای آنکه بتواند یکی از محورهای اصلی توسعه کشورها باشد، چگونگی سیاست‌گذاری دولت‌ها نقش مهمی در آن دارد. کشورهای توسعه‌یافته و دارای اقتصاد دانش‌بنیان در سیاست‌گذاری‌ها، پژوهش‌ها، حمایت‌ها و سرمایه‌های خود به صنایع فرهنگی توجه ویژه دارند. چگونگی نقش‌آفرینی و ورود دولت‌ها در این سیاست‌گذاری‌ها، موضوعی مهم و تعیین‌کننده است. در این مطالعه با تأکید بر انواع دخالت دولت در سیاست‌گذاری امور فرهنگی، نقش دولت در صنایع فرهنگی ایران در کلیه اسناد بالادستی از جمله برنامه‌های اول تا ششم توسعه، اصول سیاست فرهنگی، نقشه مهندسی فرهنگی، سند ملی توسعه فناوری‌های فرهنگی و نرم، با روش تحلیل محتوای کیفی، مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که عمده سیاست‌ها و قوانین از نوع توزیعی، و با دخالت مستقیم دولت بوده و پس از آن سیاست‌های تنظیمی قرار دارند. سیاست‌گذاری دخالت غیرمستقیم کمتر موردتوجه بوده است. حضور دولت و اتخاذ سیاست‌های حمایتی، مانند پرداخت

۲۳۸ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

یارانه و تخصیص بودجه و دخالت مستقیم دولت در اسناد بالادستی پررنگ‌تر و سیاست‌های غیرمستقیم، نظیر تدوین مقررات و یا حمایت‌های غیرپولی (مالیات یا بخشش‌های مالیاتی) در اسناد و سیاست‌های بالادستی صنایع فرهنگی کمتر موردتوجه بوده و نیازمند بازنگری می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: صنایع فرهنگی، دولت، نقش دولت، سیاست‌گذاری فرهنگی، فرهنگ.

ساخت مسئله در سیاست‌گذاری فرهنگی: تضادها و جدال‌های ناخواسته

سید یاسر جلالی؛ دانش‌آموخته دکترای سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه خوارزمی

چکیده

هدف این نوشتار، مطالعه و آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران با تأکید بر مرحله تعیین دستور کار و مسئله‌شناسی است. پرسش اصلی آن است که ذهنیت‌ها و مرجعیت‌های سیاست‌گذاری فرهنگی چگونه در مسئله‌شناسی آشکار می‌شود. ذهنیت‌ها به‌عنوان چهارچوب‌ها و جهان‌بینی‌های حاکم بر سیاست‌گذاری فرهنگی، نوعی مسئله‌شناسی خاص را شکل داده و صورت‌بندی مسائل را در سیاست‌گذاری فرهنگی تعیین می‌کند، ارزش‌ها و نگرش‌هایی را ترویج کرده و دیگر ارزش‌ها را مسکوت گذاشته یا نفی می‌کند. در اینجا تضادی بین رصد «وضع موجود» حوزه فرهنگ و هنجارها و آرمان‌های سیاست‌گذاران آشکار می‌گردد. برای بررسی مسئله‌شناسی فرهنگی در این نوشتار، سیاست‌های فرهنگی در سطح کلان ملی مدنظر قرار گرفته که شامل چند سند مهم از جمله سند مهندسی فرهنگی کشور و سیاست‌های کلانی است که ابعاد فرهنگی دارند. از سوی دیگر، تحقیقات و پژوهش‌های پیشین درباره چالش‌های سیاست‌گذاری فرهنگی و مسئله‌شناسی در حوزه فرهنگ نیز مبنای این پژوهش قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد، جهت‌گیری مسائل در سیاست‌گذاری فرهنگی، چالش‌هایی مانند کاهش کارآمدی سیاست‌ها، عدم اجرای برخی سیاست‌ها یا اجرای صوری و نیز

۲۴۰ | دومین همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران

بی‌انگیزگی مجریان و برخی از مخاطبان و ذی‌نفعان را در پی دارد. راهکارهای تعدیل این چالش‌ها شامل در نظر گرفتن ظرافت‌های مسائل در حوزه فرهنگ، توجه به مدل برنامه‌ریزی فرهنگی غیرمتمرکز، تفویض اختیار به مدیران فرهنگی و صورت‌بندی شفاف مسائل است. هرچند می‌توان بخشی از این تضادها و چالش‌ها را ناخواسته قلمداد کرد؛ زیرا رویکردهای متمرکز در سیاست‌گذاری فرهنگی و ورود سیاست‌گذار به عرصه‌هایی مثل سبک زندگی، خودبه‌خود نوعی ناسازگاری در پی دارد. با این حال، می‌توان سیاست‌های فرهنگی را نسبتاً کارا تر و اثربخش‌تر نمود.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری فرهنگی، مسئله‌شناسی، مرجعیت‌ها، ایران، رویکردهای تفسیری.

سیاست‌گذاری آموزش، علم و فناوری

یادگیری اجتماعی عاطفی و نظام آموزشی پایه در ایران؛ چالش‌ها و راهکارها

سعیده امینی؛ دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

عواطف در زمره مهم‌ترین عناصر تکوینی هویت‌اند که نه صرفاً تجربه‌ای درونی و نه کاملاً محصول اجتماع و محیط بیرونی‌اند؛ بلکه مولود تعامل دو عرصه‌اند. رویکرد جامعه‌شناختی عواطف، فراروایت عقلانیت بر ساحت زندگی بشر را به چالش کشید و عواطف را به‌مثابه روایتی مهم از زندگی اجتماعی به صحنه آورد. خصلت برساختی‌بودن عواطف آن را در پیوند تنگاتنگی با شرایط اجتماعی قرار می‌دهد و نقش فرایند جامعه‌پذیری در این مسیر برجسته می‌شود. نهادهای جامعه‌پذیری، هریک سهم بسزایی در یادگیری عواطف ثانویه و نحوه ابراز آن‌ها دارند. بر این اساس در سال‌های اخیر برنامه یادگیری اجتماعی عاطفی در دستور کار نظام آموزشی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه قرار گرفته است. هدف این برنامه مطلوب‌کردن فضای آموزشی برای دانش‌آموزان و اجتناب از برنامه‌های رقابت‌محور با پیامد منفی برای آن‌هاست. برنامه مذکور ۵ مؤلفه را در دستور کار قرار می‌دهد؛ آگاهی از خود: «توانائی درک احساسات، افکار و ارزش‌های شخصی و نحوه تأثیرشان بر رفتار»؛ خودمدیریتی: «توانائی مدیریت مؤثر احساسات، افکار و رفتارهای فردی در شرایط مختلف و دستیابی به اهداف و آرزوها»؛ آگاهی اجتماعی: «توانائی درک دیدگاه‌ها و همدلی با سایرین، از جمله درک زمینه‌ها، فرهنگ‌ها و زمینه‌های مختلف»؛ مهارت‌های ارتباطی: «توانائی ایجاد و حفظ

سیاست‌گذاری آموزش، علم و فناوری | ۲۴۳

روابط سالم و هدایت مؤثر در تنظیمات با افراد و گروه‌های مختلف؛ تصمیم‌گیری مسئولانه؛ «توانائی انتخاب دلسوزانه و سازنده در مورد رفتار شخصی و تعاملات اجتماعی در شرایط مختلف» (کاسل، ۲۰۲۰). اجرای مؤثر این برنامه در مدارس تابع چندین فاکتور است؛ نخست میزان آشنائی مسئولان اجرایی آموزش و پرورش، مدیران و معلمان با این برنامه و وقوف به پیامدهای مطلوب آن در فرایند جامعه‌پذیری دانش‌آموزان. بنابراین، در گام اول نگرش‌سنجی پیرامون این برنامه در نظام آموزشی کشور در سطوح مختلف ضروری می‌نماید و در گام بعدی اجرای این پنج مؤلفه در مدارس علاوه بر آموزش مستقیم باید به صورت غیرمستقیم نیز در دستور کار قرار گیرد. در مرحله سوم به تفاوت نحوه اجرای این برنامه در مدارس سطوح مختلف (ابتدایی و متوسطه) و میزان بودجه مدارس (دولتی، هیئت امنایی، غیرانتفاعی) توجه شود.

کلیدواژه‌ها: خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی، تصمیم‌گیری مسئولانه، یادگیری اجتماعی عاطفی، جامعه‌پذیری.

فقدان سیاست‌گذاری اجتماعی مبتنی بر اخلاق مسئولیت مطالعه موردی سیاست عدالت آموزش عالی در ایران

محمدجواد اسماعیلی؛ عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

این مقاله می‌خواهد از طریق بررسی اسناد بالادستی سیاست‌گذاری علم و آموزش عالی از چالش «فقدان سیاست‌گذاری اجتماعی مبتنی بر اخلاق مسئولیت» سخن بگوید. با پیروزی انقلاب اسلامی و تأکید گفتمانی این انقلاب بر آرمان عدالت و برابری اجتماعی، تمام دولت‌ها با هدف تحقق «عدالت آموزشی» از سیاست همگانی و «توده‌ای» کردن و به تعبیر دیگر، «دموکراتیزاسیون» آموزش عالی حمایت نسبی کرده‌اند. با توجه به اهمیت آموزش عالی در دسترسی فرودستان شهری و روستایی به فرصت‌های زندگی بیشتر، عدالت آموزشی به دستور کار سیاست‌گذاری دانشگاه در ایران تبدیل شده است. سیاست عدالت آموزش عالی در ایران اگرچه با وضعیت آرمانی خود فاصله بسیار دارد، زمان بررسی نتایج اجرای این سیاست فرارسیده است. اگر بر مبنای مفهوم «اخلاق مسئولیت» ماکس وبر به تبعات و هزینه‌های آشکار و پنهان، کوتاه‌مدت و بلندمدتِ برابری اجتماعی در آموزش عالی توجه کنیم، این پرسش مهم مطرح است که آیا اجرای عدالت آموزشی به نهاد آموزش عالی، جامعه و نظام سیاسی ایران آسیب وارد نکرده است؟ آیا هدف «عدالت آموزشی» با اهداف کلان مطرح در اسناد بالادستی علم و آموزش عالی کشور

سیاست‌گذاری آموزش، علم و فناوری | ۲۴۵

سازگار بوده است؟ مقاله حاضر مدعی است «توسعه عدالت آموزشی» با سایر اهداف نظام آموزش عالی در ایران سازگار و قابل جمع نبوده و نه تنها به کیفیت آموزش و پژوهش‌های دانشگاهی آسیب رسانده که مشکلات جدیدی برای آموزش عالی، جامعه و نظام سیاسی ایجاد کرده است. بر این اساس، ضروری است درباره معنا و پیامدهای ناخواسته سیاست برابری آموزشی، بازنگری و بازاندیشی اساسی صورت بگیرد.

کلیدواژه‌ها: عدالت آموزشی، توده‌ای شدن آموزش عالی، سیاست‌گذاری مبتنی بر اخلاق مسئولیت، ناسازگاری سیاست‌ها.

بررسی توسعه نظام آموزش عالی کشور با تکیه بر تنوع فرهنگ‌های محلی - قومی

روح اله نصرتی؛ استادیار گروه مردم‌شناسی دانشگاه تهران

چکیده

توسعه علم و نظام آموزش عالی در کشور ما می‌تواند با تکیه بر مختصات و ظرفیت‌های فرهنگی جامعه ایرانی رشد کند. بخشی از این ظرفیت در نظام معنایی جامعه ایرانی در ارتباط با اهمیت علم و دانش و تأثیر آن در کسب موقعیت و اعتبار اجتماعی ریشه دارد. بخش دیگر آن، وجود یک فرهنگ بسیار غنی، ریشه‌دار و چند هزار ساله ایرانی - اسلامی در کشور ما است که خود متشکل از تنوع‌های خرده فرهنگی بسیار گوناگون قومی، محلی، زبانی و ... غیره است. بنابراین، آنچه در مقاله حاضر مورد نظر است پاسخ به این سؤال است که چگونه می‌توان از ظرفیت‌های محلی - قومی موجود در کشور برای توسعه نظام آموزش عالی کشور استفاده کرد تا جایگاه علمی کشور را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی بهبود بخشید. چه سیاست‌هایی را در راستای توسعه نظام آموزش عالی می‌توان پیشنهاد داد. روش پژوهش حاضر روش اسنادی و روش تحلیل ثانویه داده‌های موجود در موضوع آموزش عالی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد براساس روندهای موجود جهانی در حوزه فرهنگ و به‌طور خاص‌تر در حوزه نظام‌های آموزش عالی، کشورهای اروپایی و آمریکا و اخیراً کشورهای آسیای شرقی از فرصت آموزش عالی در قالب اعطای بورس‌های تحصیلی و فرصت‌های مطالعاتی در راستای ارتقاء

سیاست‌گذاری آموزش، علم و فناوری | ۲۴۷

موقعیت علمی و تقویت فرهنگ و زبان ملی خود استفاده می‌کنند. از طرف دیگر، کشور ما دارای پتانسیل‌های فرهنگی - قومی و محلی است و دارای تداوم مرزی با کشورهای منطقه است که می‌توان از این پتانسیل در راستای ارتقاء موقعیت منطقه‌ای و جهانی نظام آموزش عالی کشور و به‌صورت ضمنی، تقویت فرهنگ و زبان ملی استفاده کرد. برای تحقق این هدف، بازنگری در سیاست‌های آموزش عالی می‌تواند راهگشا باشد.

کلیدواژه‌ها: آموزش عالی، تنوع فرهنگی محلی - قومی، تکرگرای فرهنگی.

الزامات سیاست‌گذارانه در مسیر کاهش شکاف جنسیتی در عرصه علم و فناوری ایران

لیلا فلاحتی

عضو هیئت علمی گروه مطالعات زنان

مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

چکیده

جهان امروز در آستانه انقلاب پنجم صنعتی، در حال بازآرایی نقش‌های کلیدی بشر در عصر سیطره ماشین و هوش مصنوعی در اقتصاد است. سرعت تحولات در سه انقلاب صنعتی سوم (۱۹۸۰) و چهارم (۲۰۰۰) و پنجم (۲۰۲۰) بسیار بالا بوده و برخلاف دو انقلاب سوم و چهارم که ماشین انسان را به کنترل خود درآورده بود، در انقلاب پنجم انسان در مرکز تحولات قرار دارد. این در حالی است که هم‌زمان و در چهار دهه گذشته، حوزه علم و فناوری در سراسر جهان همچنان مردانه باقی مانده است. هدف این مقاله بررسی مقایسه‌ای سهم زنان ایران در عرصه علم و فناوری و مهم‌ترین راهبردهای سیاست‌گذارانه برای کاهش نابرابری در این عرصه است. روش مورد استفاده در این مطالعه، اسنادی و مبتنی بر مقایسه داده‌های آماری در زمینه سهم زنان در حوزه علم و فناوری ایران است. یافته‌ها نشان می‌دهد میانگین جهانی سهم زنان در رشته‌های علم و فناوری ۲۲ درصد است و سهم زنان در ایران در رشته‌های مرتبط با علم و فناوری ۱۶ درصد است. عدم حضور زنان در این رشته‌ها مستقیماً بر سهم زنان در بازار کار

سیاست‌گذاری آموزش، علم و فناوری | ۲۴۹

تخصصی این رشته‌ها نیز تأثیر دارد و عملاً این بدان معناست که زنان مهم‌ترین بازماندگان عصر تکنولوژی هستند. یکی از ویژگی‌های مهم انقلاب پنجم صنعتی، بالابودن سهم مشاغل دورکار است که قابلیت ایجاد توازن بیشتر بین نقش‌های کار و زندگی را فراهم می‌آورد و با شرایط زنان هم‌سازی بیشتری دارند. از جمله سیاست‌های مهم در توسعه و ترویج حضور زنان در این رشته‌ها معرفی الگوهای متنوع شغلی و قابلیت‌های توسعه کارآفرینی بر بستر رشته‌های مرتبط با تکنولوژی، به‌ویژه در صنایع مرتبط با فناوری اطلاعات و ارتباطات، است.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری، شکاف جنسیتی، زنان، علم و فناوری، فناوری اطلاعات و ارتباطات.

نقدی پست‌مدرن بر سیاست‌گذاری اجتماعی آموزش عالی در ایران؛ مبنای امکانی و سوژه‌های منسجم‌شده

عطیه خاکسار فرد؛ دانشجوی دکتری دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

مهدی خضریان؛ پژوهشگر

چکیده

جودیت باتلر در نقد فمینیستی خود بر پست‌مدرنیسم، ضمن پرسش از بنیادهای کل‌گرایانه آن که به منقاد کردن و زدودن هر آنچه می‌خواهد در موردش شرح دهد، منجر می‌شود، برآمدن سوژه را هم به‌عنوان مبنایی برای امکان سیاست و هم به‌مثابه امکانی برای مسئله شدن هر گزاره کلی، تلقی می‌کند. در واقع، مسئله باتلر عدم‌تبدیل سوژه محوری و زبان محوری (شالوده محوری) به مسئله است؛ روایتی از ساخت یک مینا برای امکان سیاست که گویی پست‌مدرنیسم به تخریب آن در قالب تخریب هر نوع شالوده‌ای روی آورده است. این نوشتار گزاره مدنظر باتلر را به حوزه اجتماعی تسری داده و ایجاد کلیت‌هایی که در نقشی مبنایی به طرد و حذف سوژه‌ها می‌انجامد را محل پرسش قرار می‌دهد. مسئله اصلی و مورد پرسش، سوژه‌های منسجم شده از طریق تأسیس کلیت‌های اجتماعی در آموزش عالی ایران است. بومی‌گزینی یکی از مهم‌ترین محمل‌های این تأسیس‌گری کلی در زدودن و منقاد کردن سوژه‌ها از طریق انسجام صورتی آن‌هاست. روش مورد استفاده در این پژوهش پدیدارشناسی است به این معنا که پدیدار را به دور از رویکرد طبیعی و تجربی، در ساحتی پیشاتجربی و استعلایی مأمون

سیاست‌گذاری آموزش، علم و فناوری | ۲۵۱

تفکر و تولید معنا قرار می‌دهد. پدیدرشناسی هم نظریه است و هم نوعی کیفیت در پرداختن به مفهوم سازی‌هایی که قاعداً باید در حوزه زبان واجد معنا باشند. منابع مورد استناد برای بازآرایی داده‌ها، منابع و اسناد سیاست‌گذاری موجود در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و مجموعه ساختارهای وابسته به آن مانند موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی است. برخی نتایج نشان می‌دهد تأسیس مبناهایی که سیاست‌گذاران آموزش عالی به‌عنوان مزایای بومی‌گزینی مطرح کرده‌اند، در واقع دستگاهی منسجم‌کننده است که سعی دارد ذیل کلیتی ایجابی به نام انسجام، مقاصد خود را روا سازد. این مقاصد هنجاری به گونه عمل می‌کنند که در یک دستگاه مفهومی به ظاهر مشروع به طرد و یا مسدود کردن امکان حضور سوژه می‌انجامد. این نوشتار، چگونگی غیریت‌سازی از این سوژه‌ها را در استعاره کلیت مورد استناد این اسناد و منابع شرح می‌دهد. یکی از این استعاره‌ها، خود امکان سیاست‌گذاری اجتماعی در آموزش عالی ایران است که به انسداد فرض سوژه در زمینه‌ای فرهنگی و اجتماعی می‌انجامد.

کلیدواژه‌ها: مبنای امکانی، کلیت، بومی‌گزینی، سوژه منسجم، سیاست‌گذاری اجتماعی.

سیاست‌گذاری آموزش عالی و بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی

احسان مردوخ روحانی؛ دبیرخانه شهر خلاق سنندج

حیدر ارشادی؛ اداره آموزش و پرورش سنندج

چکیده

در این مقاله بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی و ارتباط آن با سیاست‌گذاری آموزش عالی بررسی شده است. در سال‌های اخیر آمار بیکاران فارغ‌التحصیل دانشگاهی افزایش یافته است. روش به‌کاررفته در این مقاله، تاریخی-اسنادی است و از این‌رو اطلاعات و داده‌های دسته اول و دوم مرتبط با موضوع مقاله مورد بررسی قرار گرفته شده است. در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، آمار ورود به دانشگاه به‌صورت چشمگیری افزایش یافت. در حالی که در دوره پهلوی، شمار افرادی که به دانشگاه وارد می‌شدند، محدود بود. این افزایش با توسعه رشته‌های دانشگاهی و واحدهای تازه آن همراه بود. امروزه در اکثر رشته‌های دانشگاهی در داخل کشور، افراد می‌توانند به تحصیل بپردازند و تحصیل دانشگاهی، رؤیایی دست‌نیافتنی و دشوار نیست. اما این گسترش سریع دانشگاه‌های کشور، بدون توجه به نیازهای بازار کار و مهارت‌های لازم است. این عدم‌توجه را می‌توان در ربه‌بندی دانشگاه‌های ایران، نسبت استاد به دانشجو و نیز بیکاری بالای دانش‌آموختگان دید. دانشگاه‌های کشور در رتبه‌بندی جهانی، جایگاه قابل‌قبولی ندارند و نسبت استاد به دانشجو، به ویژه استاد به دانشجو نسبت پایینی است. بیکاری بالای دانش‌آموختگان دانشگاهی در سال‌های اخیر تحول کیفی یافته است. در

سیاست‌گذاری آموزش، علم و فناوری | ۲۵۳

حالی که تا دهه پیش، اکثر افراد بیکار را افراد دانشگاه‌نرفته تشکیل می‌داد، از اواسط دهه ۱۳۸۰ به این سو آرام‌آرام بر درصد افراد صاحب مدرک و دانش‌آموخته دانشگاهی افزوده می‌شود. این امر نشان از بی‌توجهی به مهارت‌آموزی و توجه به کیفیت آموزش در فرآیند آموزش دارد.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری آموزش عالی، بیکاری دانش‌آموختگان، کیفیت آموزش، پذیرش دانشجو، تنوع رشته‌ها، انواع دانشگاه‌های کشور.

سیاست‌گذاری سلامت و تأمین اجتماعی

نشاط و شادکامی در ایران؛ امری در میانه سیاست اجتماعی و سیاست فرهنگ

محمد امیر پناهی؛ استادیار جامعه‌شناسی
و عضو پژوهشکده مطالعات و سیاست‌گذاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

مهدی مالمیر؛ استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

میثم شمسی کوشگی؛ دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی سیاسی
دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

مسئله شادی امری حیاتی و یکی از عناصر مهم زندگی اجتماعی است. کاستن نشاط می‌تواند برای ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اخلاقی، معنوی و... جامعه خطرآفرین باشد. شواهدی در دست است که جامعه ایران در این مسئله با چالش‌هایی روبه‌روست. در این پژوهش با بهره‌گیری از روش اسنادی و مطالعه متون و داده‌ها و آمارهای گوناگون، تلاش بر این است تا با بررسی زمینه‌های فرهنگی، دینی، اقتصادی و رفاهی شکل‌گیری نشاط اجتماعی در جامعه ایران، به چارچوبی برای فهم مسئله نشاط اجتماعی دست یابیم. رویکرد نظری مبتنی بر نظریات مطرح در حوزه سیاست اجتماعی و سیاست فرهنگ است. ایده و مفروضه اصلی پژوهش این است که در بطن تاریخ، دین، فرهنگ و اجتماع جامعه ایرانی نشاط، اخلاق نیکو و حسنه، شوخ‌طبعی و بذله‌گویی و... عنصری محوری و مهم بوده و هست. بنابراین، مسئله‌مندی نشاط در جامعه

سیاست‌گذاری سلامت و تأمین اجتماعی | ۲۵۷

ایرانی برخلاف این پیشینه تاریخی، سؤال و دغدغه‌ای است که می‌بایست در پرتو دو کلان حوزه «سیاست فرهنگ» و «سیاست اجتماعی» مورد بحث و بررسی قرار گیرد. یافته‌ها نشان می‌دهند که ظرفیت‌های اجتماعی، فرهنگی و معنوی فراوانی وجود دارد که در ادوار مختلف تاریخی، حتی در سخت‌ترین شرایط، تأمین‌کننده ابتهاج خاطر و امنیت هستی‌شناختی انسان ایرانی بوده است. آنچه در زندگی روزمره انسان ایرانی در دهه‌های اخیر در حال رخ‌دادن است، برخلاف انتظارات اجتماعی و اخلاقی جامعه، فروگاهی بستر نشاط اجتماعی به فضاهای خصوصی و کوچک و تقلیل نشاط اجتماعی به مجموعه‌ای از لذت‌های فردی و منقطع است که می‌تواند منشاء آسیب‌های جسمی و روحی باشد.

کلیدواژه‌ها: نشاط اجتماعی، سیاست فرهنگ، سیاست اجتماعی، شادکامی.

سیاست‌گذاری شادمانی در برنامه‌های توسعه؛ چرا و چگونه؟

سید محسن موسوی؛ استادیار گروه تعاون و رفاه اجتماعی دانشگاه یزد

چکیده

شادمانی و طیف گسترده مفاهیم هم‌خانواده آن طی دهه‌های اخیر به مبنای محملی برای انجام تحقیقات و سیاست‌گذاری‌های گسترده در بسیاری از کشورها تبدیل شده است. دولت‌ها همان‌گونه که درباره ساخت جاده‌ها، نرخ تورم، رشد اقتصادی و... گزارش می‌دهند، ضروری است میزان و نوسانات شادی شهروندان خود را نیز گزارش دهند؛ زیرا از یک سو همه این مقدمات برای آن است که مردم احساس بهتر و زندگی سعادتمندانه‌تری را تجربه کنند و از دیگر سو، شاخص‌های شادمانی و رضایت از زندگی تا حد زیادی، بازتابی از عملکرد دولت و حاکمیت به شمار می‌آید. این پژوهش با هدف ارزیابی سیاست‌گذاری‌ها در زمینه شادمانی در کشور، به‌خصوص وضعیت و جایگاه آن در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و با روش تحلیل محتوا و فرامطالعه پژوهش‌های قبلی انجام شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد نه تنها در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور، بلکه حتی در ارزیابی‌ها و آسیب‌شناسی‌های این برنامه‌ها نیز کوچک‌ترین ردپایی از مفاهیمی چون شادی، شادمانی، نشاط و رضایت عمومی دیده نمی‌شود. سیاست‌گذاری‌های گه‌گاهی در سطوح میانی کشور نیز اغلب با رویکرد مداخله دولت به‌منظور «تولید یا مهندسی نشاط اجتماعی» صورت گرفته است که این به‌زعم بسیاری از صاحب‌نظران، راه معکوسی را می‌پیماید. تجارب و مطالعات قبلی در زمینه سیاست شادمانی، نشان می‌دهد دولت برای افزایش سطح شادمانی و نشاط اجتماعی، به‌جای

سیاست‌گذاری سلامت و تأمین اجتماعی | ۲۵۹

ورود مستقیم باید در وهله اول، موانع شادمانی را مرتفع و در درجه دوم، عوامل موجد آن را تقویت کند. در انتهای پژوهش، پیشنهادهایی در زمینه سیاست‌گذاری شادکامی در کشور ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری شادمانی، برنامه‌های توسعه، نشاط اجتماعی، رضایت عمومی، عملکرد دولت.

مددکاری اجتماعی و سیاست‌گذاری اجتماعی: چالش‌ها و ضرورت‌ها

حمیده عادلین راسی؛ استادیار گروه مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

مددکاران اجتماعی نقش تأثیرگذاری بر امور اجتماعی جوامع دارند؛ اما مشارکت آنان در عرصه سیاست‌گذاری محدود است. این موضوع یکی از نقدهای اساسی در اکثر کشورها، از جمله ایران می‌باشد. پرسش اساسی این مطالعه عبارت است از اینکه چه مؤلفه‌هایی بر حضور مددکاران اجتماعی در امر سیاست‌گذاری تأثیر دارند؟ این پژوهش، کیفی است و از تحلیل تماتیک در آنالیز داده‌ها استفاده شده است. نتایج نشان داد که اهمیت سیاست‌گذاری در مددکاری اجتماعی به مفهوم و چگونگی پیاده‌سازی عدالت اجتماعی برمی‌گردد. لذا مددکاران اجتماعی که این هدف را دنبال می‌کنند، از آنجایی که بر مداخله‌های مبتنی بر توسعه و تغییر اجتماعی تأکید دارند، احتمال بیشتری هست که در عرصه سیاست‌گذاری ورود کرده و از آن حمایت نمایند. از طرفی می‌توان گفت که اهداف جامعه‌محور مددکاری اجتماعی نیز به تأکید بر سیاست‌گذاری کمک می‌کند. از دیگر نتایج می‌توان به نقش بیشتر دولت در تأمین رفاه و بازتوزیع مجدد منابع و تأثیر آن بر نقش و جایگاه مددکاری اجتماعی در سیاست‌گذاری اشاره داشت. بر این اساس، در جوامعی که ایده‌های نومحافظه‌کارانه تقویت می‌شود، مددکاران اجتماعی از عرصه سیاست‌گذاری و ورود به آن دور می‌شوند. به‌طور کلی، در سیاست‌گذاری بر ریشه‌های ساختاری مشکلات تأکید می‌شود و هدف ترویج سیاست‌هایی است که حقوق اجتماعی

سیاست‌گذاری سلامت و تأمین اجتماعی | ۲۶۱

را برای همگان، به‌ویژه افراد محروم، دنبال می‌کنند؛ لذا مددکاری اجتماعی با رویکردهای انتقادی تمایل بیشتری بر مشارکت در سیاست‌گذاری خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها سیاست‌گذاری، مددکاری اجتماعی، ایران، عدالت اجتماعی، رویکرد انتقادی.

بررسی انتقادی سیاست‌های مربوط به بیماری‌های روانی در ایران از منظر اجتماعی

نوح منوری؛ استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

آیدا نوابی؛ دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

چکیده

نظر به اهمیت در نظر گرفتن بیماری‌های روانی به عنوان یک مسئله اجتماعی که خود می‌تواند یکی از نشانه‌های بحران‌های اجتماعی باشد، این مقاله توجه به ابعاد اجتماعی بیماری‌های روانی را در سیاست‌گذاری‌های مربوط بررسی می‌کند. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل مضمون، متن سیاست‌ها و برنامه‌های مربوط به سلامت روان بررسی شده است. مقولات به کاررفته در تحلیل اسناد با استراتژی قیاسی-استقرایی و با در نظر گرفتن تئوری‌های موجود در روان‌شناسی مبتنی بر جامعه و استفاده از ادبیات انتقادی جامعه‌شناسی بیماری‌های روانی استخراج شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که خلاءهایی چون ابهام در تعریف بیماری روانی، سیطره نگاه پزشکی، کم‌توجهی به موضوع بر ساخت اجتماعی بیماری‌های روانی، بی‌توجهی به عاملیت بیماران، ابهام در نقش‌های سازمانی، ضعف تدوین قوانین حمایتی و اختصاصی، و نگاه تک‌ساحتی به مسئله درمان و بستری در اسناد مربوط به چشم می‌خورد. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که سیاست‌های سلامت روان نمی‌تواند صرفاً بر اساس نگاه پزشکی و درمانی تدوین شود و نیاز است تا از بینش‌های عمیقی که علوم اجتماعی در این حوزه شکل

سیاست‌گذاری سلامت و تأمین اجتماعی | ۲۶۳

می‌دهد بهره‌مند شود. در ایران لزوم به‌روزرسانی سیاست‌های سلامت روان کاملاً حس می‌شود و قوانین و سیاست‌های این حوزه نیازمند بازنگری اساسی، به‌ویژه بر مبنای مطالعات بین‌رشته‌ای است. بر این اساس باید آمار و اطلاعات و پایگاه‌های داده‌ای قوی از مسائل حوزه سلامت روان شکل بگیرد و در دسترسی پژوهشگران قرار بگیرد. نگاه پژوهش‌محور بین‌رشته‌ای به سلامت روان کمک می‌کند که به امور چون توسعه امکان‌های اجتماعی مشاوره، جلوگیری از برچسب‌خوردن، روش‌های درمانی غیر از بستری و غیره به‌طور جدی‌تر در دستور کار قرار بگیرد.

کلیدواژه‌ها: جامعه‌شناسی، مسئله اجتماعی، سیاست‌گذاری، سلامت روان، بی‌ثباتی.

موانع و چالش‌های سیاست‌گذاری در حوزه سالمندان در ایران

جواد فعلی؛ گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور

چکیده

سالمندان به‌عنوان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر در جامعه دارای چالش‌های زیادی جهت بهبود کیفیت زندگی خود هستند. روند افزایشی تعداد سالمندان در سال‌های آینده باعث پیچیده‌تر شدن مشکلات آن‌ها خواهد شد. از طرف دیگر، تاکنون برنامه‌ریزی منسجمی برای حمایت از آن‌ها صورت نگرفته و به‌عنوان یک گروه آسیب‌پذیر در حاشیه قرار گرفته‌اند. ادامه این روند یعنی افزایش تعداد سالمندان و عدم سیاست‌گذاری درخور، منجر به آسیب‌های جدی به این گروه و حتی جامعه خواهد شد. در این تحقیق ما به بررسی موانع و چالش‌هایی که در حوزه سیاست‌گذاری سالمندان در ایران وجود دارد، پرداخته‌ایم. جامعه آماری این تحقیق ۱۳ نفر از متخصصان حوزه سالمندی می‌باشند که با روش گلوله‌برفی انتخاب شده‌اند. روش گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تماتیک سود جسته‌ایم. نتایج این تحقیق نشان داد؛ مهم‌ترین دلایل عدم وجود سیاست‌گذاری منسجم در حوزه سالمندی در ایران ناشی از عوامل متعددی است. از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: مطرح‌نبودن مسئله سالمندی به‌عنوان یک مسئله اجتماعی در بین برنامه‌ریزان و دولتمردان؛ فقدان تعهد و اراده سیاسی در دولت؛ نگاه حامی‌پروری به سالمندان در گروه‌های سیاسی مختلف؛ ضعف منابع مالی در این حوزه؛ ضعف همکاری بین‌بخشی؛ فقدان نظام اطلاعات جامع؛ فقدان نگاه حق‌محور به حوزه سالمندان. این موارد پیشنهاد می‌شود:

سیاست‌گذاری سلامت و تأمین اجتماعی | ۲۶۵

دولت در حوزه سالمندی رویکرد رفاهی شکل دهد؛ مسائل سالمندان توسط پژوهشگران
برساخت شود؛ نظام جامع اطلاعات سالمندان شکل گیرد؛ یک سازمان مشخص وظیفه
خدمات‌رسانی به سالمندان را برعهده گیرد.

کلیدواژه‌ها: سالمندان، چالش‌های سیاست‌گذاری، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، کیفیت
زندگی، ایران.

مطالعهٔ اثرات متغیرهای اقتصادی و اجتماعی بر سلامت با استفاده از مدل ARDL

سعیده گراوند؛ دبیر گروه نظرسنجی و افکارسنجی
موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی

مونا خورشیدی؛ دبیر گروه مطالعات اجتماعی و فرهنگی
موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی

عبدالواحد خدامرادی؛ مدیر گروه سیاست‌گذاری و اقتصاد سلامت
موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی

چکیده

عموماً سیاست‌ها با هدف ارتقای وضعیت موجود اتخاذ می‌شوند. زمانی که شرایط خاصی در جوامع ایجاد می‌شوند که نیازمند بهبود یا اصلاح هستند، دولت‌ها به دنبال وضع سیاست‌ها و برنامه‌هایی برای رفع آن شرایط هستند. با این حال، بیشتر مواقع قضاوت پیرامون محقق شدن اهداف سیاست‌ها دشوار است؛ زیرا طیف گسترده‌ای از متغیرهای مختلف در تحقق و ارزیابی آن برنامه‌ها اثرگذار هستند. در این میان، نظام سلامت یکی از عرصه‌های مهم امر سیاست‌گذاری است که تصمیم‌های اتخاذشده در این بخش، بر افراد جامعه به صورت مستقیم و غیرمستقیم اثر دارد. بازار ارائه خدمات سلامت در ایران در اکثر بخش‌ها نیازمند مداخله دولت است؛ لذا بررسی میزان اثرگذاری متغیرهای مختلف بر متغیر سلامت، می‌تواند به شناخت بهتر این مسئله از جانب دولت و

سیاست‌گذاری سلامت و تأمین اجتماعی | ۲۶۷

سیاست‌گذاری هرچه بهتر آن کمک کند. مهم‌ترین هدف این پژوهش مطالعه اثرات متغیرهای مهم اقتصادی و اجتماعی بر شاخص‌های مختلف سلامت در کشور است. در این پژوهش اثر متغیرهایی همچون نرخ بیکاری، نرخ تورم، ضریب جینی و چندین متغیر دیگر بر متغیرهای امید به زندگی، نرخ مرگ‌ومیر و نرخ مرگ‌ومیر کودکان زیر پنج سال طی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۴۰۰ با استفاده از مدل ARDL و نرم‌افزار EViews بررسی خواهد شد. داده‌های این پژوهش از پایگاه‌های مختلفی از جمله مرکز آمار ایران، بانک مرکزی، سازمان جهانی بهداشت و بانک جهانی گردآوری می‌شود. اثر شاخص‌های مختلف بر سلامت در درازمدت بررسی خواهد شد همچنین اثرات آن‌ها در دوره‌های کوتاه‌مدتی از جمله دوره جنگ تحمیلی، سازندگی، اصلاحات، عدالت‌محور و دولت تدبیر و امید مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: سلامت، متغیرهای اجتماعی و اقتصادی، نابرابری درآمدی، سیاست‌گذاری سلامت، مدل ARDL.

ناهمگنی فضایی سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه بهداشت و سلامت و نابرابری‌های اجتماعی

مهرداد مبارکی؛ گروه پژوهشی توسعه اجتماعی جهاد دانشگاهی واحد استان مرکزی

نجمه‌سادات مصطفوی؛ معاونت پژوهشی پردیس جهاد دانشگاهی استان مرکزی

چکیده

بهره‌مندی و دسترسی عادلانه به امکانات و خدمات بهداشتی سلامت اجتماعی جامعه را به دنبال دارد؛ در حالی که شکاف و ناعادلانگی در این حوزه می‌تواند سطوح بالاتری از مخاطرات سلامتی را موجب گردد. برای کاربرد موفق سیاست اجتماعی در سلامت، باید راهبردهای مؤثری برای ارتقای فرایند سیاست اجتماعی سلامت، از چه؟ به چه؟ و چگونه؟ تدوین کرد. در این مقاله برای پاسخ به سؤال از چه؟ یا همان وضعیت اولیه در حوزه بهداشت و سلامت در راستای مسئله نابرابری‌های اجتماعی به بررسی دسترسی و بهره‌مندی شهروندان ساکن در استان‌های کشور از امکانات و خدمات بهداشتی و درمانی پرداخته می‌شود. روش این مطالعه تحلیل ثانویه و منبع اصلی دستیابی به اطلاعات، داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن است. جامعه آماری ۳۱ استان کشور است. جهت سنجش بهره‌مندی از امکانات و خدمات بهداشتی و درمانی از ۵ شاخص ترکیبی و برای سنجش دسترسی به امکانات و خدمات بهداشتی و درمانی از ۲۰ شاخص استفاده شد. مطابق نتایج، استان‌های تهران و سیستان و بلوچستان از حیث بهره‌مندی و استان‌های تهران و کرمان از حیث دسترسی به امکانات بهداشتی به ترتیب،

سیاست‌گذاری سلامت و تأمین اجتماعی | ۲۶۹

بالاترین و پایین‌ترین رتبه را در بین استان‌های کشور به خود اختصاص داده‌اند. نکته قابل توجه این است که فاصله بین استان‌های بالا و پایین از نظر بهره‌مندی و دسترسی عادلانه به امکانات و خدمات بهداشتی قابل توجه بوده و در بین استان‌های کشور شکاف محسوسی وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری اجتماعی، عدالت اجتماعی، کیفیت زندگی، نابرابری اجتماعی.

کفایت، عدالت بین نسلی و پایداری مالی در سیستم‌های بازنشستگی توازن درآمد-هزینه

شیوا مهدی‌پور قبادلو؛ دبیر گروه بیمه‌های اجتماعی و محاسبات
مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی

چکیده

صندوق تأمین اجتماعی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی نظام رفاهی، از جمله مهم‌ترین صندوق‌های بازنشستگی عمومی است که با روش توازن درآمد-هزینه تأمین مالی می‌شود. در سال‌های اخیر با ظهور پدیده سالمندی جمعیت و وقوع بحران‌های اجتماعی و اقتصادی، صندوق‌های بازنشستگی با چالش‌های بسیاری روبه‌رو شده‌اند که عدم کفایت حقوق و مزایای پرداختی به مستمری‌گیران و بازنشستگان، ناپایداری مالی و عدم تعادل منابع و مصارف صندوق در بلندمدت و عدم وجود اتحاد و عدالت بین نسلی از جمله مهم‌ترین این چالش‌ها عنوان شده است. در بسیاری از کشورهای جهان برای مقابله با مشکلات این صندوق‌ها در مرحله اول اصلاحاتی همانند افزایش نرخ حق بیمه، افزایش سن بازنشستگی و تغییر شیوه محاسبه مستمری بازنشستگی اعمال کرده‌اند. اما سؤال اصلی این است که اعمال اصلاحات تا چه حد در مقابله با این چالش‌ها موفق بوده است. در پژوهش پیش رو، با استفاده از روش تطبیقی و کتابخانه‌ای ضمن بیان ابعاد، الزام و عوامل مؤثر در حفظ سه مؤلفه کفایت مزایای بازنشستگی، پایداری مالی و عدالت بین نسلی در سیستم‌های بازنشستگی درآمد-هزینه، به بررسی نحوه تأثیر اصلاحات پارامتری و ساختاری در حفظ و بهبود این سه مؤلفه پرداخته خواهد شد. به

سیاست‌گذاری سلامت و تأمین اجتماعی | ۲۷۱

همین منظور، تغییرات عملکرد سیستم‌های بازنشستگی عمومی دو کشور آلمان و چین، قبل و بعد از اعمال اصلاحات بازنشستگی مورد مطالعه قرار خواهد گرفت و پیشنهادهایی در خصوص اعمال اصلاحات بازنشستگی صندوق تأمین اجتماعی ایران داده خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: صندوق بازنشستگی، درآمد-هزینه، کفایت، عدالت بین نسلی، پایداری مالی.

دانش مدیریت و چرخه سیاست‌گذاری در نظام سلامت: یک مرور سیستماتیک

ایمان اسکندری؛ دانشجوی بهداشت عمومی دانشگاه علوم پزشکی گناباد

فاطمه قاسمی؛ کارشناس دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی گناباد

کوکب بصیری مقدم؛ استادیار دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد

چکیده

بی‌شک مدیریت مسئله‌ای بسیار مهم و جدایی‌ناپذیر در هر سازمان می‌باشد و هیچ سازمانی هرگز بدون مدیریت نمی‌تواند به اهدافش برسد. مدیریت هنر انجام‌دادن کارها با کمک افراد دیگر، مواد و تأمین منابع مالی می‌باشد. در این راستا نیز سیاست‌گذاری در جهت برقراری سازوکارهای مختلف در حوزه‌های علوم پزشکی صورت گرفته است. سیاست‌گذاری در نظام سلامت به عنوان مغز متفکر نظام سلامت در جهت تحقق اهداف نظام و مسائل مرتبط با آن حوزه می‌باشد که در آن نیاز به تصمیم‌گیری افراد خبره و توانمند ضروری است. افراد سیاست‌گذار باید با درک عمیق از مشکلات و دغدغه‌های مردم در حوزه سلامت انتخاب و به کار گرفته شوند. بر این اساس، مقاله حاضر به دنبال آن بوده است تا تأملی را در باب دانش مدیریت و چرخه سیاست‌گذاری در نظام سلامت شکل دهد. پژوهشگران در این مطالعه مروری با مراجعه به سایت‌های Pubmed، Scopus و SID، مقالاتی را با کلیدواژه‌های فارسی مدیریت، دانش، سیاست‌گذاری و نظام سلامت و کلیدواژه‌های لاتین Policy، Management و Policy Making جست‌وجو نموده و از این بین، ۲۱ مقاله را مورد بررسی قرار دادند. در مجموع، یافته‌ها

سیاست‌گذاری سلامت و تأمین اجتماعی | ۲۷۳

نشان می‌دهد که در اکثریت موارد مدیران اطلاع چندانی از مدیریت و شیوه‌های سیاست‌گذاری نداشتند. نتایج حاکی از آن بود که در اکثریت موارد مدیران با استفاده از خرد فردی و سلیقه‌ای عمل می‌نمودند. از دیدگاه بسیاری از مدیران هم مدیریت شهودی و یک جنبه کاریزماتیک از فرد بود. از آنجا که نظام سلامت هر کشور و سیاست‌گذاری‌های آن نقش تولیتی بر موضوعات کلان کشور دارد بایستی علاوه بر لحاظ کردن تدریس مدیریت در دوره‌های دانشگاه به‌صورت کارگاهی، در محتوای کوریکولوم درسی پزشکان این دروس لحاظ شود و به‌صورت تخصصی، پزشکان و تمام کادر درمان مدیریت را بیاموزند و همچنین می‌توان بعضی از رشته‌ها را برای مدیریت‌ها محدود کرد و از کسانی استفاده نمود که در حوزه مدیریت در علوم پزشکی تحصیلات تخصصی دارند.

کلیدواژه‌ها: مدیریت نظام سلامت، دانش، دانشگاه علوم پزشکی، سیاست‌گذاری سلامت.

سرمایه‌گذاری در سواد سلامت: مقایسهٔ رویکردهای سیاستی ایران با سازمان بهداشت جهانی

راضیه کاهه؛ دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

محمد حسن‌زاده؛ دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

سواد سلامت به معنای توانایی دریافت و درک اطلاعات مربوط به سلامت با هدف فهم مناسب و تصمیم‌گیری درست در راستای ارتقای سلامت فردی و اجتماعی، در سال‌های اخیر اهمیت روزافزونی یافته است. سازمان بهداشت جهانی موضوع سواد سلامت را، به عنوان یکی از شاخص‌های کلیدی، مطرح و تبیین کرده است. کشورهایی که از نظام سلامت کارآمد برخوردارند، برای افزایش سطح سواد سلامت مردم به سیاست‌گذاری ملی می‌پردازند. امروزه سواد سلامت یکی از اجزای اصلی نظام سلامت همگانی تلقی می‌شود و از این رو مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفته و برنامه‌ریزی برای آن اهمیت بسیار یافته است. تامل در الگوها و سیاست‌های سازمان بهداشت جهانی برای سواد سلامت می‌تواند ابعاد مهمی از این مفهوم چندوجهی را به ما معرفی کند. در سطح جهانی سند سیاستی سرمایه‌گذاری در سواد سلامت، گزارش شماره ۱۹ از انتشارات سازمان بهداشت جهانی است که به سیاست‌های مورد توافق در سطح بین‌المللی ذیل راهبردهای فعالیت بین‌بخشی، برجسته کردن تأثیر سواد سلامت فراتر از بخش سلامت، اقتصادسنجی سواد سلامت، مدیریت مالی، تسهیل و ترویج عمومی و اقدامات سواد

سیاست‌گذاری سلامت و تأمین اجتماعی | ۲۷۵

سلامت مادام‌العمر می‌پردازد. سیاست‌های ایران در حوزه سواد سلامت نیز از اسناد بالادستی (مانند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌های کلی سلامت، و قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) قابل استخراج است. این مقاله سیاست‌های سواد سلامت ایران و جهان را ذیل شش گروه سیاستی مقایسه کرده است. یافته‌ها نشان داد راهبردهای موردتوافق در درجه اول (۱) مدیریت اطلاعات و فرهنگ‌سازی، (۲) مدیریت اقدامات مالی، (۳) اقدامات کنترلی و تنظیم‌کننده و تاحدودی، (۴) اولویت‌دادن نمادین بوده است. اما رویکردهای سیاستی در آن‌ها سه تفاوت اصلی داشته است: ایجابی در مقابل سلبی، مشارکت بین بخشی ذی‌نفعان در مقابل تمرکزگرایی رسمی، و فرهنگ‌سازی همگانی در مقابل نخبه‌گرایی و آموزش تخصصی. همچنین دو گروه از سازوکارهای سیاستی (عملیات اجرایی خاص، و سیاست‌های مختص گروه پژوهش و آموزش و زیرساخت علمی) در سطح ایران بیش از جهان موردتوجه سیاست‌گذاران قرار گرفته است که علت‌های آن بررسی شده است. یافته‌های این پژوهش شکاف‌های قابل‌ترمیم و فرصت‌های قابل‌توجه در حوزه سواد سلامت را معرفی می‌کند تا با سیاست‌زدایی و تنظیم مجدد سیاست‌ها زمینه بهبود سواد سلامت فراهم شود.

کلیدواژه‌ها: سواد سلامت، سیاست‌گذاری ملی، اسناد بالادستی، سازمان بهداشت جهانی، جمهوری اسلامی ایران.